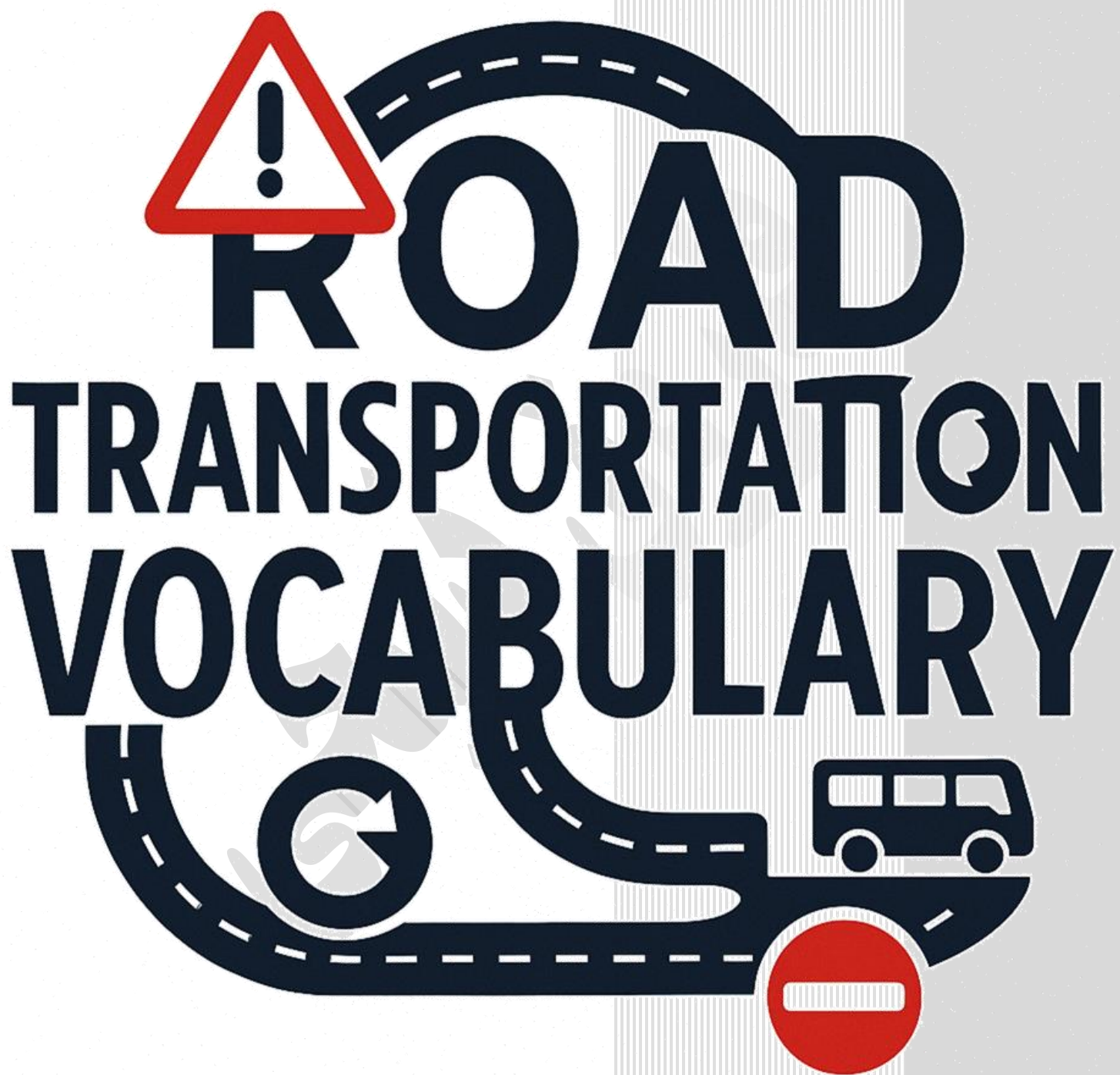




فان لا یبطل

فرهنگ واژگان تخصصی راه، حمل و نقل و ترافیک

(شامل بیش از ۱۰۰۰ واژه کلیدی با معادل و تعریف تخصصی)

فان الله يهدي
من يشاء

مقدمه

در دنیای مهندسی راه و ترابری، شناخت دقیق واژگان تخصصی یکی از پیش‌نیازهای اصلی درک مفاهیم، طراحی، اجرا و نگارش گزارش‌های فنی و پژوهشی است. این فرهنگ واژگان با هدف جمع‌آوری و یکپارچه‌سازی اصطلاحات پرکاربرد در حوزه‌های مختلف مهندسی راه، حمل‌ونقل و ترافیک گردآوری شده است.

منبع حاضر حاصل سال‌ها گردآوری، بررسی میدانی و استخراج از منابع تخصصی، استانداردهای جهانی و پروژه‌های اجرایی بوده و تلاش شده تا تعاریف به شکلی ساده اما دقیق ارائه شوند تا هم برای دانشجویان و هم برای مهندسان و پژوهشگران قابل استفاده باشد.

امیدواریم این مجموعه بتواند به عنوان مرجعی کاربردی، در تسهیل یادگیری، ترجمه، مستندسازی و تصمیم‌گیری‌های فنی مورد استفاده قرار گیرد.

فاروق ذبیحی

کارشناسی ارشد عمران-راه و ترابری

بهار ۱۴۰۳

فان الله يهدي
من يشاء

A

AASHTO	انجمن رسمی بزرگراهها و حمل و نقل ایالتی آمریکا	/ˈæʃ.tou/
AASHTO standards are widely used in highway design.	استانداردهای AASHTO به طور گسترده در طراحی بزرگراه استفاده می‌شوند.	
abrasion	سایش	/əˈbreɪ.ʒən/
Pavement abrasion increases with heavy traffic loads.	سایش روسازی با بارهای سنگین ترافیکی افزایش می‌یابد.	
absorbed water	آب جذب‌شده	/əbˈzɔːrbd ˈwɔː.tər/
The durability of concrete depends on the amount of absorbed water.	دوام بتن به میزان آب جذب‌شده بستگی دارد.	
acceleration lane	خط افزایش سرعت	/əkˌsel.əˈreɪ.ʃən leɪn/
Drivers use the acceleration lane to match the highway speed.	رانندگان از خط افزایش سرعت برای هماهنگی با سرعت بزرگراه استفاده می‌کنند.	
access	دسترسی	/ˈæk.ses/
The road provides easy access to the industrial area.	این جاده دسترسی آسان به منطقه صنعتی را فراهم می‌کند.	
access control	کنترل دسترسی	/ˈæk.ses kənˈtroʊl/
Access control is essential for freeway safety.	کنترل دسترسی برای ایمنی آزادراه ضروری است.	
access opening on expressway	ورودی دسترسی در بزرگراه	/ˈæk.ses ˈou.pən.ɪŋ ðn ɪkˈspres.weɪ/
Each access opening on the expressway must follow design standards.	هر ورودی دسترسی در بزرگراه باید مطابق با استانداردهای طراحی باشد.	
accident	تصادف	/ˈæk.sə.dənt/
The accident caused a major traffic delay.	تصادف باعث تأخیر عمده‌ای در ترافیک شد.	
accident statistics	آمار تصادفات	/ˈæk.sə.dənt stəˈtɪs.tɪks/
Accident statistics help improve road safety planning.	آمار تصادفات به بهبود برنامه‌ریزی ایمنی جاده کمک می‌کند.	
acoustics	آکوستیک / علم صدا	/əˈkuː.stɪks/
Good acoustics are important in tunnel design to reduce noise levels.	آکوستیک خوب در طراحی تونل برای کاهش سطح صدا اهمیت دارد.	
additives	افزودنی‌ها (مواد افزودنی)	/ˈæd.ɪ.tɪvz/

Chemical additives can improve the properties of asphalt.	افزودنی‌های شیمیایی می‌توانند خواص آسفالت را بهبود دهند.	
admixtures	مواد افزودنی (در بتن)	/ˈæd.mɪks.tʃərz/
Admixtures are used to modify the setting time of concrete.	از مواد افزودنی برای تغییر زمان گیرش بتن استفاده می‌شود.	
adsorbed water	آب جذب‌شده سطحی	/ədˈzɔːrbd ˈwɔː.tər/
Adsorbed water affects the bond between cement particles.	آب جذب‌شده سطحی بر چسبندگی بین ذرات سیمان تأثیر می‌گذارد.	
aerodrome elevation	ارتفاع فرودگاه	/ˈer.ə.drəʊm el.ɪˈveɪ.ʃən/
The aerodrome elevation must be recorded for aviation safety.	ارتفاع فرودگاه باید برای ایمنی هوانوردی ثبت شود.	
aesthetic factors	عوامل زیباشناختی	/esˈθet.ɪk ˈfæk.tərz/
Aesthetic factors should be considered in bridge design near urban areas.	عوامل زیباشناختی باید در طراحی پل در نزدیکی مناطق شهری در نظر گرفته شوند.	
aggregates	مصالح سنگی / سنگدانه‌ها	/ˈæɡ.rɪ.ɡəts/
Aggregates make up the bulk of concrete volume.	مصالح سنگی بیشتر حجم بتن را تشکیل می‌دهند.	
air entrained concrete	بتن حاوی هوا (بتن هوازا)	/ˈer mˈtreɪnd ˈkɒn.kri:t/
Air entrained concrete is more resistant to freeze-thaw cycles.	بتن حاوی هوا در برابر چرخه یخ‌زدگی و ذوب مقاوم‌تر است.	
air pollution	آلودگی هوا	/ˈer pəˈluː.ʃən/
Air pollution is a major concern in urban transport planning.	آلودگی هوا یکی از نگرانی‌های اصلی در برنامه‌ریزی حمل‌ونقل شهری است.	
airport pavement	روسازی فرودگاه	/ˈeə.pɔːt ˈpeɪv.mənt/
Airport pavement must withstand heavy aircraft loads.	روسازی فرودگاه باید در برابر بارهای سنگین هواپیما مقاوم باشد.	
airport planning	برنامه‌ریزی فرودگاه	/ˈeə.pɔːt ˈplæn.ɪŋ/
Airport planning involves forecasting future air traffic demand.	برنامه‌ریزی فرودگاه شامل پیش‌بینی تقاضای آینده ترافیک هوایی است.	
air-permeability test	آزمون نفوذپذیری هوا	/ˈer pɜː.mɪ.əˈbɪl.ə.ti test/

The air-permeability test evaluates the compactness of cement paste.	آزمون نفوذپذیری هوا، میزان تراکم خمیر سیمان را ارزیابی می‌کند.	
alignment	ترازی / هم‌راستایی	/ə'laɪn.mənt/
Road alignment should follow the natural topography to reduce costs.	ترازی جاده باید با توپوگرافی طبیعی هماهنگ باشد تا هزینه‌ها کاهش یابد.	
alignment consistency	یکنواختی ترازی / سازگاری مسیر	/ə'laɪn.mənt kən'sɪs.tən.si/
Alignment consistency improves driver comfort and safety.	یکنواختی مسیر موجب راحتی و ایمنی بیشتر راننده می‌شود.	
alligator cracks	ترک‌های SJ،\ سوسماری	/'æɪ.lɪ.geɪ.tər kræks/
Alligator cracks are a common type of fatigue cracking in asphalt pavement.	ترک‌های سوسماری نوع رایجی از ترک‌های خستگی در روسازی آسفالتی هستند.	
alluvial	آبرفتی	/ə'luː.vi.əl/
The highway passes through an alluvial plain.	بزرگراه از میان یک دشت آبرفتی عبور می‌کند.	
alluvium	رسوبات آبرفتی	/ə'luː.vi.əm/
The foundation must be designed carefully on loose alluvium.	پی باید روی رسوبات سست آبرفتی با دقت طراحی شود.	
altitude	ارتفاع (از سطح دریا)	/'æɪ.lɪ.tjuːd/
The road climbs to an altitude of 2000 meters.	جاده تا ارتفاع ۲۰۰۰ متری بالا می‌رود.	
angle of intersection	زاویه تقاطع	/'æŋ.gəl ˌɪn.tə'sekʃən/
A small angle of intersection may require a special intersection design.	زاویه تقاطع کوچک ممکن است نیاز به طراحی خاص تقاطع داشته باشد.	
anticlastic curvature	انحنای پادگنبدی (در جهت مخالف)	/'æn.tɪ'klæs.tɪk 'kɜː.və.tʃər/
Anticlastic curvature is common in the design of suspension bridge elements.	انحنای پادگنبدی در طراحی اجزای پل معلق رایج است.	
anti-lock braking system (ABS)	سیستم ترمز ضد قفل (ABS)	/'æn.tɪ lɒk 'breɪ.kɪŋ ˌsɪs.təm/
ABS helps prevent wheel lock during sudden braking.	سیستم ABS از قفل شدن چرخ‌ها هنگام ترمز ناگهانی جلوگیری می‌کند.	
arch culvert	آبرو طاق‌دار	/ɑːrtʃ 'kʌl.vɜːt/
An arch culvert is used when large water flow needs to pass under a road.	از آبرو طاق‌دار زمانی استفاده می‌شود که جریان آب زیادی باید از زیر جاده عبور کند.	

area of conflict	منطقه تداخل ترافیکی / برخورد مسیرها	/'eə.ri.ə 'kɒn.flɪkt/ əv
Intersections are designed to minimize the area of conflict between vehicles.	تقاطع‌ها طوری طراحی می‌شوند که منطقه تداخل میان وسایل نقلیه را به حداقل برسانند.	
asphalt	آسفالت	/'æ.s.fælt/
The road was resurfaced with a new layer of asphalt.	سطح جاده با لایه‌ای جدید از آسفالت بازسازی شد.	
asphalt bleeding	بالا زدن قیر / تراوش قیر در آسفالت	/'æ.s.fælt 'bli:.dɪŋ/
Asphalt bleeding reduces skid resistance and affects road safety.	بالا زدن قیر باعث کاهش مقاومت لغزش و تأثیر بر ایمنی جاده می‌شود.	
asphalt cement	آسفالتی سیمانی (چسبنده)	/'æ.s.fælt 'si:.mənt/
Asphalt cement is used as a binder in hot mix asphalt.	قیر آسفالتی به عنوان چسبنده در آسفالت گرم استفاده می‌شود.	
asphalt coating	پوشش آسفالتی	/'æ.s.fælt 'kəʊ.tɪŋ/
An asphalt coating was applied to protect the concrete surface.	پوشش آسفالتی برای محافظت از سطح بتن اعمال شد.	
asphalt compaction	تراکم آسفالت	/'æ.s.fælt kəm'pæk.jən/
Proper asphalt compaction increases pavement durability.	تراکم صحیح آسفالت موجب افزایش دوام روسازی می‌شود.	
asphalt concrete	بتن آسفالتی	/'æ.s.fælt 'kɒn.kri:t/
Asphalt concrete is widely used in road construction projects.	بتن آسفالتی به طور گسترده در پروژه‌های راهسازی استفاده می‌شود.	
asphalt distributor	پخش کننده آسفالت (ماشین قیرپاش)	/'æ.s.fælt dɪ'stri.bjʊ.tər/
The asphalt distributor evenly sprays bitumen on the road base.	ماشین قیرپاش قیر را به صورت یکنواخت روی لایه زیرین جاده پخش می‌کند.	
asphalt finishing machine	ماشین نهایی سازی آسفالت (فینیشر آسفالت)	/'æ.s.fælt 'fi.nɪʃ.ɪŋ mə'ʃi:n/
The asphalt finishing machine smooths the top layer of hot mix.	ماشین فینیشر آسفالت، لایه رویی آسفالت داغ را صاف می‌کند.	
asphalt flow	جریان آسفالت	/'æ.s.fælt fləʊ/
Uniform asphalt flow is necessary for consistent compaction.	جریان یکنواخت آسفالت برای تراکم یکنواخت ضروری است.	

asphalt layers	لایه‌های آسفالتی	/ˈæs.fælt ˈleɪ.ərz/
Multiple asphalt layers are applied to achieve required pavement thickness.	برای رسیدن به ضخامت موردنیاز روسازی، چندین لایه آسفالتی اعمال می‌شود.	
asphalt surface treatment	عملیات سطحی آسفالت	/ˈæs.fælt ˈsɜː.fɪs ˈtriː.t.mənt/
Asphalt surface treatment is used to extend pavement life and improve traction.	عملیات سطحی آسفالت برای افزایش عمر روسازی و بهبود چسبندگی انجام می‌شود.	
assessment	ارزیابی	/əˈses.mənt/
Pavement condition assessment is done every two years.	ارزیابی وضعیت روسازی هر دو سال یک‌بار انجام می‌شود.	
at grade intersection	تقاطع هم‌سطح (هم‌معنی با مورد بعدی)	/æt ˌɡreɪd ˌɪn.təˈsek.ʃən/
At grade intersections can cause traffic delays during peak hours.	تقاطع‌های هم‌سطح می‌توانند در ساعات اوج باعث تأخیر ترافیک شوند.	
at-grade intersection	تقاطع هم‌سطح	/æt.ɡreɪd ˌɪn.təˈsek.ʃən/
Traffic lights are commonly used at at-grade intersections.	چراغ‌های راهنمایی معمولاً در تقاطع‌های هم‌سطح استفاده می‌شوند.	
attenuation / depreciation	کاهش / تضعیف (مثلاً انرژی، صدا، ارزش)	/əˈten.juˈeɪ.ʃən/ /ˌdiː.priˈʃiː.ɪ.ʃən/
Sound attenuation barriers are installed along highways.	موانع کاهش صدا در امتداد بزرگراه‌ها نصب می‌شوند.	
Atterberg limits	حدود آتربرگ (ویژگی خاک)	/ˈæt.ər.bɜːg ˈlɪ.mɪts/
The Atterberg limits help classify the plasticity of fine-grained soils.	حدود آتربرگ به طبقه‌بندی خمیرسانی خاک‌های دانه‌ریز کمک می‌کند.	

B

back fill	خاکریزی پس از ساخت	/bæk fɪl/
Back fill is necessary to support the foundation walls.	خاکریزی برای حمایت از دیوارهای پی ضروری است.	
ball test	آزمون توپ (آزمون مقاومت)	/bɔ:l test/
The ball test is used to check the hardness of materials.	آزمون توپ برای بررسی سختی مواد استفاده می‌شود.	
barbed wire	سیم خاردار	/bɑ:bd waɪər/
Barbed wire fences are often used along highways.	سیم خاردار اغلب در طول بزرگراه‌ها استفاده می‌شود.	
barriers	موانع	/'bæriərz/
Concrete barriers improve road safety by preventing crashes.	موانع بتنی با جلوگیری از تصادف، ایمنی جاده را افزایش می‌دهند.	
base	اساس	/beɪs/
The base provides support for the pavement structure.	لایه پایه حمایت ساختار روسازی را فراهم می‌کند.	
base course	لایه اساس (زیر لایه آسفالت)	/beɪs kɔ:rs/
The base course must be compacted properly to ensure durability.	لایه اساس باید به‌درستی متراکم شود تا دوام آن تضمین گردد.	
basin	حوضه	/'beɪ.sɪn/
The drainage basin collects runoff water from the highway.	حوضه آبریز، آب‌های روان را از بزرگراه جمع‌آوری می‌کند.	
basin characteristics	ویژگی‌های حوضه	/'beɪ.sɪn ,kær.ɪk.tə'ris.tɪks/
Basin characteristics affect flood management strategies.	ویژگی‌های حوضه بر استراتژی‌های مدیریت سیلاب تأثیر می‌گذارد.	
batch plant	کارخانه بچینگ (تولید بتن آماده)	/bætʃ plænt/
The batch plant mixes concrete ingredients to prepare fresh concrete.	کارخانه بچینگ مواد بتن را مخلوط کرده و بتن تازه تولید می‌کند.	
bearing capacity	ظرفیت باربری	/'beərɪŋ kə'pæsɪti/
The soil's bearing capacity determines the foundation design.	ظرفیت باربری خاک تعیین‌کننده طراحی فونداسیون است.	

bearing value	مقدار باربری	/'beəriŋ 'vælju:/
The bearing value is tested to assess soil strength.	مقدار باربری برای ارزیابی مقاومت خاک آزمایش می‌شود.	
benefit–cost ratio	نسبت سود به هزینه	/'benɪfɪt kɒst 'reɪʃiʊə/
The benefit–cost ratio helps decide if the project is feasible.	نسبت سود به هزینه کمک می‌کند تا مشخص شود پروژه امکان‌پذیر است.	
bicycle	دوچرخه	/'baɪsɪkəl/
The city plans to expand bicycle lanes for safer travel.	شهر برنامه دارد مسیرهای دوچرخه را برای سفر ایمن‌تر گسترش دهد.	
binder	ماده چسباننده	/'baɪndər/
Asphalt binder holds the aggregate particles together.	ماده چسباننده آسفالت ذرات مصالح سنگی را کنار هم نگه می‌دارد.	
binder course	لایه چسباننده (لایه میانی آسفالت)	/'baɪndər kɔ:rs/
The binder course improves the strength of the pavement structure.	لایه چسباننده استحکام ساختار روسازی را افزایش می‌دهد.	
bitumen	قیر	/'bɪt.ju:.mən/
Bitumen is used as a binder in asphalt mixtures.	قیر به عنوان ماده چسباننده در مخلوط‌های آسفالتی استفاده می‌شود.	
bitumen emulsion	امولسیون قیر	/'bɪt.ju:.mən i'mʌl.ʃən/
Bitumen emulsion is used in surface treatments and cold mixes.	امولسیون قیر در عملیات سطحی و مخلوط‌های سرد استفاده می‌شود.	
bituminous concrete	بتن قیری	/bɪ'tju:.mɪ.nəs 'kɒn.kri:t/
Bituminous concrete provides a durable wearing surface for roads.	بتن قیری سطح مقاومی برای پوشش جاده‌ها فراهم می‌کند.	
bituminous gravel base	پایه شن و ماسه قیری	/bɪ'tju:.mɪ.nəs 'græv.əl beɪs/
The bituminous gravel base improves load distribution under the pavement.	پایه شن و ماسه قیری توزیع بار زیر روسازی را بهبود می‌بخشد.	
black base	اساس قیری	/blæk beɪs/
Black base provides a stable foundation for the asphalt layers.	لایه پایه سیاه پایه‌ای پایدار برای لایه‌های آسفالت فراهم می‌کند.	

blanketing	پوشش‌دهی	/'blæŋ.kɪtɪŋ/
Blanketing the soil with geotextile prevents erosion during construction.	پوشش‌دهی خاک با ژئوتکستایل از فرسایش در حین ساخت جلوگیری می‌کند.	
bleeding	تراوش قیر در آسفالت	/'bliːdɪŋ/
Bleeding occurs when asphalt binder rises to the surface.	تراوش زمانی رخ می‌دهد که قیر آسفالت به سطح بالا می‌آید.	
blister/boss	تاول / برجستگی (در آسفالت یا بتن)	/'blɪs.tər/ /bɒs/
Blisters on the pavement surface indicate trapped air or moisture.	تاول‌ها روی سطح روسازی نشان‌دهنده هوای محبوس یا رطوبت هستند.	
block work	کار با بلوک‌های ساختمانی	/blɒk wɜːrk/
Block work is used for constructing retaining walls.	کار با بلوک برای ساخت دیوارهای حائل استفاده می‌شود.	
blown asphalt	آسفالت دمیده شده (با هوا یا بخار)	/bloʊn 'æs.fælt/
Blown asphalt is used to improve flexibility in pavement layers.	آسفالت دمیده شده برای افزایش انعطاف‌پذیری در لایه‌های روسازی استفاده می‌شود.	
boring log	گزارش حفاری	/'bɔːrɪŋ lɒɡ/
The boring log shows soil layers encountered during drilling.	گزارش حفاری لایه‌های خاک مشاهده شده در حین حفاری را نشان می‌دهد.	
borrow	خاک یا مصالح قرض گرفته شده	/'bɒr.əʊ/
Borrow material is taken from a nearby site to fill the embankment.	مصالح قرض گرفته شده از محل نزدیک برای پر کردن خاکریز استفاده می‌شود.	
boulder	سنگ بزرگ	/'boʊl.dər/
Large boulders can be obstacles during road construction.	سنگ‌های بزرگ می‌توانند در حین ساخت جاده مانع ایجاد کنند.	
box culvert	کانال جعبه‌ای (برای عبور آب یا راه)	/bɒks 'kʌl.vɜːrt/
The box culvert allows water to pass beneath the highway.	کانال جعبه‌ای اجازه می‌دهد آب از زیر بزرگراه عبور کند.	
braided stream	رودخانه چندشاخه	/'breɪ.dɪd striːm/
A braided stream consists of multiple interweaving channels.	رودخانه چندشاخه از چند کانال درهم‌تنیده تشکیل شده است.	

branch connection	اتصال شاخه‌ای	/bræntʃ kə'nek.ʃən/
The branch connection links the main highway to the side road.	اتصال شاخه‌ای بزرگراه اصلی را به جاده فرعی متصل می‌کند.	
breaking stress	تنش شکست	/'breɪ.kɪŋ stres/
Breaking stress is the maximum stress a material can withstand.	تنش شکست بیشترین تنش است که یک ماده می‌تواند تحمل کند.	
breccia	سنگ آذرین شکسته شده (بروسیا)	/'bræk.i.ə/
Breccia is composed of angular rock fragments cemented together.	بروسیا از قطعات سنگی زاویه‌دار تشکیل شده که به هم چسبیده‌اند.	
bridge	پل	/brɪdʒ/
The bridge spans across the river to connect two cities.	پل روی رودخانه کشیده شده تا دو شهر را به هم وصل کند.	
bridge approach railing	نرده‌های ورودی پل	/brɪdʒ ə'prəʊtʃ 'reɪ.lɪŋ/
Bridge approach railings guide vehicles safely onto the bridge.	نرده‌های ورودی پل، وسایل نقلیه را به‌طور ایمن به پل هدایت می‌کنند.	
bridge curb	جدول کناری پل	/brɪdʒ kɜ:rb/
The bridge curb prevents vehicles from driving off the edge.	جدول کناری پل از رانندگی وسایل نقلیه خارج از لبه جلوگیری می‌کند.	
bridge deck	سطح روسازی پل	/brɪdʒ dæk/
The bridge deck needs regular maintenance to ensure safety.	سطح روسازی پل نیاز به نگهداری منظم برای تضمین ایمنی دارد.	
broken-back curve	قوس شکسته	/'broʊ.kən bæk kɜ:rv/
A broken-back curve consists of two curves with different radii.	قوس شکسته از دو قوس با شعاع‌های متفاوت تشکیل شده است.	
bulldozer	بولدوزر	/'bʊl,douzər/
The bulldozer cleared the land for the new highway construction.	بولدوزر زمین را برای ساخت بزرگراه جدید آماده کرد.	
bus	اتوبوس	/bʌs/
The bus service operates every 15 minutes in the city center.	سرویس اتوبوس هر ۱۵ دقیقه در مرکز شهر فعالیت می‌کند.	

bus depot	پایانه اتوبوس	/bʌs dɪ'pou/
The bus depot houses and maintains the city's fleet of buses.	پایانه اتوبوس ها ناوگان اتوبوس های شهر را نگهداری و تعمیر می کند.	
bus loading facilities	امکانات بارگیری اتوبوس	/bʌs 'loʊdɪŋ fə'sɪlɪtɪz/
Bus loading facilities ensure safe and efficient boarding for passengers.	امکانات بارگیری اتوبوس، سوار و پیاده شدن ایمن و کارآمد مسافران را تضمین می کند.	

فان فامیلی

C

California Bearing Ratio (CBR)	نسبت باربری کالیفرنیا	/ˌkæl.ɪˈfɔːr.ni.ə ˈbeər.ɪŋ ˈreɪ.ji.oo/
The CBR test is used to evaluate subgrade strength for pavement design.	آزمون CBR برای ارزیابی مقاومت بستر روسازی به کار می‌رود.	
camp	اردوگاه یا محل اقامت موقت کارگران	/kæmp/
A temporary camp was set up for the construction workers.	یک اردوگاه موقت برای کارگران ساختمانی برپا شد.	
capacity	ظرفیت	/kəˈpæs.ə.ti/
The bridge was designed to carry a load capacity of 50 tons.	پل برای تحمل ظرفیت باری ۵۰ تن طراحی شده است.	
capillary	موبینگی، مربوط به نفوذ موبینگی آب در خاک	/ˈkæp.ɪ.lər.i/
Capillary action can lead to moisture rising in road foundations.	عمل موبینگی می‌تواند باعث بالا رفتن رطوبت در پی جاده شود.	
carriageway signing / road signing	تابلوها و علائم راه (در مسیر عبور وسایل نقلیه)	/ˈkær.ɪdʒ.weɪ ˈsaɪ.nɪŋ/
Proper carriageway signing improves traffic safety and guidance.	نصب مناسب علائم در مسیر عبور وسایل نقلیه ایمنی و هدایت ترافیک را بهبود می‌بخشد.	
cargo	بار، محموله (در حمل‌ونقل)	/ˈkɑːr.goo/
The truck carried construction cargo to the site.	کامیون بار ساختمانی را به محل پروژه حمل کرد.	
carrier	حامل، وسیله حمل	/ˈkær.i.ər/
The freight carrier delivered the materials on time.	شرکت حمل‌ونقل بار، مصالح را به موقع تحویل داد.	
cattle pass	گذرگاه دام	/ˈkæt.əl pæs/
A cattle pass allows livestock to cross under the road safely.	گذرگاه دام به حیوانات اجازه می‌دهد تا با ایمنی از زیر جاده عبور کنند.	
CBR test	آزمایش CBR (نسبت باربری کالیفرنیا)	/siː biː ɑːr test/
The engineer conducted a CBR test to assess soil strength.	مهندس برای ارزیابی مقاومت خاک، آزمایش CBR انجام داد.	
cement coat	لایه/پوشش سیمانی	/siˈment koot/
A cement coat was applied to protect the surface from moisture.	پوشش سیمانی برای محافظت سطح در برابر رطوبت اعمال شد.	
cement concrete	بتن سیمانی	/siˈment ˈkɒn.kriːt/

Cement concrete is widely used for road pavements.	بتن سیمانی به‌طور گسترده در روسازی جاده‌ها استفاده می‌شود.	
cement stabilization	تثبیت با سیمان	/sɪ'ment 'steɪ.bɪ.laɪ'zeɪ.ʃən/ /
Cement stabilization improves the strength and durability of soil.	تثبیت با سیمان مقاومت و دوام خاک را افزایش می‌دهد.	
cement stabilized	تثبیت‌شده با سیمان	/sɪ'ment 'steɪ.bə.laɪzd/
The base layer was cement stabilized to support heavy loads.	لایه پایه برای تحمل بارهای سنگین با سیمان تثبیت شد.	
cement treatment	اصلاح شده با سیمان	/sɪ'ment 'tri:t.mənt/
Cement treatment is applied to enhance soil bearing capacity.	تیمار با سیمان برای افزایش ظرفیت باربری خاک انجام می‌شود.	
center line	خط مرکزی	/'sen.tər laɪn/
The center line divides the road into two lanes.	خط مرکزی جاده را به دو باند تقسیم می‌کند.	
channel flow	کانال جریان	/'tʃæn.əl fləʊ/
Channel flow is essential for proper drainage in road construction.	جریان در کانال برای زهکشی مناسب در ساخت جاده ضروری است.	
channel storage	کانال ذخیره‌سازی	/'tʃæn.əl 'stɔ:.rɪdʒ/
Channel storage helps regulate stormwater runoff.	ذخیره‌سازی در کانال به تنظیم روان آب ناشی از بارندگی کمک می‌کند.	
channelization	کانالیزه‌سازی، هدایت جریان ترافیکی	/'tʃæn.əl.aɪ'zeɪ.ʃən/ n/
Channelization improves traffic safety by directing vehicle movement.	کانالیزه‌سازی با هدایت حرکت وسایل نقلیه ایمنی ترافیک را افزایش می‌دهد.	
channelized traffic	ترافیک هدایت‌شده (ترافیکی که در مسیر مشخص هدایت شده)	/'tʃæn.əl.aɪzd 'træf.ɪk/
Channelized traffic reduces conflicts at intersections.	ترافیک هدایت‌شده، برخوردها را در تقاطع‌ها کاهش می‌دهد.	
chipping	پخش سنگ‌دانه‌های درشت روی سطح (در آسفالت‌کاری)	/'tʃɪp.ɪŋ/
Chipping is done after applying bitumen to form a surface dressing.	پس از اعمال قیر، عملیات چیپینگ برای ایجاد پوشش سطحی انجام می‌شود.	
classification	طبقه‌بندی	/,klæs.ɪ.fɪ'keɪ.ʃən/

Soil classification is important for choosing the right foundation type.	طبقه‌بندی خاک برای انتخاب نوع مناسب پی بسیار مهم است.	
classified traffic count	شمارش طبقه‌بندی‌شده وسایل نقلیه	/'klæs.ɪ.fɑɪd 'træf.ɪk kaʊnt/
A classified traffic count helps in designing appropriate road capacity.	شمارش طبقه‌بندی‌شده وسایل نقلیه به طراحی ظرفیت مناسب جاده کمک می‌کند.	
clay	خاک رس	/kleɪ/
Clay soils have low permeability and high plasticity.	خاک‌های رسی نفوذپذیری کم و پلاستیسیته بالایی دارند.	
clear distance	فاصله ایمن، فاصله آزاد	/klaɪr 'dɪs.təns/
The clear distance from the road edge should be free of obstacles.	فاصله آزاد از لبه جاده باید عاری از موانع باشد.	
clear zone	ناحیه آزاد ایمن (در حاشیه جاده)	/klaɪr zəʊn/
The clear zone provides recovery space for errant vehicles.	ناحیه آزاد فضای باز برای برگشت وسایل نقلیه منحرف شده فراهم می‌کند.	
clearance	فاصله آزاد (ارتفاع، عرض یا فضا)	/'kliə.rəns/
The bridge clearance is sufficient for all types of vehicles.	فاصله آزاد پل برای عبور تمام انواع وسایل نقلیه کافی است.	
clearing the right of way	پاک‌سازی حریم راه	/'kliə.rɪŋ ðə raɪt əv weɪ/
Clearing the right of way is the first step in road construction.	پاک‌سازی حریم راه نخستین مرحله در ساخت جاده است.	
climbing lane	خط عبور برای وسایل نقلیه سنگین در سربالایی	/'klaɪ.mɪŋ leɪn/
A climbing lane allows slower vehicles to move aside on steep slopes.	خط عبور سربالایی به وسایل نقلیه کندتر اجازه می‌دهد کنار بروند.	
cloverleaf interchange	تقاطع چهاربرگ	/'kloʊ.vər.li:f 'm.tə.tʃeɪndʒ/
The cloverleaf interchange reduces traffic conflict at busy junctions.	تقاطع چهاربرگ، برخوردهای ترافیکی را در تقاطع‌های شلوغ کاهش می‌دهد.	
coat	پوشش	/kəʊt/
A protective coat of bitumen was applied to the surface.	یک پوشش محافظ قیر بر روی سطح اعمال شد.	
coating	لایه پوششی، اندود	/'kəʊ.tɪŋ/
The asphalt coating protects the pavement from water infiltration.	پوشش آسفالت از نفوذ آب به روسازی جلوگیری می‌کند.	

code	آیین‌نامه، کُد (مجموعه قوانین و مقررات)	/koud/
Engineers must follow the building code when designing roads.	مهندسان باید هنگام طراحی جاده‌ها از آیین‌نامه ساختمانی پیروی کنند.	
coefficient of roughness	ضریب زبری	/,kou.ɪ'fɪʃ.ənt əv 'rʌf.nəs/
The coefficient of roughness affects the flow rate in open channels.	ضریب زبری بر نرخ جریان در کانال‌های باز تأثیر می‌گذارد.	
coefficient of runoff	ضریب رواناب	/,kou.ɪ'fɪʃ.ənt əv 'rʌn.ɒf/
The coefficient of runoff depends on surface type and slope.	ضریب رواناب به نوع سطح و شیب آن بستگی دارد.	
cohesion	چسبندگی (در خاک یا مواد)	/kou'hi:.ʒən/
Cohesion plays a key role in the shear strength of clay soils.	چسبندگی نقش مهمی در مقاومت برشی خاک‌های رسی دارد.	
cohesive water	آب چسبنده (آبی که توسط نیروهای مولکولی در خاک نگه داشته می‌شود)	/kou'hi:.sɪv 'wɔ:.tər/
Cohesive water is not available for plant absorption.	آب چسبنده برای جذب توسط گیاهان در دسترس نیست.	
cold asphalt	آسفالت سرد	/kould 'æs.fəlt/
Cold asphalt is used for temporary road repairs in cold weather.	آسفالت سرد برای تعمیرات موقت جاده در هوای سرد استفاده می‌شود.	
cold mix asphalt	آسفالت سرد مخلوط‌شده (بدون نیاز به حرارت زیاد)	/kould mɪks 'æs.fəlt/
Cold mix asphalt does not require heating before application.	آسفالت سرد مخلوط‌شده قبل از اجرا نیازی به گرم شدن ندارد.	
collecting ditch	جوی جمع‌کننده (برای هدایت آب‌های سطحی)	/kə'lektɪŋ dɪtʃ/
A collecting ditch diverts surface water away from the road.	جوی جمع‌کننده، آب سطحی را از جاده دور می‌کند.	
colloid	کلوئید (مخلوطی از ذرات ریز پراکنده در مایع یا گاز)	/'kɒ.lɔɪd/
Bitumen behaves like a colloid in emulsified asphalt.	قیر در آسفالت امولسیون‌ی مانند یک کلوئید رفتار می‌کند.	
colloid mill	آسیاب کلوئیدی (دستگاهی برای تولید امولسیون یا مخلوط همگن)	/'kɒ.lɔɪd mɪl/
A colloid mill is used to produce stable bitumen emulsions.	آسیاب کلوئیدی برای تولید امولسیون‌های پایدار قیر استفاده می‌شود.	

comfort	راحتی، آسایش (در حمل‌ونقل: راحتی مسافر یا راننده)	/'kʌm.fərt/
Road surface smoothness affects passenger comfort.	صاف بودن سطح جاده بر راحتی سرنشینان تأثیر می‌گذارد.	
communication	ارتباط، راه ارتباطی	/kə'mju:.nə'keɪ.fən/
Roads play a vital role in regional communication.	جاده‌ها نقش مهمی در ارتباطات منطقه‌ای دارند.	
compacting	فشرده‌سازی/متراکم سازی (عمل فشرده‌کردن مصالح یا خاک)	/kəm'pæk.tɪŋ/
Proper compacting increases the strength of the subgrade.	فشرده‌سازی مناسب، مقاومت بستر جاده را افزایش می‌دهد.	
compacting-factor test	آزمایش ضریب فشرده‌سازی	/kəm'pæk.tɪŋ 'fæk.tər test/
The compacting-factor test is used to determine workability of fresh concrete.	آزمایش ضریب فشرده‌سازی برای تعیین کارایی بتن تازه استفاده می‌شود.	
compaction	تراکم، فشرده‌سازی	/kəm'pæk.fən/
Soil compaction improves the load-bearing capacity of the roadbed.	تراکم خاک، ظرفیت باربری بستر راه را افزایش می‌دهد.	
compaction factor test	آزمایش ضریب تراکم	/kəm'pæk.fən 'fæk.tər test/
The compaction factor test evaluates the workability of concrete.	آزمایش ضریب تراکم، میزان کارایی بتن را ارزیابی می‌کند.	
compactors	فشرده‌سازها (ماشین‌آلات تراکم مانند غلتک‌ها)	/kəm'pæk.tərz/
Vibratory compactors are commonly used in road construction.	فشرده‌سازهای ارتعاشی به‌طور معمول در ساخت جاده‌ها استفاده می‌شوند.	
compressible	قابل فشرده‌سازی، تراکم‌پذیر	/kəm'pres.ə.bəl/
Clay is a highly compressible soil, which affects settlement.	خاک رس بسیار تراکم‌پذیر است که بر نشست اثر می‌گذارد.	
compression reinforcement	آرماتور فشاری	/kəm'preʃ.ən rɪ'ɪn.fɔ:rs.mənt/
Compression reinforcement is used in reinforced concrete beams.	آرماتور فشاری در تیرهای بتن مسلح استفاده می‌شود.	
computer programs	برنامه‌های رایانه‌ای	/kəm'pjʊ:.tər 'prəʊ.græmz/
Engineers use computer programs for traffic simulation and design.	مهندسان از برنامه‌های رایانه‌ای برای شبیه‌سازی ترافیک و طراحی استفاده می‌کنند.	

concentrated flow	جریان متمرکز (آبی که در مسیر مشخصی متمرکز شده)	/'kɒn.sənˌtreɪ.tɪd floʊ/
Concentrated flow can cause erosion along road embankments.	جریان متمرکز می‌تواند باعث فرسایش در شیب‌های کنار جاده شود.	
concentrated load	بار متمرکز (بار وارد بر نقطه خاصی از سازه)	/'kɒn.sənˌtreɪ.tɪd lʊd/
A concentrated load at mid-span causes maximum bending in a beam.	بار متمرکز در میانه تیر بیشترین خمش را ایجاد می‌کند.	
concentration	تمرکز، غلظت (در مهندسی: تمرکز تنش، غلظت آلاینده و غیره)	/'kɒn.sənˈtreɪ.ʃən/
The concentration of pollutants near highways is often high.	غلظت آلاینده‌ها در نزدیکی بزرگراه‌ها اغلب بالاست.	
concrete steel	فولاد بتن (میلگرد مورد استفاده در بتن مسلح)	/'kɒn.kri:t sti:l/
Concrete steel must have good bonding with the concrete.	فولاد بتن باید چسبندگی خوبی با بتن داشته باشد.	
concrete	بتن	/'kɒn.kri:t/
Concrete is the most commonly used material in road structures.	بتن رایج‌ترین مصالح مورد استفاده در سازه‌های راه است.	
concrete barriers	موانع بتنی (برای جداسازی مسیرها یا افزایش ایمنی)	/'kɒn.kri:t 'bær.i.ənz/
Concrete barriers are installed to prevent vehicles from crossing lanes.	موانع بتنی برای جلوگیری از عبور وسایل نقلیه از خطوط نصب می‌شوند.	
conduit	مجرا، کانال (برای انتقال آب، کابل، یا سیالات دیگر)	/'kɒn.dju:.ɪt/
Electrical wires are run through a protective conduit.	سیم‌های برق از طریق یک مجرای محافظ عبور داده می‌شوند.	
confined bed	بستر محصورشده (لایه‌ای از خاک یا سنگ بین دو لایه نفوذناپذیر)	/'kɒnˈfaɪnd bɛd/
A confined bed affects groundwater pressure and movement.	بستر محصورشده بر فشار و حرکت آب زیرزمینی تأثیر می‌گذارد.	
conflict	تداخل، برخورد (در ترافیک یا طراحی مسیرها)	/'kɒn.flɪkt/
Intersection design aims to reduce points of conflict.	طراحی تقاطع با هدف کاهش نقاط تداخل انجام می‌شود.	
confounding	گمراه‌کننده، مداخله‌گر (در تحلیل آماری یا نتایج تجربی)	/'kɒnˈfaʊn.dɪŋ/
Confounding variables may affect the accuracy of traffic studies.	متغیرهای مداخله‌گر ممکن است دقت مطالعات ترافیکی را تحت تأثیر قرار دهند.	

congestion	ازدحام، تراکم (ترافیک سنگین)	/kən'dʒes.tʃən/
Traffic congestion is common during peak hours in urban areas.	ازدحام ترافیک در ساعات اوج در مناطق شهری رایج است.	
consolidation	تحکیم (فرایند کاهش حجم خاک اشباع بر اثر بارگذاری)	/kən.səlɪ'deɪ.ʃən/
Consolidation of clay soils takes a long time under load.	تحکیم خاک‌های رسی تحت بار زمان زیادی می‌برد.	
consolidation test	آزمایش تحکیم	/kən.səlɪ'deɪ.ʃən test/
The consolidation test measures soil settlement under sustained load.	آزمایش تحکیم نشست خاک را تحت بار ثابت اندازه‌گیری می‌کند.	
construction	ساخت‌وساز، عملیات اجرایی	/kən'strʌk.ʃən/
Road construction must follow environmental and safety regulations.	ساخت جاده باید مطابق با مقررات زیست‌محیطی و ایمنی انجام شود.	
contaminant/pollution	آلاینده / آلودگی	/kən'tæmɪ.nənt/ - /pə'luː.ʃən/
Runoff from roads can carry contaminants into nearby water sources.	رواناب از جاده‌ها می‌تواند آلاینده‌ها را به منابع آبی منتقل کند.	
continuous reinforcement	آرماتور پیوسته (در سازه‌های بتن مسلح)	/kən'tɪn.ju.əs rɪ'ɪn.fɔːrs.mənt/
Continuous reinforcement helps reduce cracking in concrete pavements.	آرماتور پیوسته به کاهش ترک‌خوردگی در روسازی‌های بتنی کمک می‌کند.	
contour grading	تسطیح خطوط تراز (ایجاد شیب مطابق با خطوط هم‌ارتفاع)	/'kɒn.tʊər 'greɪ.dɪŋ/
Contour grading helps reduce soil erosion on highway slopes.	تسطیح خطوط تراز به کاهش فرسایش خاک در شیب‌های بزرگراه کمک می‌کند.	
contracted waterway	مجرای آب محدود شده	/kən'træk.tɪd 'wɔː.tər.weɪ/
A contracted waterway may cause flooding during heavy rains.	مجرای آب محدود شده ممکن است در باران‌های شدید باعث سیلاب شود.	
control of access	کنترل دسترسی (محدود کردن ورود و خروج به جاده)	/kən'troʊl əv 'æk.ses/
Control of access improves safety on highways by limiting entry points.	کنترل دسترسی با محدود کردن نقاط ورود، ایمنی بزرگراه‌ها را افزایش می‌دهد.	
control of pollution	کنترل آلودگی	/kən'troʊl əv pə'luː.ʃən/
Effective control of pollution is essential for sustainable road projects.	کنترل مؤثر آلودگی برای پروژه‌های راهسازی پایدار ضروری است.	

controlled access highway	بزرگراه با کنترل دسترسی (مانند آزادراه‌ها)	/kən'troʊld 'æk.ses 'haɪ.weɪ/
Controlled access highways reduce traffic conflicts and improve flow.	بزرگراه‌های با کنترل دسترسی، برخوردهای ترافیکی را کاهش داده و جریان را بهبود می‌بخشند.	
conventional highway	بزرگراه معمولی، بزرگراه غیر آزادراهی	/kən'ven.fə.nəl 'haɪ.weɪ/
Conventional highways often have intersections and direct access to properties.	بزرگراه‌های معمولی اغلب تقاطع و دسترسی مستقیم به املاک دارند.	
converging traffic	ترافیک همگرا (وسیله‌ها که به هم نزدیک می‌شوند)	/kən'vɜ:r.dʒɪŋ 'træf.ɪk/
Converging traffic at intersections requires careful traffic signal control.	ترافیک همگرا در تقاطع‌ها نیاز به کنترل دقیق چراغ‌های راهنمایی دارد.	
convey	انتقال / فهم (معنای دوم «intellection» کمتر رایج است)	/kən'veɪ/ — ,m.tə'lek.fən/
The road design conveys safety to drivers through clear signs.	طراحی جاده از طریق تابلوهای واضح، ایمنی را به رانندگان منتقل می‌کند.	
corner reinforcement	تقویت گوشه (در سازه‌ها برای جلوگیری از ترک)	/'kɔ:r.nər rɪ'n.fɔ:rs.mənt/
Corner reinforcement is necessary to prevent cracks in concrete slabs.	تقویت گوشه برای جلوگیری از ترک‌خوردگی در دال‌های بتنی ضروری است.	
cost analysis	تحلیل هزینه	/kɒst ə'næl.ə.sɪs/
Cost analysis helps in budgeting for highway construction projects.	تحلیل هزینه به برنامه‌ریزی بودجه پروژه‌های ساخت بزرگراه کمک می‌کند.	
count	شمارش (معمولاً شمارش ترافیک)	/kaʊnt/
Traffic count data is collected to evaluate road usage.	داده‌های شمارش ترافیک برای ارزیابی میزان استفاده از جاده جمع‌آوری می‌شود.	
crack	ترک، شکاف	/kræk/
Cracks in pavement need to be repaired promptly to avoid further damage.	ترک‌ها در روسازی باید سریعاً تعمیر شوند تا از آسیب بیشتر جلوگیری شود.	
crack-control reinforcement	آرماتور کنترل ترک (برای کاهش ترک‌خوردگی بتن)	/kræk kən'troʊl rɪ'n.fɔ:rs.mənt/
Crack-control reinforcement reduces the risk of pavement cracking.	آرماتور کنترل ترک، ریسک ترک‌خوردگی روسازی را کاهش می‌دهد.	
cracking	ترک خوردگی، شکستگی (در مصالح)	/'kræk.ɪŋ/
Cracking in concrete pavements indicates structural stress.	ترک خوردگی در روسازی‌های بتنی نشان‌دهنده فشار سازه‌ای است.	

crane-shovel	بیل مکانیکی (جرثقیل با بیل برای خاکبرداری)	/kreɪn 'ʃʌvəl/
The crane-shovel is used for excavating soil on construction sites.	بیل مکانیکی برای خاکبرداری در محل‌های ساخت‌وساز استفاده می‌شود.	
crash	تصادف، برخورد	/kræʃ/
Crash rates decrease with better road design and signage.	نرخ تصادف‌ها با طراحی بهتر جاده و تابلوها کاهش می‌یابد.	
crash cushion	ضربه‌گیر تصادف (ابزاری برای کاهش شدت تصادفات)	/kræʃ 'kʊʃ.ən/
Crash cushions are installed near guardrails to absorb impact.	ضربه‌گیرها نزدیک به گاردریل‌ها نصب می‌شوند تا ضربه را جذب کنند.	
craze crack	ترک سطحی (ترک‌های ریز روی سطح بتن یا آسفالت)	/kreɪz kræk/
Craze cracks often appear as fine lines on the pavement surface.	ترک‌های ریز معمولاً به شکل خطوط نازک روی سطح روسازی ظاهر می‌شوند.	
crazing	ترک خوردگی سطحی ریز	/'kreɪ.zɪŋ/
Crazing reduces the durability of concrete surfaces.	ترک خوردگی سطحی دوام سطوح بتنی را کاهش می‌دهد.	
crest	رأس (بلندی یا نقطه اوج یک تپه، موج یا سازه)	/krest/
The crest of the hill offers a clear view of the valley below.	رأس تپه نمای واضحی از دره زیر آن ارائه می‌دهد.	
critical	بحرانی، حساس (در شرایط یا پارامترها)	/'krɪtɪkəl/
The project reached a critical phase requiring immediate action.	پروژه به مرحله بحرانی رسید که نیازمند اقدام فوری بود.	
critical depth	عمق بحرانی (در هیدرولیک، عمقی که جریان تغییر حالت می‌دهد)	/'krɪtɪkəl dəpθ/
Engineers calculate the critical depth to design efficient channels.	مهندسان عمق بحرانی را برای طراحی کانال‌های کارآمد محاسبه می‌کنند.	
critical flow	جریان بحرانی (جریانی با شرایط خاص در هیدرولیک)	/'krɪtɪkəl fləʊ/
Critical flow occurs when the flow velocity matches the wave speed.	جریان بحرانی زمانی اتفاق می‌افتد که سرعت جریان با سرعت موج برابر شود.	
critical slope	شیب بحرانی (شیبی که جریان و پایداری خاک را تحت تاثیر قرار می‌دهد)	/'krɪtɪkəl sləʊp/
The slope must be less than the critical slope to prevent landslides.	شیب باید کمتر از شیب بحرانی باشد تا از لغزش زمین جلوگیری شود.	

critical velocity	سرعت بحرانی (سرعت خاص در جریان سیال که باعث تغییر حالت می‌شود)	/'krɪtɪkəl və'ləsɪti/
The critical velocity determines sediment transport in rivers.	سرعت بحرانی تعیین‌کننده انتقال رسوبات در رودخانه‌ها است.	
crookedness	پیچیدگی، انحنای (در مسیر یا شکل یک سطح)	/'krʊk.id.nəs/
Crookedness of the road can reduce driving safety.	انحنای یا پیچیدگی جاده می‌تواند ایمنی رانندگی را کاهش دهد.	
cross drainage	آبراه عبوری (سیستم عبور آب از زیر یا کنار جاده)	/krɒs 'dreɪ.nɪdʒ/
Proper cross drainage prevents water accumulation on the road.	آبراه عبوری مناسب از تجمع آب روی جاده جلوگیری می‌کند.	
cross section	مقطع عرضی (برش عرضی از جاده یا سازه)	/krɒs 'sek.ʃən/
Engineers analyze the cross section of the road for design accuracy.	مهندسان برای دقت طراحی، مقطع عرضی جاده را تحلیل می‌کنند.	
cross slope	شیب عرضی (شیب جانبی سطح جاده برای تخلیه آب)	/krɒs sloʊp/
The cross slope ensures water drains off the road surface quickly.	شیب عرضی باعث تخلیه سریع آب از سطح جاده می‌شود.	
crossings	محل عبور، گذرگاه (محل عبور عابران یا وسایل نقلیه)	/'krɒsɪŋz/
Pedestrian crossings must be clearly marked for safety.	محل‌های عبور عابران باید برای ایمنی به وضوح علامت‌گذاری شوند.	
crowd shovel	بیل جمع‌کن (ماشین خاک‌برداری کوچک برای جمع‌آوری خاک)	/kraʊd 'ʃʌvəl/
The crowd shovel is used to clear loose soil from the site.	بیل جمع‌کن برای پاکسازی خاک‌های شل از محل استفاده می‌شود.	
crown	تاج (برجسته‌ترین قسمت جاده یا سازه)	/kraʊn/
The road crown helps water drain to the sides.	تاج جاده به تخلیه آب به طرفین کمک می‌کند.	
crown arch	قوس تاج (قوس محدب بالا در سازه‌های پل یا تونل)	/kraʊn ɑ:rtʃ/
The bridge features a strong crown arch for load distribution.	پل دارای قوس تاج قوی برای توزیع بار است.	
crude oil	نفت خام	/kru:d ɔɪl/
Crude oil is transported through pipelines to refineries.	نفت خام از طریق خطوط لوله به پالایشگاه‌ها منتقل می‌شود.	

crumbier	خرده‌ریزتر، شکننده‌تر (خصوصیت خاک یا مصالح)	/'krʌm.bi.ər/
This soil is crumbier, making it easier to compact.	این خاک خرده‌ریزتر است و فشرده‌سازی آن آسان‌تر است.	
crusher	سنگ شکن	/'krʌʃ.ər/
The crusher breaks large rocks into smaller aggregates.	سنگ شکن، سنگ‌های بزرگ را به شن و ماسه کوچکتر خرد می‌کند.	
culvert aqueduct	کانال آبرو (مسیر عبور آب یا کانال روی جاده یا رودخانه)	/'kʌlvərt 'æk.wɪ.dʌkt/
The culvert aqueduct allows water to flow under the highway.	کانال آبرو اجازه می‌دهد آب زیر بزرگراه جریان یابد.	
culverts	آبروها (کانال‌های زیر جاده برای عبور آب)	/'kʌlvərts/
Properly designed culverts prevent road flooding during rains.	آبروهای به‌خوبی طراحی شده از سیلاب جاده جلوگیری می‌کنند.	
curb	جدول کنار پیاده‌رو	/kɜ:rb/
Curbs help direct water runoff away from the road surface.	جدول‌ها به هدایت رواناب آب دور از سطح جاده کمک می‌کنند.	
cure	گیرش (فرآیند سخت شدن بتن یا مواد)	/kjʊər/
Proper curing of concrete increases its strength and durability.	گیرش مناسب بتن، مقاومت و دوام آن را افزایش می‌دهد.	
current difference	اختلاف جریان (اختلاف در سرعت یا میزان جریان سیال)	/'kʌrənt 'dɪfrəns/
Current difference affects sediment deposition in channels.	اختلاف جریان بر رسوب‌گذاری رسوبات در کانال‌ها تأثیر می‌گذارد.	
curvature	انحناء، خمیدگی	/'kɜ:r.və.tʃər/
The curvature of the road must be designed for safe driving speeds.	انحنای جاده باید برای سرعت‌های ایمن طراحی شود.	
curve	پیچ، منحنی	/kɜ:rv/
Sharp curves require warning signs to alert drivers.	پیچ‌های تند نیاز به تابلوهای هشداردهنده برای رانندگان دارند.	
curve central angle	زاویه مرکزی منحنی (زاویه بین دو خط مماس بر منحنی)	/kɜ:rv 'sen.trəl 'æŋ.gəl/
The curve central angle helps determine the sharpness of the curve.	زاویه مرکزی منحنی به تعیین تیزی منحنی کمک می‌کند.	

curving	منحنی سازی (فرآیند ایجاد یا طراحی مسیر منحنی)	/'kɜːr.vɪŋ/
Curving the road reduces vehicle speed on steep sections.	منحنی سازی جاده سرعت وسایل نقلیه را در بخش‌های شیب‌دار کاهش می‌دهد.	
cut and fill	خاک‌برداری و خاکریزی (عملیات اصلاح ارتفاع زمین در جاده‌سازی)	/kʌt ænd fil/
Cut and fill methods balance the earthworks in road construction.	روش‌های خاک‌برداری و خاکریزی باعث تعادل عملیات خاکی در ساخت جاده می‌شوند.	
cutback asphalt	آسفالت نرم‌شده (آسفالت با قیر رقیق شده برای سهولت در اجرا)	/'kʌt.bæk 'æɪs.fælt/
Cutback asphalt is used for patching and repairing pavements.	آسفالت نرم‌شده برای وصله‌کاری و تعمیر روسازی‌ها استفاده می‌شود.	

D

daily variations	تغییرات روزانه (نوسانات در شرایط یا پارامترها)	/'derli ,veri'eɪʃənz/
Daily variations in traffic volume affect congestion levels.	تغییرات روزانه در حجم ترافیک بر سطح تراکم تأثیر می‌گذارد.	
datum elevation	ارتفاع مبنا (ارتفاع مرجع برای اندازه‌گیری ارتفاع‌ها)	/'deɪtəm ,elɪ'veɪʃən/
All elevations are measured relative to the datum elevation.	همه ارتفاع‌ها نسبت به ارتفاع مبنا اندازه‌گیری می‌شوند.	
deceleration lane	خط کاهش سرعت (خط اضافه برای کاهش سرعت وسایل نقلیه)	/,di:ˌselə'reɪʃən leɪn/
Drivers use the deceleration lane to safely slow down before exits.	رانندگان برای کاهش ایمن سرعت قبل از خروج از خط کاهش سرعت استفاده می‌کنند.	
decision sight distance	فاصله دید تصمیم‌گیری (مسافتی که راننده برای تصمیم‌گیری دارد)	/dɪ'sɪʒən 'dɪstəns/
Decision sight distance is crucial for safe lane changes and turns.	فاصله دید تصمیم‌گیری برای تغییر خطوط و گردش‌های ایمن حیاتی است.	
deer crossings	محل عبور گوزن (محل عبور حیوانات وحشی روی جاده)	/dɪər 'krɒsɪŋz/
Deer crossings are marked to warn drivers of potential animal presence.	محل عبور گوزن‌ها علامت‌گذاری شده تا رانندگان از حضور حیوانات مطلع شوند.	
definition	تعریف	/,defɪ'nɪʃən/
The definition of soil compaction is the densification of soil.	تعریف تراکم خاک، فشردگی خاک است.	
deform	تغییر شکل دادن	/dɪ'fɔ:rm/
Heavy loads can deform the pavement over time.	بارهای سنگین می‌توانند به مرور زمان روسازی را تغییر شکل دهند.	
deformation	تغییر شکل	/,dɪfɔ:r'meɪʃən/
Deformation of the bridge structure must be carefully monitored.	تغییر شکل سازه پل باید به دقت کنترل شود.	
delay	تأخیر	/dɪ'leɪ/
Traffic delay increases during peak hours.	تأخیر ترافیکی در ساعات شلوغ افزایش می‌یابد.	
dense graded	دانه‌بندی متراکم (مخلوط مصالح با اندازه‌های مختلف به نسبت‌های مشخص)	/dens 'ɡreɪdɪd/
Dense graded asphalt provides a smooth and durable surface.	آسفالت دانه‌بندی متراکم سطحی صاف و مقاوم ایجاد می‌کند.	

density	چگالی	/'densɪti/
The density of concrete affects its strength and durability.	چگالی بتن بر مقاومت و دوام آن تأثیر می‌گذارد.	
depot	انبار، پایانه (مکان نگهداری وسایل نقلیه یا مصالح)	/'dɪpəʊ/
The bus depot is located near the city center for easy access.	پایانه اتوبوس‌ها نزدیک مرکز شهر برای دسترسی آسان قرار دارد.	
depressed freeway	بزرگراه فرورفته (بزرگراهی که سطح آن پایین‌تر از اطراف است)	/dɪ'prest 'fri:weɪ/
The depressed freeway reduces noise pollution in residential areas.	بزرگراه فرورفته آلودگی صوتی در مناطق مسکونی را کاهش می‌دهد.	
depressed grade line	خط تراز فرورفته (خط تراز پایین‌تر از سطح طبیعی زمین)	/dɪ'prest greɪd lam/
The depressed grade line helps manage stormwater runoff effectively.	خط تراز فرورفته به مدیریت مؤثر رواناب باران کمک می‌کند.	
design	طراحی	/dɪ'zain/
The design of the bridge must meet safety standards.	طراحی پل باید استانداردهای ایمنی را رعایت کند.	
design CBR	سی بی آر طراحی (California Bearing Ratio برای طراحی)	/dɪ'zain 'si: bi: 'ɑ:t/
The design CBR is used to determine the thickness of pavement layers.	نسبت تحمل طراحی برای تعیین ضخامت لایه‌های روسازی استفاده می‌شود.	
design discharge	دبی طراحی (حداکثر جریان آب در طراحی سازه‌های هیدرولیکی)	/dɪ'zain dɪs'tʃɑ:rdʒ/
Design discharge must be considered in the planning of drainages.	دبی طراحی باید در برنامه‌ریزی سیستم‌های زهکشی مورد توجه قرار گیرد.	
design factors	عوامل طراحی	/dɪ'zain 'fæktərz/
Design factors include safety, cost, and environmental impact.	عوامل طراحی شامل ایمنی، هزینه و تأثیرات محیطی است.	
design flood	سیلاب طراحی (حداکثر سیلاب مورد نظر در طراحی سازه‌ها)	/dɪ'zain flu:d/
The design flood level is used to build flood defenses.	سطح سیلاب طراحی برای ساخت سدهای سیلاب استفاده می‌شود.	
design frequency	فرکانس طراحی (تعداد وقوع رویداد در دوره مشخص)	/dɪ'zain 'fri:kwənsi/
Design frequency helps determine the lifespan of the structure.	فرکانس طراحی به تعیین عمر سازه کمک می‌کند.	

design hourly volume	حجم ساعتی طراحی (تعداد وسایل نقلیه در یک ساعت خاص)	/dɪˈzain ˈaʊərli ˈvɒljum/
Design hourly volume predicts peak traffic flow for highways.	حجم ساعتی طراحی جریان اوج ترافیک بزرگراهها را پیش‌بینی می‌کند.	
design load	بار طراحی	/dɪˈzain lʊd/
The bridge must support the maximum design load safely.	پل باید حداکثر بار طراحی را به‌طور ایمن تحمل کند.	
design objectives	اهداف طراحی	/dɪˈzain əbˈdʒektɪvz/
Design objectives focus on functionality and durability.	اهداف طراحی بر کارایی و دوام تمرکز دارند.	
design period	دوره طراحی	/dɪˈzain ˈpɪəriəd/
The design period determines how long the structure should last.	دوره طراحی مشخص می‌کند سازه چقدر باید دوام داشته باشد.	
design principles	اصول طراحی	/dɪˈzain ˈprɪnsəpəlz/
Design principles guide engineers in creating safe structures.	اصول طراحی مهندسان را در ساخت سازه‌های ایمن راهنمایی می‌کند.	
design responsibility	مسئولیت طراحی	/dɪˈzain rɪˌspɒnsəˈbɪləti/
The design responsibility lies with the civil engineering team.	مسئولیت طراحی بر عهده تیم مهندسی عمران است.	
design speed	سرعت طراحی (سرعت مورد نظر برای طراحی جاده یا مسیر)	/dɪˈzain spiːd/
Design speed determines the curvature and sight distance of roads.	سرعت طراحی انحنای جاده و فاصله دید را تعیین می‌کند.	
design vehicle	وسیله نقلیه طراحی (وسیله نقلیه معیار برای طراحی جاده)	/dɪˈzain ˈviːɪkl/
The design vehicle size affects lane width and turning radius.	اندازه وسیله نقلیه طراحی بر عرض خطوط و شعاع گردش تأثیر دارد.	
detour	مسیر انحرافی، مسیر جایگزین	/ˈdiːtʊər/
A detour was set up due to road construction.	به دلیل ساخت و ساز جاده، مسیر انحرافی تعیین شد.	
detour sign	تابلو مسیر انحرافی	/ˈdiːtʊər sam/
Detour signs guide drivers around the closed road sections.	تابلوهای مسیر انحرافی رانندگان را از بخش‌های بسته جاده راهنمایی می‌کنند.	

deviation	انحراف، تغییر مسیر	/ˌdiːvi'eɪʃən/
The deviation from the original plan was necessary for safety.	انحراف از طرح اولیه برای ایمنی ضروری بود.	
diamond interchange	تقاطع الماسی (نوعی تقاطع بزرگراهی با چهار رامپ)	/'daɪmənd ,ɪntər'tʃeɪndʒ/
The diamond interchange improves traffic flow at highway junctions.	تقاطع الماسی جریان ترافیک را در محل تقاطع بزرگراهها بهبود می‌بخشد.	
diesel oil	نفت دیزل	/'diːzəl ɔɪl/
Diesel oil is commonly used as fuel for heavy machinery.	نفت دیزل معمولاً به عنوان سوخت ماشین‌آلات سنگین استفاده می‌شود.	
diffraction	پراش (پخش موج هنگام عبور از مانع یا روزنه)	/dɪ'frækʃən/
Diffraction of waves affects the propagation of sound in tunnels.	پراش امواج بر انتشار صدا در تونل‌ها تأثیر می‌گذارد.	
diffusion	انتشار (پخش مواد یا ذرات از ناحیه پر غلظت به کم غلظت)	/dɪ'fjuːʒən/
Diffusion helps in mixing pollutants in the air.	انتشار به مخلوط شدن آلودگی‌ها در هوا کمک می‌کند.	
dike	سیل‌بند، دیواره حفاظتی	/daɪk/
The dike protects the town from flooding during heavy rains.	سیل‌بند شهر را در برابر سیلاب‌های شدید محافظت می‌کند.	
dilation	گشاد شدن، انبساط	/daɪ'leɪʃən/
Dilation of cracks can weaken the concrete structure over time.	گشاد شدن ترک‌ها می‌تواند به مرور زمان سازه بتن را تضعیف کند.	
directional interchange	تقاطع جهت‌دار (نوعی تقاطع بزرگراهی با مسیرهای مشخص برای هر جهت)	/dɪ'rekʃənəl ,ɪntər'tʃeɪndʒ/
The directional interchange facilitates smoother traffic flow.	تقاطع جهت‌دار جریان ترافیک روان‌تر را تسهیل می‌کند.	
disabled persons	افراد دارای معلولیت	/dɪs'eɪbld 'pɜːrsənz/
Facilities should be accessible to disabled persons.	امکانات باید برای افراد دارای معلولیت قابل دسترسی باشد.	
discharge	تخلیه (جریان آب یا مایعات)	/dɪs'tʃɑːrdʒ/
The river's discharge increased after heavy rainfall.	تخلیه رودخانه پس از بارش شدید افزایش یافت.	

discharge estimating	برآورد تخلیه	/dɪs'tʃɑːrdʒ ɪ'stɪməntɪŋ/
Discharge estimating helps in flood risk management.	برآورد تخلیه به مدیریت خطر سیلاب کمک می‌کند.	
discharge peak	اوج تخلیه (حداکثر جریان آب)	/dɪs'tʃɑːrdʒ pi:k/
The discharge peak occurs during storm events.	اوج تخلیه در زمان وقوع طوفان رخ می‌دهد.	
disintegration	تجزیه، فروپاشی	/dɪs,ɪntɪ'greɪʃən/
Disintegration of pavement can cause safety hazards.	فروپاشی روسازی می‌تواند خطرات ایمنی ایجاد کند.	
displacement	جابجایی، انتقال	/dɪs'pleɪsmənt/
Displacement of soil occurs during excavation.	جابجایی خاک در حین حفاری رخ می‌دهد.	
distance	فاصله	/'dɪstəns/
The stopping distance depends on vehicle speed.	فاصله توقف به سرعت وسیله نقلیه بستگی دارد.	
distance sign	تابلو فاصله	/'dɪstəns saɪn/
Distance signs help drivers know how far destinations are.	تابلوهای فاصله به رانندگان کمک می‌کنند تا بدانند مقصد چقدر فاصله دارد.	
distillation	تقطیر	/,dɪstrɪ'leɪʃən/
Distillation is used to separate different components of oil.	تقطیر برای جدا کردن اجزای مختلف نفت استفاده می‌شود.	
ditch	کانال زهکشی، خندق	/dɪtʃ/
The ditch collects rainwater along the roadside.	کانال زهکشی آب باران را در کنار جاده جمع‌آوری می‌کند.	
ditch slope	شیب کانال	/dɪtʃ sloʊp/
The ditch slope must be designed to prevent erosion.	شیب کانال زهکشی باید برای جلوگیری از فرسایش طراحی شود.	
ditching bucket	سطل حفاری (ابزاری برای حفر کانال یا خندق)	/'dɪtʃɪŋ 'bʌkɪt/
The ditching bucket is used to dig trenches efficiently.	سطل حفاری برای حفر خندق‌ها به‌صورت مؤثر استفاده می‌شود.	
diverging	جدا شدن، انشعاب	/daɪ'vɜːrdʒɪŋ/

The road is diverging into two separate lanes ahead.	جاده در جلو به دو خط جداگانه تقسیم می‌شود.	
divided highway	بزرگراه دوطرفه (با جداکننده میانی)	/dɪˈvaɪdɪd ˈhaɪ,weɪ/
Divided highways improve safety by separating traffic flows.	بزرگراه‌های دوطرفه با جدا کردن جریان ترافیک ایمنی را افزایش می‌دهند.	
divided non-freeway facilities	امکانات جاده‌ای دوطرفه غیر آزادراهی	/dɪˈvaɪdɪd nɒn ˈfri:weɪ fəˈsɪlɪtɪz/
Divided non-freeway facilities handle moderate traffic volumes.	امکانات دوطرفه غیر آزادراهی حجم ترافیک متوسط را مدیریت می‌کنند.	
drain slope	شیب زهکشی	/dreɪn slooʊp/
Proper drain slope prevents water accumulation on the road.	شیب مناسب زهکشی از جمع شدن آب روی جاده جلوگیری می‌کند.	
drainage	زهکشی	/ˈdreɪnɪdʒ/
Efficient drainage systems reduce road damage from water.	سیستم‌های زهکشی مؤثر، آسیب جاده را از آب کاهش می‌دهند.	
drainage by pumping	زهکشی با پمپاژ	/ˈdreɪnɪdʒ baɪ ˈpʌmpɪŋ/
Drainage by pumping is necessary in low-lying areas.	زهکشی با پمپاژ در مناطق پایین‌دست ضروری است.	
drainage coefficients	ضرایب زهکشی	/ˈdreɪnɪdʒ koʊˈɛfɪʃənts/
Drainage coefficients help calculate the efficiency of water removal.	ضرایب زهکشی به محاسبه کارایی تخلیه آب کمک می‌کنند.	
drainage pattern	الگوی زهکشی	/ˈdreɪnɪdʒ ˈpætərn/
The drainage pattern affects soil erosion in the area.	الگوی زهکشی بر فرسایش خاک در منطقه تأثیر می‌گذارد.	
drawdown	کاهش سطح آب زیرزمینی	/ˈdrouː,daʊn/
Drawdown occurs when groundwater is pumped excessively.	کاهش سطح آب زیرزمینی زمانی رخ می‌دهد که آب بیش از حد پمپ شود.	
driving test	آزمون رانندگی	/ˈdraɪvɪŋ tɛst/
A driving test is required to obtain a driver's license.	برای گرفتن گواهینامه رانندگی، آزمون رانندگی لازم است.	
drum mixer	درام میکسر (دستگاهی برای مخلوط کردن مصالح)	/drʌm ˈmɪksər/

The drum mixer blends concrete ingredients uniformly.	میکسر درامی مواد تشکیل‌دهنده بتن را به طور یکنواخت مخلوط می‌کند.	
dryer	خشک‌کن	/'draɪər/
The dryer removes moisture from the construction materials.	خشک‌کن رطوبت مواد ساختمانی را از بین می‌برد.	
ductility	شکل‌پذیری (توانایی تغییر شکل بدون شکست)	/dʌk'tɪlɪti/
Steel's ductility allows it to bend without breaking.	شکل‌پذیری فولاد اجازه می‌دهد بدون شکستن خم شود.	
durability	دوام، ماندگاری	/'djʊərə'bɪləti/
Durability is essential for long-lasting pavement.	دوام برای روسازی پایدار بسیار مهم است.	
dynamic elastic modulus	مدول الاستیسیته دینامیکی (مقاومت کششی در بارگذاری دینامیک)	/'daɪ'næmɪk ɪ'læstɪk 'mɒdʒʊləs/
The dynamic elastic modulus measures material stiffness under vibrations.	مدول الاستیسیته دینامیکی سختی ماده را تحت لرزش اندازه می‌گیرد.	
dynamic stiffness modulus	مدول سختی دینامیکی	/'daɪ'næmɪk 'stɪfnəs 'mɒdʒʊləs/
Dynamic stiffness modulus affects the response of pavement to traffic loads.	مدول سختی دینامیکی پاسخ روسازی به بارهای ترافیکی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.	

E

Easement	حق عبور و مرور یا حق استفاده از ملک دیگران (در راهسازی)	/ˈi:zmənt/
The utility company has an easement to install cables underground.	شرکت خدماتی حق عبور برای نصب کابل‌ها در زیر زمین دارد.	
economic	اقتصادی	/ˌi:kəˈnɒmɪk/ or /ˌekəˈnɒmɪk/
An economic solution was chosen to minimize costs.	یک راه‌حل اقتصادی برای کاهش هزینه‌ها انتخاب شد.	
economic analysis	تحلیل اقتصادی	/ˌi:kəˈnɒmɪk əˈnæləsɪs/
Economic analysis helps determine the most cost-effective design.	تحلیل اقتصادی به تعیین طراحی مقرون‌به‌صرفه کمک می‌کند.	
economic studies	مطالعات اقتصادی	/ˌi:kəˈnɒmɪk ˈstʌdɪz/
Economic studies were conducted before the project started.	مطالعات اقتصادی پیش از شروع پروژه انجام شد.	
economics of design	اقتصاد طراحی	/ˌi:kəˈnɒmɪks əv dɪˈzaɪn/
The economics of design affect long-term infrastructure costs.	اقتصاد طراحی بر هزینه‌های بلندمدت زیرساخت تأثیر می‌گذارد.	
effective depth	عمق مؤثر (در سازه‌های بتن، فاصله از بالاترین سطح تا میلگرد کششی)	/ɪˈfektɪv dəptθ/
The beam's strength depends on its effective depth.	مقاومت تیر به عمق مؤثر آن بستگی دارد.	
effective size	اندازه مؤثر (اندازه‌ای که درصد خاصی از ذرات از آن ریزترند)	/ɪˈfektɪv saɪz/
The effective size of soil particles affects permeability.	اندازه مؤثر ذرات خاک بر نفوذپذیری تأثیر می‌گذارد.	
elevated freeway	آزادراه مرتفع	/ˈeləˌveɪtɪd ˈfriːˌweɪ/
An elevated freeway reduces land use in crowded urban areas.	آزادراه مرتفع استفاده از زمین را در مناطق شهری پرتراکم کاهش می‌دهد.	
elevated structure	سازه مرتفع	/ˈeləˌveɪtɪd ˈstrʌktʃər/
The elevated structure provides a clear passage over the railway.	سازه مرتفع عبوری واضح بر فراز راه‌آهن ایجاد می‌کند.	
elevation along vertical curve	ارتفاع در امتداد منحنی قائم	/ˌeləˈveɪʃən əˈlɔ:ŋ ˈvɜ:tɪkəl kɜ:v/
The elevation along a vertical curve changes gradually for smooth travel.	ارتفاع در امتداد منحنی قائم برای حرکت روان به تدریج تغییر می‌کند.	

elongation index	شاخص کشیدگی (نسبت طول ذرات بلند به ذرات عادی در مصالح سنگی)	/ɪˌlɒŋˈɡeɪʃən 'ɪndeks/
A high elongation index indicates elongated aggregate particles.	شاخص کشیدگی بالا نشان‌دهنده ذرات سنگی کشیده است.	
embankment	خاکریز	/ɪmˈbæŋkmənt/
The road was constructed on an embankment to raise it above the floodplain.	جاده روی یک خاکریز ساخته شد تا از دشت سیلابی بالاتر باشد.	
emergency lane	لاین اضطراری، شانه اضطراری	/ɪ'mɜːrdʒənsi leɪn/
Vehicles should only use the emergency lane during breakdowns.	وسایل نقلیه باید فقط در زمان خرابی از لاین اضطراری استفاده کنند.	
empirical methods	روش‌های تجربی	/emˈpɪrɪkəl 'mɛθədz/
Empirical methods rely on observations rather than theory.	روش‌های تجربی بر پایه مشاهدات هستند نه تئوری.	
emulsified asphalt	آسفالت امولسیون شده	/ɪ'mʌlsɪˌfaɪd 'æsfəːlt/
Emulsified asphalt is commonly used in cold mix applications.	آسفالت امولسیون شده معمولاً در مخلوط‌های سرد به کار می‌رود.	
emulsifying agent	عامل امولسیون‌کننده	/ɪ'mʌlsɪˌfaɪŋ 'eɪdʒənt/
The emulsifying agent helps keep asphalt and water mixed.	عامل امولسیون‌کننده به مخلوط ماندن آسفالت و آب کمک می‌کند.	
emulsion	امولسیون (مخلوط پایدار از دو مایع غیر قابل امتزاج مثل آب و قیر)	/ɪ'mʌlʃən/
Bitumen emulsion is ideal for surface dressing of roads.	امولسیون قیر برای پوشش سطحی جاده‌ها مناسب است.	
entrance design	طراحی ورودی	/'entrəns dɪˈzaɪn/
Proper entrance design improves safety at interchanges.	طراحی مناسب ورودی، ایمنی را در تقاطع‌ها افزایش می‌دهد.	
entrance nose	نوک ورودی (بخش ابتدایی رمپ ورود به آزادراه یا جاده)	/'entrəns nouz/
The entrance nose guides vehicles into the merging lane safely.	نوک ورودی، وسایل نقلیه را به‌طور ایمن وارد لاین ادغامی می‌کند.	
entrances	ورودی‌ها	/'entrənsɪz/
The highway has multiple entrances for better traffic distribution.	آزادراه ورودی‌های متعددی برای توزیع بهتر ترافیک دارد.	

environmental evaluation	ارزیابی زیست‌محیطی	/ɪnˌvaɪrən'menti 'i:vælju'eɪʃən/
An environmental evaluation must be done before road construction begins.	پیش از شروع ساخت جاده باید ارزیابی زیست‌محیطی انجام شود.	
environmental-impact study	مطالعه اثرات زیست‌محیطی	/ɪnˌvaɪrən'menti 'impækt 'stʌdi/
The project was delayed due to an incomplete environmental-impact study.	پروژه به دلیل کامل نبودن مطالعه اثرات زیست‌محیطی به تأخیر افتاد.	
environment	محیط زیست	/ɪnˌvaɪrənmənt/
Construction practices should minimize harm to the environment.	روش‌های ساخت‌وساز باید آسیب به محیط زیست را به حداقل برسانند.	
equipment crossing	عبور تجهیزات (از عرض جاده یا مسیر)	/ɪ'kwɪpmənt 'krɒ:sɪŋ/
A designated equipment crossing was built for safe transport of machinery.	گذرگاه مشخصی برای عبور ایمن ماشین‌آلات ساخته شد.	
equivalent axle load (EAL)	بار معادل محور (EAL)	/ɪ'kwɪvələnt 'æksəl lʊd/
Pavement thickness is designed based on the expected equivalent axle load.	ضخامت روسازی بر اساس بار معادل محور پیش‌بینی شده طراحی می‌شود.	
equivalent load factor	ضریب بار معادل	/ɪ'kwɪvələnt lʊd 'fæktər/
The equivalent load factor is used in pavement design calculations.	ضریب بار معادل در محاسبات طراحی روسازی به کار می‌رود.	
equivalent wheel load	بار چرخ معادل	/ɪ'kwɪvələnt wi:l lʊd/
Pavement failure often depends on the number of equivalent wheel loads.	خرابی روسازی اغلب به تعداد بارهای چرخ معادل بستگی دارد.	
erosion	فرسایش	/ɪ'roʊʒən/
Rain and wind caused severe erosion on the road embankment.	باران و باد باعث فرسایش شدید خاکریز جاده شدند.	
erosion control	کنترل فرسایش	/ɪ'roʊʒən kən'troʊl/
Erosion control measures were implemented to protect the slope.	اقدامات کنترل فرسایش برای محافظت از شیب اجرا شد.	
erosion vegetative control	کنترل گیاهی فرسایش	/ɪ'roʊʒən 'vedʒə'teɪv kən'troʊl/
Grass planting is a common method of erosion vegetative control.	کاشت چمن یکی از روش‌های معمول کنترل گیاهی فرسایش است.	

escape ramps	رَمپ فرار (برای توقف اضطراری وسایل نقلیه در سرازیری‌ها)	/ɪˈskeɪp ræmps/
Escape ramps are designed to safely stop out-of-control trucks on downgrades.	رَمپ‌های فرار برای توقف ایمن کامیون‌های خارج از کنترل در سرازیری طراحی شده‌اند.	
establishment of flow	تثبیت جریان (آغاز و تنظیم جریان پایدار، معمولاً در مجرا یا سیستم هیدرولیکی)	/ɪˈstæblɪʃmənt əv floʊ/
Proper channel design ensures the quick establishment of flow.	طراحی مناسب کانال باعث تثبیت سریع جریان می‌شود.	
evaluation of plan	ارزیابی طرح	/ɪˌvæljuˈeɪʃən əv plæn/
Evaluation of the plan revealed some structural issues.	ارزیابی طرح، مشکلاتی در سازه را نشان داد.	
excavation	حفاری	/ˌɛkskəˈveɪʃən/
Excavation must be completed before laying the foundation.	حفاری باید قبل از اجرای فونداسیون کامل شود.	
excess pressure	فشار اضافی	/ˈɛksɛs ˈprɛʃər/
The pipe burst due to excess pressure in the system.	لوله به دلیل فشار اضافی در سیستم ترکید.	
exit nose	نوک خروجی (بخش ابتدایی رَمپ خروجی از بزرگراه یا آزادراه)	/ˈɛksɪt nouz/
The exit nose should be clearly marked for better traffic guidance.	نوک خروجی باید برای راهنمایی بهتر ترافیک به وضوح علامت‌گذاری شود.	
exit-direction sign	تابلوی جهت خروج	/ˈɛksɪt daɪˈrɛkʃən sɑːn/
The exit-direction sign must be placed at least 500 meters before the off-ramp.	تابلوی جهت خروج باید حداقل ۵۰۰ متر پیش از رَمپ خروجی نصب شود.	
exiting traffic	ترافیک خروجی	/ˈɛksɪtɪŋ ˈtræfɪk/
Exiting traffic should slow down before merging onto the off-ramp.	ترافیک خروجی باید پیش از ورود به رَمپ خروجی سرعت خود را کاهش دهد.	
exits	خروجی‌ها	/ˈɛksɪts/
The highway has clearly marked exits every two kilometers.	آزادراه در هر دو کیلومتر خروجی‌هایی با علامت‌گذاری واضح دارد.	
experimentation	آزمایش‌گری، تجربه‌سازی	/ɪkˌspɛrɪməntˈteɪʃən/
Road engineers encourage experimentation with new materials.	مهندسان راه، آزمایش با مصالح جدید را تشویق می‌کنند.	

express bus	اتوبوس تندرو (با ایستگاه‌های محدود و سرعت بالا)	/ɪk'sprɛs bʌs/
The city plans to expand its express bus service along main corridors.	شهر قصد دارد خدمات اتوبوس تندرو را در مسیرهای اصلی گسترش دهد.	
expressway	بزرگراه (بدون تقاطع هم‌سطح، سرعت بالا)	/ɪk'sprɛs,weɪ/
The new expressway reduced travel time by 30%.	بزرگراه جدید زمان سفر را ۳۰٪ کاهش داد.	
expressway exits	خروجی‌های بزرگراه	/ɪk'sprɛs,weɪ 'ɛksɪts/
Expressway exits must be designed with adequate deceleration lanes.	خروجی‌های بزرگراه باید با لاین کاهش سرعت مناسب طراحی شوند.	
extraction of bitumen	استخراج قیر	/ɪk'strækʃən 'bɪtʃəmən/ əv
The extraction of bitumen from oil sands is an energy-intensive process.	استخراج قیر از ماسه‌های نفتی فرایندی پرمصرف از نظر انرژی است.	

F

fallen-rock sign	تابلوی ریزش سنگ	/'fə:lən rɑ:k sɑn/
A fallen-rock sign warns drivers of possible rockslides on mountainous roads.	تابلوی ریزش سنگ به رانندگان درباره احتمال ریزش سنگ در جاده‌های کوهستانی هشدار می‌دهد.	
fatigue	خستگی (در مهندسی: ضعف تدریجی ماده بر اثر بارگذاری مکرر)	/fə'ti:g/
Fatigue in steel bridges can lead to structural failure if not addressed.	خستگی در پل‌های فلزی می‌تواند منجر به خرابی سازه شود اگر رسیدگی نشود.	
fatigue life	عمر خستگی	/fə'ti:g laɪf/
The fatigue life of the material was estimated at one million load cycles.	عمر خستگی ماده حدود یک میلیون چرخه بار تخمین زده شد.	
fatigue test	آزمایش خستگی	/fə'ti:g tɛst/
A fatigue test helps determine how materials perform under repeated loading.	آزمایش خستگی نشان می‌دهد مواد در برابر بارگذاری‌های مکرر چگونه رفتار می‌کنند.	
fence	حصار	/fɛns/
A metal fence was installed along the highway to prevent animal entry.	یک حصار فلزی در امتداد بزرگراه نصب شد تا از ورود حیوانات جلوگیری شود.	
field compaction	تراکم در محل (تراکم خاک یا مصالح در محل پروژه)	/fi:ld kəm'pækʃən/
Field compaction must meet the required density specified in the design.	تراکم در محل باید با چگالی مورد نظر در طراحی مطابقت داشته باشد.	
field inspection	بازدید میدانی	/fi:ld ɪn'spektʃən/
A field inspection was conducted to check construction quality.	بازدید میدانی برای بررسی کیفیت ساخت‌وساز انجام شد.	
field investigation	بررسی میدانی	/fi:ld ɪn'vestɪ'geɪʃən/
Field investigation is necessary before road alignment is finalized.	بررسی میدانی پیش از نهایی‌سازی مسیر جاده ضروری است.	
field test	آزمایش میدانی	/fi:ld tɛst/
The soil's bearing capacity was measured by a field test.	ظرفیت باربری خاک با یک آزمایش میدانی اندازه‌گیری شد.	
fill	خاکریز (پرکننده فضاهای گود یا خالی با خاک یا مصالح دیگر)	/fɪl/
The contractor placed compacted fill over the culvert.	پیمانکار خاکریز فشرده شده را روی آبرو قرار داد.	

filler	ماده پرکننده	/'fɪlər/
A fine filler was added to improve the asphalt mixture.	یک ماده پرکننده ریز برای بهبود مخلوط آسفالت اضافه شد.	
filter	فیلتر، صافی	/'fɪltər/
A geotextile filter was installed to prevent soil movement.	یک فیلتر ژئوتکستایل برای جلوگیری از جابه‌جایی خاک نصب شد.	
fine-cold aggregate	سنگدانه ریز سرد (مواد ریزدانه‌ای که بدون گرم شدن در مخلوط آسفالت به کار می‌رود)	/faɪn koʊld 'ægrəɡət/
Fine-cold aggregate is added during the cold mix asphalt process.	سنگدانه ریز سرد در فرایند آسفالت سرد اضافه می‌شود.	
finishing lime	آهک پرداخت (آهکی که در مراحل نهایی کار برای تثبیت یا پرداخت سطح استفاده می‌شود)	/'fɪnɪʃɪŋ laɪm/
Finishing lime improves the surface quality of stabilized soil.	آهک پرداخت کیفیت سطح خاک تثبیت‌شده را بهبود می‌بخشد.	
finite element method	روش اجزای محدود	/'faɪnaɪt 'elɪmənt 'meθəd/
The finite element method is widely used in pavement stress analysis.	روش اجزای محدود به طور گسترده‌ای در تحلیل تنش روسازی به کار می‌رود.	
flakiness index	شاخص پولکی بودن (نسبت ذرات پولکی‌شکل در سنگدانه)	/'fleɪkɪnəs 'ɪndeks/
A high flakiness index reduces the strength of concrete.	شاخص پولکی بودن بالا مقاومت بتن را کاهش می‌دهد.	
flared end section	بخش انتهایی گشادشده (در سازه‌هایی مانند لوله‌ها یا کانال‌ها)	/fleərd end 'sekʃən/
A flared end section helps reduce outlet flow velocity in culverts.	بخش انتهایی گشادشده به کاهش سرعت جریان در خروجی آبرو کمک می‌کند.	
flexible	انعطاف‌پذیر	/'fleksəbəl/
Flexible pavements are designed to bend without cracking under traffic loads.	روسازی‌های انعطاف‌پذیر طوری طراحی می‌شوند که زیر بار ترافیکی بدون ترک‌خوردگی خم شوند.	
flexible overlays	پوشش انعطاف‌پذیر (لایه جدید روی روسازی موجود برای بهبود عملکرد)	/'fleksəbəl 'oʊvərˌleɪz/
Flexible overlays are applied to restore the strength of old pavements.	پوشش‌های انعطاف‌پذیر برای بازیابی استحکام روسازی‌های قدیمی استفاده می‌شوند.	
flexible pavement	روسازی انعطاف‌پذیر	/'fleksəbəl 'peɪvmənt/
Flexible pavement deforms under load but returns to its original shape.	روسازی انعطاف‌پذیر زیر بار تغییر شکل می‌دهد اما به حالت اولیه بازمی‌گردد.	

flexural reinforcement	آرماتور خمشی	/'flekʃərəl ,rɪn'fɔːsmənt/
Flexural reinforcement is placed at the bottom of beams to resist bending.	آرماتور خمشی در پایین تیرها برای مقابله با خمش قرار داده می‌شود.	
flight information	اطلاعات پرواز	/flaɪt ,ɪnfər'meɪʃən/
The airport displays real-time flight information on large digital boards.	فرودگاه اطلاعات پرواز را به صورت زنده روی تابلوهای دیجیتال نمایش می‌دهد.	
flocculation	توده‌سازی (فرایند تجمع ذرات ریز در سیالات)	/,flɔːkjʊ'leɪʃən/
Flocculation is used in water treatment to remove suspended particles.	توده‌سازی در تصفیه آب برای حذف ذرات معلق به کار می‌رود.	
flood	سیلاب	/flʌd/
The flood damaged several roads and bridges in the area.	سیلاب به چندین جاده و پل در منطقه آسیب رساند.	
flood design	طراحی مقاوم در برابر سیلاب	/flʌd dɪ'zain/
Engineers use flood design to ensure infrastructure can withstand heavy rains.	مهندسان از طراحی مقاوم در برابر سیلاب برای اطمینان از پایداری زیرساخت‌ها استفاده می‌کنند.	
flood design criteria	معیارهای طراحی سیلاب	/flʌd dɪ'zain kraɪ'tɪəriə/
Flood design criteria depend on the area's rainfall and topography.	معیارهای طراحی سیلاب به میزان بارندگی و توپوگرافی منطقه بستگی دارد.	
flood maximum historical	بیشینه سیلاب تاریخی	/flʌd 'mæksɪmə hɪ'stɒrɪkəl/
The flood maximum historical helps predict future extreme flood levels.	بیشینه سیلاب تاریخی به پیش‌بینی سطوح شدید سیلاب در آینده کمک می‌کند.	
flood measurement	اندازه‌گیری سیلاب	/flʌd 'meɪʒərmənt/
Accurate flood measurement is essential for hydraulic modeling.	اندازه‌گیری دقیق سیلاب برای مدل‌سازی هیدرولیکی ضروری است.	
flood plain	دشت سیلابی	/flʌd pleɪn/
Construction is restricted in the flood plain to reduce flood risk.	ساخت‌وساز در دشت سیلابی محدود شده تا خطر سیلاب کاهش یابد.	
floor plan	نقشه طبقه (پلان کف ساختمان)	/floːr plæn/
The engineer reviewed the floor plan before starting construction.	مهندس قبل از شروع ساخت‌وساز، نقشه طبقه را بررسی کرد.	

flow pattern	الگوی جریان	/flou 'pætərn/
Understanding the flow pattern helps in designing effective drainage systems.	درک الگوی جریان به طراحی سیستم‌های زهکشی مؤثر کمک می‌کند.	
flowing water	آب جاری	/'flouɪŋ 'wɔ:tər/
Flowing water can erode the base of a bridge if not properly protected.	آب جاری می‌تواند پایه پل را فرسایش دهد اگر به‌درستی محافظت نشده باشد.	
forgiven road	جاده بخشنده (جاده‌ای با طراحی ایمن برای کاهش شدت تصادف)	/fər'gɪvən roʊd/
A forgiven road design includes wide shoulders and gentle curves.	طراحی جاده بخشنده شامل شانه‌های پهن و پیچ‌های ملایم است.	
four-way reinforcement	آرماتور چهارطرفه (تقویت‌کننده در چهار جهت، مخصوصاً در دال‌ها)	/fɔ:r weɪ 'ri:ɪn'fɔ:smənt/
Four-way reinforcement is used in slab construction to handle multi-directional loads.	آرماتور چهارطرفه در ساخت دال برای تحمل بارهای چندجهته استفاده می‌شود.	
freeboard	ارتفاع آزاد (فاصله عمودی بین سطح جریان و لبه سازه‌ای مثل سیل‌بند)	/'fri:bɔ:rd/
The freeboard ensures that water does not overflow during peak flows.	ارتفاع آزاد تضمین می‌کند که در جریان‌های اوج، آب سرریز نکند.	
free-flow conduit	کانال آزاد جریان (کانالی که در آن جریان بدون فشار و به‌صورت ثقلی حرکت می‌کند)	/fri: floʊ 'ka:nduɪt/
A free-flow conduit allows stormwater to drain by gravity without pressure.	کانال آزاد جریان اجازه می‌دهد آب باران بدون فشار و به صورت ثقلی تخلیه شود.	
freeway	آزادراه	/'fri:weɪ/
The new freeway reduced travel time between the two cities.	آزادراه جدید زمان سفر بین دو شهر را کاهش داد.	
freeway exits	خروجی‌های آزادراه	/'fri:weɪ 'egzɪts/
Clear signs are needed to guide drivers to freeway exits.	تابلوهای واضح برای راهنمایی رانندگان به خروجی‌های آزادراه ضروری هستند.	
freeway interchange	تقاطع آزادراهی	/'fri:weɪ 'ɪntər'tʃeɪndʒ/
The freeway interchange connects multiple highways efficiently.	تقاطع آزادراهی چند بزرگراه را به‌طور مؤثر به هم متصل می‌کند.	
freeway to freeway interchanges	تقاطع بین آزادراه‌ها	/'fri:weɪ tu 'fri:weɪ 'ɪntər'tʃeɪndʒɪz/
Freeway to freeway interchanges are designed to maintain uninterrupted flow.	تقاطع‌های بین آزادراه‌ها برای حفظ جریان پیوسته طراحی می‌شوند.	

freezable water	آب قابل یخ زدن	/'fri:zəbəl 'wɔ:tər/
Freezable water in soils can cause frost heave during winter.	آب قابل یخ زدن در خاک می تواند در زمستان باعث برآمدگی یخی شود.	
freezing	یخ زدگی	/'fri:zɪŋ/
Freezing temperatures can damage pavement surfaces over time.	دمای یخ زدگی می تواند به مرور زمان به سطح روسازی آسیب برساند.	
freezing index	شاخص یخ زدگی (میزان سرمای تجمع یافته برای یخ زدگی خاک)	/'fri:zɪŋ 'ɪndeks/
The freezing index helps estimate frost depth in pavement design.	شاخص یخ زدگی به برآورد عمق یخبندان در طراحی روسازی کمک می کند.	
friction	اصطکاک	/'frɪkʃən/
High friction between tires and the road surface improves vehicle control.	اصطکاک زیاد بین لاستیک و سطح جاده کنترل خودرو را بهبود می بخشد.	
friction factor	ضریب اصطکاک	/'frɪkʃən 'fæktər/
The friction factor is crucial for calculating flow in open channels.	ضریب اصطکاک برای محاسبه جریان در کانال های باز حیاتی است.	
friction losses	تلفات اصطکاکی	/'frɪkʃən 'lɔ:sɪz/
Friction losses reduce the efficiency of fluid flow in pipes.	تلفات اصطکاکی بازده جریان سیال در لوله ها را کاهش می دهد.	
frontage road	جاده کناری (موازی با آزادراه برای دسترسی به املاک اطراف)	/'frʌntɪdʒ roʊd/
A frontage road runs parallel to the highway to provide access to businesses.	جاده کناری موازی با بزرگراه است و دسترسی به کسب و کارها را فراهم می کند.	
frost heave	برآمدگی یخی (تورم خاک بر اثر یخ زدگی آب درون آن)	/frɔ:st hi:v/
Frost heave can damage pavements in cold climates.	برآمدگی یخی می تواند در مناطق سردسیر به روسازی ها آسیب بزند.	
frost susceptible	مستعد یخ زدگی (خاک یا مصالحی که در برابر یخ زدگی آسیب پذیرند)	/frɔ:st sə'septəbəl/
Frost susceptible soils need special treatment in pavement design.	خاک های مستعد یخ زدگی نیاز به اقدامات ویژه در طراحی روسازی دارند.	
full depth asphalt pavement	روسازی آسفالتی تمام عمق	/fʊl dəpθ 'æsfo:lt 'peɪvmənt/
Full depth asphalt pavement is used for heavy traffic roads.	روسازی آسفالتی تمام عمق برای جاده های پرترافیک استفاده می شود.	

functional failure	خرابی عملکردی (کاهش کارایی بدون لزوماً خرابی سازه‌ای)	/'fʌŋkʃənəl 'feɪljər/
Rutting is a type of functional failure in flexible pavements.	شیارشده‌گی نوعی خرابی عملکردی در روسازی‌های انعطاف‌پذیر است.	
funneling	قیفی شدن جریان (متمرکز شدن جریان در یک ناحیه باریک)	/'fʌnəlɪŋ/
Funneling of vehicles at the toll booth caused traffic congestion.	قیفی شدن خودروها در محل عوارضی باعث ازدحام ترافیکی شد.	

G

gap	فاصله / شکاف (معمولاً بین وسایل نقلیه در جریان ترافیک)	/gæp/
Drivers must wait for a safe gap before merging into traffic.	رانندگان باید منتظر یک فاصله ایمن برای ورود به جریان ترافیک باشند.	
gasoline	بنزین	/'gæsəli:n/
The vehicle runs on unleaded gasoline.	این وسیله نقلیه با بنزین بدون سرب کار می کند.	
gathering ground	منطقه جمع آوری (ناحیه ای که آب یا رواناب در آن جمع می شود)	/'gæðərɪŋ graʊnd/
The gathering ground must be protected from pollution.	منطقه جمع آوری باید از آلودگی محافظت شود.	
generated traffic	ترافیک تولیدشده (ترافیکی که ناشی از یک توسعه یا پروژه جدید ایجاد می شود)	/'dʒenəreɪtɪd 'træfɪk/
Shopping malls often cause a significant amount of generated traffic.	مراکز خرید اغلب مقدار زیادی ترافیک تولیدشده ایجاد می کنند.	
geographic information system (GIS)	سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS)	/.dʒi:ə'græfɪk ,ɪnfər'meɪʃən 'sɪstəm/
GIS is used to analyze spatial data in transportation planning.	GIS برای تحلیل داده های مکانی در برنامه ریزی حمل و نقل استفاده می شود.	
geometric design	طراحی هندسی (طراحی عناصر فیزیکی مسیرها مانند قوس ها، شیب ها، عرض ها و غیره)	/.dʒi:ə'metɹɪk dɪ'zain/
Geometric design affects safety and efficiency of a roadway.	طراحی هندسی بر ایمنی و کارایی مسیر تأثیر می گذارد.	
geotechnical data	داده های ژئوتکنیکی (اطلاعات مربوط به خصوصیات مکانیکی خاک و زمین)	/.dʒi:əʊ'teknɪkəl 'deɪtə/
Geotechnical data is essential for foundation design.	داده های ژئوتکنیکی برای طراحی فونداسیون ضروری است.	
grade	شیب / تراز ارتفاعی	/greɪd/
The road has a steep grade near the mountain pass.	جاده در نزدیکی گذر کوهستانی شیب تندی دارد.	
grade line	خط شیب / خط تراز طراحی شده	/greɪd laɪn/
The grade line should follow the natural topography as closely as possible.	خط شیب باید تا حد امکان با توپوگرافی طبیعی مطابقت داشته باشد.	
grade separation	تفکیک ارتفاعی (جداکردن مسیرها در سطوح مختلف برای جلوگیری از تقاطع)	/greɪd ,sepə'reɪʃən/
Grade separation reduces traffic conflicts at busy intersections.	تفکیک ارتفاعی باعث کاهش تداخل های ترافیکی در تقاطع های شلوغ می شود.	

grade separation structure	سازه تفکیک ارتفاعی	/ˈɡreɪd ,sepə'reɪʃən 'strʌktʃər/
The bridge is a typical grade separation structure.	پل نمونه‌ای معمول از سازه تفکیک ارتفاعی است.	
grader scarified	خراشیده‌شده با گریدر (خاک یا سطحی که توسط گریدر خراشیده و نرم شده است)	/ˈɡreɪdər 'skærɪfaɪd/
The old road surface was grader scarified before resurfacing.	سطح قدیمی جاده قبل از روکش‌گذاری مجدد با گریدر خراش داده شد.	
granular skeleton	اسکلت دانه‌ای (ساختار اصلی دانه‌های درشت در مخلوط مصالح)	/ˈɡræn.jələr 'skelɪtən/
A stable granular skeleton improves pavement strength.	اسکلت دانه‌ای پایدار مقاومت روسازی را افزایش می‌دهد.	
grassed waterway	مجرای پوشیده از چمن (برای هدایت آب و جلوگیری از فرسایش)	/ɡrɑːst 'wɔːtərweɪ/
Grassed waterways help control erosion in rural roads.	مجراهای پوشیده از چمن به کنترل فرسایش در جاده‌های روستایی کمک می‌کنند.	
gravel	شن / سنگ‌ریزه	/ˈɡrævəl/
The road base was made of compacted gravel.	بستر جاده از شن متراکم ساخته شده بود.	
gravity wall	دیوار ثقلی (دیوار نگهدارنده‌ای که وزن خودش پایداری را تأمین می‌کند)	/ˈɡrævɪti wɔːl/
A gravity wall resists earth pressure using its own weight.	دیوار ثقلی با استفاده از وزن خود در برابر فشار زمین مقاومت می‌کند.	
grid roller	غلتک شبکه‌ای (نوعی غلتک دارای سطح فلزی شبکه‌ای برای تراکم خاک‌های خشن)	/ɡrɪd 'rəʊlər/
A grid roller is used for compacting coarse-grained soils.	از غلتک شبکه‌ای برای متراکم کردن خاک‌های درشت‌دانه استفاده می‌شود.	
grooving tool	ابزار شیارزنی (ابزاری برای ایجاد شیار در بتن یا آسفالت)	/ˈɡruːvɪŋ tuːl/
The contractor used a grooving tool to improve surface traction.	پیمانکار از ابزار شیارزنی برای بهبود چسبندگی سطح استفاده کرد.	
ground water	آب زیرزمینی	/ˈɡraʊnd ,wɔːtər/
Ground water levels must be checked before excavation.	سطح آب زیرزمینی باید قبل از حفاری بررسی شود.	
groundwater storage	ذخیره آب زیرزمینی	/ˈɡraʊnd ,wɔːtər 'stɔːrɪdʒ/
Effective groundwater storage is vital for drought management.	ذخیره مؤثر آب زیرزمینی برای مدیریت خشکسالی حیاتی است.	

group index	شاخص گروه (معیاری برای طبقه‌بندی خاک‌ها بر اساس ویژگی‌های آن‌ها)	/gru:p 'ɪndɛks/
The group index helps classify soils in pavement design.	شاخص گروه به طبقه‌بندی خاک‌ها در طراحی روسازی کمک می‌کند.	
group index method	روش شاخص گروه (روشی برای ارزیابی کیفیت خاک‌ها براساس شاخص گروه)	/gru:p 'ɪndɛks 'mɛθəd/
The group index method is widely used in soil evaluation.	روش شاخص گروه به طور گسترده‌ای در ارزیابی خاک استفاده می‌شود.	
grouting	تزریق ملات (برای پرکردن خلل و فرج و تثبیت زمین یا سازه)	/'graʊtɪŋ/
Grouting was used to stabilize the foundation soil.	تزریق ملات برای تثبیت خاک فونداسیون استفاده شد.	
gauge datum	مبنای اندازه‌گیری (خط مرجع ارتفاعی یا طولی)	/geɪdʒ 'deɪtəm/
The surveyor established the gauge datum for elevation measurements.	نقشه‌بردار مبنای اندازه‌گیری ارتفاع را تعیین کرد.	
guardrail	محافظ کنار جاده (مانع ایمنی برای جلوگیری از خروج خودرو از مسیر)	/'ga:rdreɪl/
Guardrails improve road safety by preventing vehicles from leaving the road.	محافظ‌های کنار جاده ایمنی را با جلوگیری از خروج خودروها افزایش می‌دهند.	
guide	راهنما / هدایت‌کننده	/gaɪd/
The guide signs help drivers navigate the highway.	تابلوهای راهنما به رانندگان کمک می‌کنند تا در بزرگراه مسیر خود را پیدا کنند.	
guide sign	تابلو راهنمایی (تابلوهایی برای راهنمایی مسیر رانندگان)	/gaɪd sam/
Guide signs indicate exits and directions on highways.	تابلوهای راهنما خروجی‌ها و جهت‌ها را در بزرگراه‌ها نشان می‌دهند.	
gutter	ناودان / شیار آبرو (برای هدایت آب‌های سطحی کنار جاده)	/'gʌtər/
The gutter directs rainwater away from the road surface.	ناودان آب باران را از سطح جاده دور می‌کند.	

H

head loss	افت بار (کاهش فشار یا انرژی در جریان سیال به علت اصطکاک یا موانع)	/hɛd lɒs/
The pipe system was designed to minimize head loss.	سیستم لوله‌کشی برای کاهش افت بار طراحی شده بود.	
head wall	دیوار ابتدایی (دیوار محافظ ورودی یا خروجی یک آب‌راه یا لوله زهکش)	/hɛd wɔ:l/
A head wall was constructed at the culvert inlet.	یک دیوار ابتدایی در ورودی کالورت ساخته شد.	
headlight glare	خیرگی چراغ جلو (تابش زنده نور چراغ‌های جلو که دید را مختل می‌کند)	/'hɛdlart gleər/
Headlight glare can be dangerous on two-way roads at night.	خیرگی چراغ جلو در جاده‌های دوطرفه در شب می‌تواند خطرناک باشد.	
headlight sight distance	فاصله دید چراغ جلو (میزان مسافتی که راننده می‌تواند با نور چراغ جلو ببیند)	/'hɛdlart saɪt 'dɪstəns/
Adequate headlight sight distance is essential for nighttime driving safety.	فاصله دید مناسب چراغ جلو برای ایمنی رانندگی در شب ضروری است.	
headway	فاصله زمانی بین دو وسیله نقلیه پیاپی در یک مسیر	/'hɛdweɪ/
A shorter headway increases road capacity but may reduce safety.	کاهش فاصله زمانی بین خودروها ظرفیت جاده را افزایش ولی ممکن است ایمنی را کاهش دهد.	
heavy traffic	ترافیک سنگین	/'hevi 'træfɪk/
There was heavy traffic on the highway during the morning rush hour.		
horizontal	افقی	/,hɔ:rɪ'zɒntl/
The road was built on a horizontal surface to ensure stability.	جاده روی سطحی افقی برای حفظ پایداری ساخته شد.	
horizontal alignment	ترازی افقی (طرح هندسی مسیر در صفحه افقی)	/hə'rizəntl ə'laɪnmənt/
Proper horizontal alignment improves driver visibility and safety.	تراز افقی مناسب دید راننده و ایمنی را افزایش می‌دهد.	
horizontal clearance	فاصله افقی (فاصله ایمن بین مسیر حرکت و موانع جانبی)	/hə'rizəntl 'kliərəns/
Horizontal clearance must be maintained to avoid roadside hazards.	فاصله افقی باید حفظ شود تا از خطرات کنار جاده جلوگیری گردد.	
hot mix	مخلوط گرم (ترکیبی از مصالح داغ‌شده برای روسازی)	/hɒt mɪks/
Hot mix is widely used in asphalt pavement construction.	مخلوط گرم به طور گسترده‌ای در ساخت روسازی آسفالتی استفاده می‌شود.	
hot mix asphalt	آسفالت گرم	/hɒt mɪks 'æsfɔ:lt/

Hot mix asphalt is preferred for high-traffic roadways.	آسفالت گرم برای جاده‌های پر تردد ترجیح داده می‌شود.	
hourly volume	حجم ساعتی ترافیک (تعداد وسایل نقلیه عبوری در یک ساعت)	/'aʊəli 'vɒljʊ:m/
The highway's design was based on the expected hourly volume.	طراحی بزرگراه بر اساس حجم ساعتی پیش‌بینی‌شده انجام شد.	
hung gutter	جوی آویزان (ناودانی که به صورت معلق در کنار سازه نصب می‌شود)	/hʌŋ 'gʌtər/
The hung gutter was installed to manage roof runoff efficiently.	جوی آویزان برای هدایت مؤثر آب باران از سقف نصب شد.	
hydrated lime	آهک هیدراته (آهک شکفته؛ ماده‌ای پرکاربرد در تثبیت خاک)	/'haɪdreɪtɪd laɪm/
Hydrated lime is often added to soil for stabilization in road construction.	آهک هیدراته معمولاً برای تثبیت خاک در ساخت راه به آن افزوده می‌شود.	

I

impact test	آزمایش ضربه	/'impækt test/
The impact test helps determine a material's toughness under sudden loads.	آزمایش ضربه میزان سختی ماده در برابر بارهای ناگهانی را تعیین می‌کند.	
improvement	بهبود / اصلاح	/im'pru:vment/
Road improvement projects aim to enhance traffic flow and safety.	پروژه‌های بهبود جاده‌ای با هدف ارتقاء جریان ترافیک و ایمنی انجام می‌شوند.	
in place mixing	اختلاط در محل (مخلوط کردن مواد روسازی یا تثبیت خاک در همان محل اجرای پروژه)	/in pleis 'miksɪŋ/
In place mixing reduces transportation costs in pavement construction.	اختلاط در محل هزینه‌های حمل‌ونقل را در ساخت روسازی کاهش می‌دهد.	
incision	برش / بریدگی (معمولاً در سطح زمین یا مصالح)	/in'sɪʒən/
The incision created by water flow led to erosion of the roadbed.	بریدگی ایجادشده توسط جریان آب باعث فرسایش بستر جاده شد.	
incompressible	غیرقابل تراکم	/,ɪnkəm'presəbl /
Water is considered an incompressible fluid in engineering calculations.	آب در محاسبات مهندسی به عنوان سیالی غیرقابل تراکم در نظر گرفته می‌شود.	
increasing channel dimension	افزایش ابعاد کانال	/in'kri:sɪŋ 'tʃænəl dɪ'menʃən/
Increasing channel dimensions can help control floodwaters.	افزایش ابعاد کانال می‌تواند به کنترل آب‌های سیلابی کمک کند.	
index	شاخص	/'ɪndeks/
The plasticity index is essential in classifying soil types.	شاخص خمیری بودن در طبقه‌بندی نوع خاک بسیار مهم است.	
infiltration	نفوذ (ورود آب به داخل خاک یا مصالح)	/'ɪnfɪl'treɪʃən/
Pavement design should consider water infiltration into the base layer.	طراحی روسازی باید نفوذ آب به لایه زیرین را در نظر بگیرد.	
inflexible	غیر قابل انعطاف / سخت	/ɪn'fleksəbl/
Inflexible pavements tend to crack under heavy loads.	روسازی‌های غیرقابل انعطاف تمایل به ترک خوردن تحت بارهای سنگین دارند.	
influent water	آب ورودی (آبی که وارد سیستم زهکشی یا کانال می‌شود)	/'ɪnfluənt 'wɔ:tər/
Influent water from rainfall was directed to the storm sewer.	آب ورودی حاصل از بارندگی به سمت فاضلاب طوفانی هدایت شد.	

initial construction	ساخت اولیه	/ɪˈnɪʃəl kənˈstrʌkʃən/
The initial construction of the highway was completed in two years.	ساخت اولیه بزرگراه در طی دو سال به پایان رسید.	
inlet	ورودی (ورودی آب یا هوا به سیستم)	/ˈɪnlet/
The drainage inlet was clogged with debris after the storm.	ورودی زهکشی پس از طوفان با زباله مسدود شده بود.	
inner separation	جداکننده داخلی (مانعی بین دو مسیر رفت و برگشت، معمولاً در بزرگراه‌ها)	/ˈɪnər ˌsepəˈreɪʃən/
The inner separation enhances safety by reducing head-on collisions.	جداکننده داخلی با کاهش برخوردهای رو در رو ایمنی را افزایش می‌دهد.	
insulating plaster	گچ عایق (گچی با خاصیت عایق حرارتی یا صوتی)	/ˈɪnsəleɪtɪŋ ˈplɑːstər/
Insulating plaster is applied to prevent heat loss in tunnel walls.	از گچ عایق برای جلوگیری از اتلاف حرارت در دیوارهای تونل استفاده می‌شود.	
intercepting ditch	جوی انحرافی (جویی برای جمع‌آوری و منحرف کردن جریان آب‌های سطحی)	/ˌɪntərˈseptɪŋ dɪtʃ/
An intercepting ditch was constructed to divert runoff away from the roadbed.	جوی انحرافی برای هدایت روان‌آب از بستر جاده ساخته شد.	
interchange	تقاطع غیر هم‌سطح / تبادل‌گاه ترافیکی	/ˈɪntərʃeɪndʒ/
The new interchange reduced congestion at the highway junction.	تقاطع غیر هم‌سطح جدید ازدحام در محل تلاقی بزرگراه را کاهش داد.	
interchange elements	اجزای تقاطع غیر هم‌سطح	/ˈɪntərʃeɪndʒ ˈeləmənts/
Proper design of interchange elements improves traffic flow and safety.	طراحی مناسب اجزای تقاطع غیر هم‌سطح باعث بهبود جریان ترافیک و ایمنی می‌شود.	
intercity bus	اتوبوس بین‌شهری	/ˌɪntərˈsɪti bʌs/
The intercity bus departs every hour from the terminal.	اتوبوس بین‌شهری هر ساعت از پایانه حرکت می‌کند.	
intermittent stream	جریان متناوب (آبی که به صورت غیر پیوسته در جریان است)	/ˌɪntərˈmɪtənt striːm/
An intermittent stream flows only during heavy rains or wet seasons.	جریان متناوب فقط در هنگام بارندگی شدید یا فصل‌های مرطوب جاری می‌شود.	
internal drainage	زهکشی داخلی	/ɪnˈtɜːnəl ˈdreɪnɪdʒ/
Good internal drainage prevents water accumulation within the pavement layers.	زهکشی داخلی مناسب از تجمع آب در لایه‌های روسازی جلوگیری می‌کند.	

internal friction	اصطکاک داخلی	/ɪn'tɜrnəl 'frɪkʃən/
The angle of internal friction is a key parameter in soil stability analysis.	زاویه اصطکاک داخلی یکی از پارامترهای کلیدی در تحلیل پایداری خاک است.	
intersection	تقاطع هم‌سطح	/,ɪntər'sɛkʃən/
The intersection was redesigned to include traffic signals and pedestrian crossings.	تقاطع برای نصب چراغ راهنمایی و گذر عابر پیاده بازطراحی شد.	
intersection leg	بازوی تقاطع (یکی از مسیرهایی که وارد یا خارج از تقاطع می‌شود)	/,ɪntər'sɛkʃən leɪ/
The visibility on each intersection leg must be sufficient for safety.	دید مناسب در هر بازوی تقاطع برای ایمنی لازم است.	
intersection sign	تابلو تقاطع	/,ɪntər'sɛkʃən saɪn/
An intersection sign was placed ahead to warn approaching drivers.	تابلوی تقاطع جلوتر برای هشدار به رانندگان نصب شد.	
interstitial water	آب بین‌ذره‌ای (آبی که بین ذرات خاک یا سنگ قرار دارد)	/,ɪntər'stɪʃəl 'wɔ:tər/
Interstitial water affects the compaction characteristics of soil.	آب بین‌ذره‌ای ویژگی‌های تراکم خاک را تحت تأثیر قرار می‌دهد.	
irrigation	آبیاری	/,ɪrɪ'geɪʃən/
Proper irrigation is necessary to maintain vegetation on highway slopes.	آبیاری مناسب برای حفظ پوشش گیاهی در شیب‌های بزرگراه ضروری است.	

J

Jacking	جک زدن / اعمال نیروی فشاری با جک	/ˈdʒækɪŋ/
Jacking is used to lift heavy bridge girders during maintenance.	از جک زدن برای بلند کردن تیرهای سنگین پل در حین نگهداری استفاده می‌شود.	
Jet Grouting	تزریق دوغاب با فشار بالا (جت گروتینگ)	/dʒet ˈgraʊtɪŋ/
Jet grouting improves soil strength beneath foundations.	جت گروتینگ استحکام خاک زیر پی‌ها را افزایش می‌دهد.	
Jib Crane	جرثقیل بازویی	/dʒɪb kreɪn/
A jib crane was used to move materials across the construction site.	از جرثقیل بازویی برای جابجایی مصالح در محل ساخت‌وساز استفاده شد.	
job mix formula	فرمول اختلاط کارگاهی	/dʒɒb mɪks ˈfɔːmjʊlə/
The contractor submitted the job mix formula for asphalt production.	پیمانکار فرمول اختلاط کارگاهی برای تولید آسفالت را ارائه داد.	
Joint	درز / مفصل	/dʒɔɪnt/
The concrete slab has expansion joints to allow for thermal movement.	دال بتنی دارای درزهای انبساطی برای جبران حرکت حرارتی است.	
joint water	آب درز / آبی که از درزهای سازه نفوذ می‌کند	/dʒɔɪnt ˈwɔːtər/
Joint water must be sealed properly to prevent pavement damage.	آب درز باید به‌درستی آب‌بندی شود تا به روسازی آسیب نرساند.	
Junction	محل اتصال / تقاطع	/ˈdʒʌŋkʃən/
The junction of two highways was upgraded to an interchange.	محل اتصال دو بزرگراه به تقاطع غیرهم‌سطح ارتقا یافت.	

K

Kerb (Curb)	جدول کنار خیابان	/kɜːb/
Vehicles must not park too close to the kerb.	وسایل نقلیه نباید خیلی نزدیک جدول پارک کنند.	
Kilometer Post (KP)	کیلومتر شمار (علامت کیلومتری)	/kɪˈlɒmɪtər poʊst/
The accident occurred near the 45-kilometer post on the highway.	تصادف نزدیک به کیلومتر ۴۵ بزرگراه رخ داد.	
Kinematic Viscosity	ویسکوزیته جنبشی	/ˌkɪnəˈmætɪk vɪsˈkɒsəti/
Kinematic viscosity is a key factor in evaluating bitumen performance.	ویسکوزیته جنبشی عامل مهمی در ارزیابی عملکرد قیر است.	
Kerb Radius	شعاع جدول گذاری	/kɜːb ˈreɪdiəs/
The kerb radius at intersections should allow smooth turning of large vehicles.	شعاع جدول در تقاطع‌ها باید امکان گردش روان وسایل نقلیه بزرگ را فراهم کند.	
Knot (Speed Unit)	گره دریایی (واحد سرعت، معادل ۱.۸۵۲ کیلومتر بر ساعت)	/nɒt/
Ships typically travel at speeds measured in knots.	کشتی‌ها معمولاً با سرعتی برحسب گره دریایی حرکت می‌کنند.	
Keyway (Construction Joint)	شیار اتصال (درز سازه‌ای)	/ˈkiːweɪ/
A keyway is provided to ensure bond between successive concrete pours.	شیار اتصال برای ایجاد پیوند بین لایه‌های متوالی بتن تعبیه می‌شود.	
Kerb Inlet	ورودی آب به جوی از کنار جدول	/kɜːb ˈɪnlet/
Kerb inlets are used to collect stormwater from the road surface.	ورودی‌های کنار جدول برای جمع‌آوری آب باران از سطح جاده استفاده می‌شوند.	
Kerb Line	خط جدول	/kɜːb laɪn/
No construction materials may be placed beyond the kerb line.	هیچ مصالحی نباید خارج از خط جدول قرار گیرد.	
Kerb Height	ارتفاع جدول	/kɜːb haɪt/
The standard kerb height in urban streets is usually 15 cm.	ارتفاع استاندارد جدول در خیابان‌های شهری معمولاً ۱۵ سانتی‌متر است.	
Kerb Ramp	رَمپ جدول (محل عبور ویلچر یا معلولین)	/kɜːb ræmp/
Kerb ramps provide accessibility for people with disabilities.	رَمپ‌های جدول دسترسی افراد دارای معلولیت را فراهم می‌کنند.	
Kerb Stone	سنگ جدول	/kɜːb stəʊn/

The workers are placing new kerb stones along the sidewalk.	کارگران سنگ جدول‌های جدید را در امتداد پیاده‌رو نصب می‌کنند.	
Kerb Drainage	زهکشی جدول	/kɜːb 'dreɪnɪdʒ/
Proper kerb drainage helps prevent water accumulation on roads.	زهکشی مناسب جدول از تجمع آب در خیابان جلوگیری می‌کند.	
Kerb Marking	خط‌کشی جدول	/kɜːb 'mɑːkɪŋ/
Red kerb marking indicates no stopping or parking.	خط‌کشی قرمز جدول نشان‌دهنده ممنوعیت توقف یا پارک است.	
Kerb Offset	فاصله جدول از محور یا خط مرجع	/kɜːb 'ɒfset/
The kerb offset affects lane width and pedestrian area.	فاصله جدول بر عرض خط عبور و محدوده عابر پیاده تأثیر دارد.	
Kerb Parking	پارک کنار جدول	/kɜːb 'pɑːkɪŋ/
Kerb parking is allowed only in designated areas.	پارک کنار جدول فقط در مناطق مشخص‌شده مجاز است.	
Kerb Sidewalk	پیاده‌رو چسبیده به جدول	/kɜːb 'saɪdwɔːk/
The kerb sidewalk was widened to improve pedestrian comfort.	پیاده‌رو چسبیده به جدول برای راحتی بیشتر عابران پیاده عریض‌تر شد.	
Kerb Load	بار وارد بر جدول	/kɜːb ləʊd/
Kerb load must be considered during the structural design of edge elements.	بار وارد بر جدول باید در طراحی سازه‌ای لبه‌ها در نظر گرفته شود.	
Kerb Cut	بریدگی جدول (برای رمپ یا دسترسی)	/kɜːb kʌt/
A kerb cut was made to allow wheelchair access to the crossing.	بریدگی جدول برای عبور ویلچر به محل عبور عابرین ایجاد شد.	

ل

Laboratory	آزمایشگاه	/lə'brɒrətəri/
The soil samples were tested in the laboratory.	نمونه‌های خاک در آزمایشگاه آزمایش شدند.	
land grading	تسطیح زمین	/lənd 'greɪdɪŋ/
Land grading is essential before starting road construction.	تسطیح زمین پیش از شروع ساخت جاده ضروری است.	
land uplift	بالاآمدگی زمین	/lənd 'ʌplɪft/
Land uplift in this area has affected the drainage patterns.	بالاآمدگی زمین در این منطقه الگوی زهکشی را تحت تأثیر قرار داده است.	
landscaping	محوطه‌سازی	/'lændskeɪpɪŋ/
Landscaping along highways improves visual aesthetics.	محوطه‌سازی در امتداد بزرگراه‌ها زیبایی بصری را افزایش می‌دهد.	
lane addition	افزودن خط عبور	/leɪn ə'dɪʃən/
A lane addition project is planned to reduce traffic congestion.	پروژه‌ای برای افزودن خط عبور به منظور کاهش ازدحام ترافیکی در نظر گرفته شده است.	
lane changing	تغییر خط عبور	/leɪn 'tʃeɪndʒɪŋ/
Sudden lane changing can cause accidents.	تغییر ناگهانی خط عبور می‌تواند باعث تصادف شود.	
lane drop	حذف خط عبور	/leɪn drɒp/
The lane drop occurs just before the intersection.	حذف خط عبور درست قبل از تقاطع اتفاق می‌افتد.	
lane drops	حذف خطوط عبور	/leɪn drɒps/
Multiple lane drops are planned in the road narrowing area.	چند خط عبور در ناحیه باریک شدن جاده حذف خواهند شد.	
lateral reinforcement	آرماتور عرضی	/'lætərəl ,riːn'fɔːsmənt/
Lateral reinforcement increases the shear strength of concrete beams.	آرماتور عرضی مقاومت برشی تیرهای بتنی را افزایش می‌دهد.	
leaching	شست‌وشوی خاک / آبشویی	/'liːtʃɪŋ/
Excessive rainfall can cause leaching of nutrients from the soil.	بارندگی زیاد می‌تواند باعث شست‌وشوی مواد مغذی از خاک شود.	
leaky	نشت‌دار	/'liːki/

The drainage pipe is leaky and needs replacement.	لوله زهکش نشت دارد و نیاز به تعویض دارد.	
left shoulder	شانه‌ی چپ جاده	/lɛft 'ʃəʊldə(r)/
The vehicle stopped on the left shoulder of the highway.	خودرو در شانه‌ی چپ بزرگراه متوقف شد.	
left-turn channelization	کانالیزه کردن گردش به چپ	/lɛft tʰɜːn 'ʃænələɪ'zeɪʃən/
Left-turn channelization helps prevent traffic conflicts at intersections.	کانالیزه کردن گردش به چپ از بروز تداخل‌های ترافیکی در تقاطع جلوگیری می‌کند.	
left-turn lane on median	خط گردش به چپ در جزیره میانی	/lɛft tʰɜːn leɪn ɒn 'miːdiən/
A left-turn lane on the median improves traffic flow during peak hours.	خط گردش به چپ در جزیره میانی باعث بهبود جریان ترافیک در ساعات اوج می‌شود.	
left-turn refuge	پناهگاه گردش به چپ	/lɛft tʰɜːn 'rɛfjuːdʒ/
The left-turn refuge allows vehicles to wait safely before turning.	پناهگاه گردش به چپ امکان توقف امن خودروها را پیش از گردش فراهم می‌کند.	
left-turning traffic	ترافیک گردش به چپ	/lɛft 'tʰɜːnɪŋ 'træfɪk/
Left-turning traffic often causes delays at intersections.	ترافیک گردش به چپ اغلب باعث تأخیر در تقاطع‌ها می‌شود.	
level of service	سطح سرویس‌دهی (ترافیکی)	/'lɛvəl əv 'sɜːvɪs/
The level of service dropped due to increased congestion.	سطح سرویس‌دهی به دلیل افزایش ازدحام کاهش یافت.	
leveling course	لایه تسطیح	/'lɛvəlɪŋ kɔːs/
A leveling course is applied before the final asphalt layer.	یک لایه تسطیح پیش از لایه نهایی آسفالت اجرا می‌شود.	
light traffic	ترافیک سبک	/laɪt 'træfɪk/
This rural road usually experiences light traffic.	این جاده روستایی معمولاً ترافیک سبک دارد.	
lime stabilization	تثبیت با آهک	/laɪm 'steɪbəlaɪ'zeɪʃən/
Lime stabilization improves the strength of clayey soils.	تثبیت با آهک مقاومت خاک‌های رسی را افزایش می‌دهد.	
lime stabilized	تثبیت‌شده با آهک	/laɪm 'steɪbəlaɪzɪd/
The lime stabilized layer acts as a strong subgrade.	لایه تثبیت‌شده با آهک به‌عنوان زیرسازی مقاوم عمل می‌کند.	

line load	بار خطی	/laɪn læʊd/
A line load is applied along the edge of the retaining wall.	یک بار خطی در امتداد لبه دیوار حائل اعمال می‌شود.	
liquid asphalts	آسفالت‌های مایع	/'lɪkwɪd 'æsfælt/
Liquid asphalts are used for surface treatments and cold mix.	آسفالت‌های مایع در پوشش سطحی و آسفالت سرد کاربرد دارند.	
liquid limit	حد روانی	/'lɪkwɪd 'lɪmɪt/
The liquid limit helps classify the plasticity of soils.	حد روانی در طبقه‌بندی خاصیت خمیری خاک مؤثر است.	
load increment	افزایش بار	/ləʊd 'ɪnkrɪmənt/
The structure failed after the third load increment.	سازه پس از سومین افزایش بار دچار شکست شد.	
load test	آزمایش بار	/ləʊd tɛst/
A load test was conducted to check the bearing capacity of the slab.	آزمایش بار برای بررسی ظرفیت باربری دال انجام شد.	
local road	جاده محلی	/'ləʊkəl rəʊd/
Local roads connect neighborhoods to the main arterial routes.	جاده‌های محلی محله‌ها را به مسیرهای اصلی متصل می‌کنند.	
longitudinal crack	ترک طولی	/ˌlɒndʒɪˈtʃuːdɪnəl kræk/
Longitudinal cracks are often caused by poor joint construction.	ترک‌های طولی معمولاً ناشی از اجرای نامناسب درزها هستند.	
longitudinal profile	پروفیل طولی	/ˌlɒndʒɪˈtʃuːdɪnəl 'prəʊfaɪl/
The longitudinal profile shows the slope and elevation along the road.	پروفیل طولی شیب و ارتفاع مسیر را نشان می‌دهد.	
longitudinal reinforcement	میلگردگذاری طولی / آرماتور طولی	/ˌlɒndʒɪˈtʃuːdɪnəl ,riːn'fɔːsmənt/
Longitudinal reinforcement resists tension forces in beams and pavements.	آرماتورهای طولی در برابر نیروهای کششی در تیرها و روسازی مقاومت می‌کنند.	
longitudinal section	مقطع طولی	/ˌlɒndʒɪˈtʃuːdɪnəl 'sekʃən/
The longitudinal section of the road shows elevation changes along its path.	مقطع طولی جاده تغییرات ارتفاع در طول مسیر را نشان می‌دهد.	
Los Angeles abrasion test	آزمایش سایش لس‌آنجلس	/ləs 'ændʒələs ə'brɛɪʒən tɛst/

The Los Angeles abrasion test evaluates the toughness of aggregates.	آزمایش سایش لس آنجلس مقاومت سنگدانه‌ها در برابر سایش را می‌سنجد.	
lubricating oil	روغن روان‌کار/روغن موتور	/'lu:brikeitɪŋ ɔɪl/
Lubricating oil reduces friction between moving machine parts.	روغن روان‌کار اصطکاک بین قطعات متحرک ماشین را کاهش می‌دهد.	

فان دیپ

M

Magnitude	بزرگی (مثلاً بزرگی زلزله، نیرو)	/'mæɡnɪtju:d/
The magnitude of the earthquake affected the stability of nearby highways.	بزرگی زلزله بر پایداری بزرگراه‌های اطراف تأثیر گذاشت.	
maintenance	نگهداری	/'meɪntənəns/
Regular road maintenance prevents major structural damage.	نگهداری منظم جاده از آسیب‌های سازه‌ای بزرگ جلوگیری می‌کند.	
major highway	بزرگراه اصلی	/'meɪdʒər 'haɪweɪ/
This major highway connects the capital to the industrial region.	این بزرگراه اصلی پایتخت را به منطقه صنعتی متصل می‌کند.	
major movements	حرکت‌های اصلی (در تقاطع یا ترافیک)	/'meɪdʒər 'mu:vmənts/
Major movements at the intersection require special signal timings.	حرکت‌های اصلی در تقاطع نیاز به زمان‌بندی خاص چراغ دارند.	
mandatory	اجباری	/'mændətəri/
Wearing a seatbelt is mandatory on all highways.	بستن کمربند ایمنی در تمام بزرگراه‌ها اجباری است.	
markers	علائم (نشانه‌ها)	/'mɑ:kəz/
Road markers help guide drivers during night travel.	علائم جاده‌ای به هدایت رانندگان در شب کمک می‌کنند.	
marking	خط‌کشی / علامت‌گذاری	/'mɑ:kɪŋ/
The road marking was repainted for better visibility.	خط‌کشی جاده برای دید بهتر دوباره رنگ‌آمیزی شد.	
mastic block	بلوک ماستیکی (برای درزگیری یا پوشش)	/'mæstɪk blɒk/
Mastic blocks are often used for sealing expansion joints in pavements.	بلوک‌های ماستیکی اغلب برای درزگیری درزهای انبساطی در روسازی‌ها استفاده می‌شوند.	
materials	مصالح / مواد	/mə'tɪəriəlz/
Construction materials must meet quality standards.	مصالح ساختمانی باید با استانداردهای کیفی مطابقت داشته باشند.	
mean velocity	سرعت متوسط	/mi:n və'ləʊsəti/
The mean velocity of water flow is crucial in hydraulic design.	سرعت متوسط جریان آب در طراحی هیدرولیکی اهمیت دارد.	
median	جداکننده میانی (در جاده‌ها)	/'mi:diən/

The median separates opposing lanes of traffic.	جداکننده میانی خطوط مخالف ترافیک را از هم جدا می‌کند.	
median barriers	موانع میانی	/'mi:diən 'bæriəz/
Median barriers are installed to prevent vehicles from crossing over.	موانع میانی برای جلوگیری از عبور خودروها به سمت مخالف نصب می‌شوند.	
median curb	جدول میانی	/'mi:diən kɜ:b/
The median curb was damaged during the accident.	جدول میانی در جریان تصادف آسیب دید.	
median fencing	حصار میانی	/'mi:diən 'fensɪŋ/
Median fencing improves road safety by preventing pedestrian crossing.	حصار میانی با جلوگیری از عبور عابر پیاده ایمنی جاده را افزایش می‌دهد.	
median grad	شیب میانه (در رمپ یا جداکننده میانی)	/'mi:diən greɪd/
The median grad must be properly designed to allow drainage.	شیب میانی باید به درستی طراحی شود تا امکان زهکشی فراهم گردد.	
median lane	خط میانی	/'mi:diən leɪn/
The median lane is reserved for emergency vehicles.	خط میانی برای وسایل نقلیه اضطراری اختصاص داده شده است.	
median on bridge	میانه روی پل	/'mi:diən ɒn brɪdʒ/
A narrow median on the bridge separates opposing traffic.	میانه باریکی روی پل خطوط مخالف را از هم جدا می‌کند.	
median width	عرض میانه	/'mi:diən wɪdθ/
The standard median width on urban roads is 1.5 meters.	عرض استاندارد میانه در جاده‌های شهری ۱٫۵ متر است.	
medium curing asphalts (SC)	آسفالت با قیر کندگیر متوسط (SC)	/'mi:diəm 'kjʊərɪŋ 'æsfə:ltz/
Medium curing asphalts are used in base courses.	آسفالت‌های کندگیر متوسط در لایه‌های اساس استفاده می‌شوند.	
medium setting emulsion (MS)	امولسیون با زمان گیرش متوسط (MS)	/'mi:diəm 'setɪŋ ɪ'mælʃən/
Medium setting emulsions are ideal for surface treatments.	امولسیون‌های گیرش متوسط برای اجرای لایه‌های سطحی مناسب هستند.	
merging	ادغام ترافیک (پیوستن خودرو به جریان اصلی)	/'mɜ:dʒɪŋ/

Merging from the on-ramp requires careful speed adjustment.	ادغام از رمپ ورودی نیاز به تنظیم دقیق سرعت دارد.	
merging lane metering	کنترل ادغام در خط ورودی (با سیگنال یا ابزار)	/'mɜːdʒɪŋ leɪn 'miːtərɪŋ/
Merging lane metering reduces congestion at freeway on-ramps.	کنترل ادغام در خطوط ورودی، ازدحام در رمپ‌های ورودی بزرگراه را کاهش می‌دهد.	
meteoric water	آب ناشی از بارندگی (آب باران، برف، تگرگ)	/,miːti'ɒrɪk 'wɔːtər/
Meteoric water can seep into pavement layers and weaken the structure.	آب حاصل از بارندگی می‌تواند وارد لایه‌های روسازی شده و آن را تضعیف کند.	
method	روش	/'meθəd/
The method of soil stabilization depends on the soil type.	روش تثبیت خاک به نوع خاک بستگی دارد.	
mid-block accident	تصادف در وسط بلوک (میان دو تقاطع)	/mɪd blɒk 'æksɪdɪnt/
Mid-block accidents often occur due to sudden lane changes.	تصادف‌های وسط بلوک اغلب به علت تغییر ناگهانی خط رخ می‌دهند.	
minimum	حداقل	/'mɪnɪməm/
The minimum lane width in highways is 3.5 meters.	حداقل عرض خط در بزرگراه‌ها ۳٫۵ متر است.	
minimum	کمینه / پایین‌ترین مقدار	/'mɪnɪməm/
A minimum of two test samples is required for analysis.	حداقل دو نمونه برای آنالیز مورد نیاز است.	
minimum radius	کمترین شعاع (قابل قبول برای طراحی پیچ‌ها)	/'mɪnɪməm 'reɪdiəs/
The minimum radius for highway curves must ensure safety at design speed.	حداقل شعاع پیچ‌ها باید ایمنی در سرعت طراحی را تضمین کند.	
minimum-speed-limit sign	تابلوی حداقل سرعت مجاز	/'mɪnɪməm spiːd 'lɪmɪt saɪn/
A minimum-speed-limit sign ensures vehicles move at a safe pace.	تابلوی حداقل سرعت باعث می‌شود وسایل نقلیه با سرعت ایمن حرکت کنند.	
mix design	طرح اختلاط	/mɪks dɪ'zɑːn/
Proper mix design ensures durability and strength of the concrete.	طرح اختلاط مناسب، دوام و مقاومت بتن را تضمین می‌کند.	
mixed pavement	روسازی ترکیبی	/mɪkst 'peɪvmənt/
Mixed pavements combine flexible and rigid layers for better performance.	روسازی ترکیبی شامل لایه‌های انعطاف‌پذیر و صلب برای عملکرد بهتر است.	

mixed-in place	اختلاط در محل	/mɪkst ɪn pleɪs/
Stabilizers were mixed-in place using special equipment.	مواد تثبیت کننده با استفاده از تجهیزات خاص در محل مخلوط شدند.	
mixer	میکسر / دستگاه مخلوط کننده	/'mɪksər/
The concrete was prepared in a drum-type mixer.	بتن در یک میکسر نوع درام آماده شد.	
mixing in place	مخلوط کردن در محل	/'mɪksɪŋ ɪn pleɪs/
Mixing in place is common in road base construction.	مخلوط کردن در محل در ساخت لایه اساس جاده رایج است.	
mixing water	آب اختلاط	/'mɪksɪŋ 'wɔːtər/
Mixing water must be clean and free from harmful substances.	آب اختلاط باید تمیز و عاری از مواد مضر باشد.	
modification	اصلاح / تغییر	/,mɒdɪfɪ'keɪʃən/
Modification of the pavement material improved its durability.	اصلاح مصالح روسازی، دوام آن را افزایش داد.	
modulus of rupture test	آزمون مدول گسیختگی (برای مقاومت خمشی)	/'mɒdjʊləs əv 'rʌptʃər test/
The modulus of rupture test measures the flexural strength of concrete.	آزمون مدول گسیختگی، مقاومت خمشی بتن را اندازه گیری می کند.	
motor vehicle accident	تصادف وسیله نقلیه موتوری	/'məʊtər 'viːɪkl 'æksɪdnt/
Motor vehicle accidents are more frequent on poorly lit roads.	تصادفات وسایل نقلیه موتوری در جاده های کم نور بیشتر رخ می دهند.	
mountain climate	اقلیم کوهستانی	/'maʊntən 'klaɪmət/
Road designs in mountain climates must consider snow and steep slopes.	طراحی جاده در اقلیم کوهستانی باید برف و شیب تند را در نظر بگیرد.	
movable load	بار متحرک	/'muːvəbl ləʊd/
Bridges must be designed to resist both dead load and movable load.	پل ها باید برای مقاومت در برابر بار مرده و بار متحرک طراحی شوند.	
multilane	چند خطه	/'mʌltɪleɪn/
Multilane highways improve traffic flow in urban areas.	بزرگراه های چند خطه جریان ترافیک در مناطق شهری را بهبود می بخشد.	
multiple lanes	خطوط متعدد	/'mʌltɪpəl leɪnz/

Roads with multiple lanes require clear lane markings for safety.

جاده‌های دارای خطوط متعدد نیازمند خط‌کشی دقیق برای ایمنی هستند.

فان دیسی

N

Naphtha	نفتا (نوعی حلال نفتی سبک)	/'næfθə/
Naphtha is sometimes used as a solvent in asphalt testing.	نفتا گاهی به عنوان حلال در آزمایش‌های آسفالت استفاده می‌شود.	
national highway network	شبکه بزرگراه‌های ملی	/'næʃənl 'haɪweɪ 'netwɜ:k/
The national highway network connects major cities across the country.	شبکه بزرگراه‌های ملی شهرهای بزرگ کشور را به هم متصل می‌کند.	
national highway system	سیستم بزرگراه‌های ملی	/'næʃənl 'haɪweɪ 'sɪstəm/
Funding priorities focus on the national highway system.	اولویت‌های تأمین مالی بر سیستم بزرگراه‌های ملی متمرکز است.	
natural asphalt	آسفالت طبیعی	/'nætʃrəl 'æsfɔ:lt/
Natural asphalt occurs in certain geological formations.	آسفالت طبیعی در برخی سازندهای زمین‌شناسی یافت می‌شود.	
natural bed	بستر طبیعی	/'nætʃrəl bed/
The bridge foundation was built on the natural bed of the river.	پی پل روی بستر طبیعی رودخانه ساخته شد.	
net head	ارتفاع مؤثر آب	/net hɛd/
Net head is critical in the design of hydroelectric systems.	ارتفاع مؤثر آب در طراحی سیستم‌های برق‌آبی حیاتی است.	
network planning	برنامه‌ریزی شبکه	/'netwɜ:k 'plænɪŋ/
Network planning helps optimize transportation routes.	برنامه‌ریزی شبکه به بهینه‌سازی مسیرهای حمل‌ونقل کمک می‌کند.	
noise abatement	کاهش نویز	/nɔɪz ə'beɪtmənt/
Noise abatement walls were installed along the highway.	دیوارهای کاهش نویز در امتداد بزرگراه نصب شدند.	
noise barrier	مانع صوتی / دیواره کاهنده صدا	/nɔɪz 'bæriər/
The noise barrier reduced traffic sound near the residential area.	مانع صوتی صدای ترافیک را در نزدیکی منطقه مسکونی کاهش داد.	
nominal size	اندازه اسمی	/'nɒmɪnəl saɪz/
The nominal size of aggregates affects the mix design.	اندازه اسمی سنگدانه‌ها بر طراحی مخلوط تأثیر می‌گذارد.	

non destructive	غیر مخرب	/nɒn dɪ'strʌktɪv/
Engineers use non-destructive methods to evaluate pavement strength.	مهندسان از روش‌های غیر مخرب برای ارزیابی مقاومت روسازی استفاده می‌کنند.	
nondestructive test	آزمون غیرمخرب	/ˌnɒndɪ'strʌktɪv test/
The nondestructive test showed no internal damage to the concrete slab.	آزمون غیرمخرب هیچ آسیبی داخلی در دال بتنی نشان نداد.	
nonfreeway facilities	تأسیسات غیر آزادراهی	/ˌnɒn'fri:weɪ fə'sɪlɪtɪz/
Nonfreeway facilities often have lower speed limits and more access points.	تأسیسات غیر آزادراهی معمولاً محدودیت سرعت پایین‌تر و دسترسی بیشتری دارند.	
non-motorized traffic	ترافیک غیر موتوری	/ˌnɒn'məʊtəraɪ zd 'træfɪk/
Bicycles and pedestrians are considered non-motorized traffic.	دوچرخه‌سواران و عابران پیاده جزو ترافیک غیر موتوری محسوب می‌شوند.	

O

objectives	اهداف	/əb'dʒɛktɪvz/
The project objectives must be clearly defined before construction starts.	اهداف پروژه باید قبل از شروع ساخت و ساز به وضوح تعریف شوند.	
objectives of design	اهداف طراحی	/əb'dʒɛktɪvz əv dɪ'zain/
Safety and efficiency are key objectives of design in highway engineering.	ایمنی و بهره‌وری از اهداف اصلی طراحی در مهندسی بزرگراه هستند.	
occupancy	اشغال / میزان استفاده (مثلاً از فضا)	/'ɒkjəpənsi/
The lane occupancy rate helps determine traffic congestion.	نرخ اشغال خطوط به تعیین میزان ازدحام ترافیک کمک می‌کند.	
off-line bus stop	ایستگاه اتوبوس خارج از مسیر اصلی	/'ɒf'laɪn bʌs stɒp/
Off-line bus stops reduce traffic delays on the main road.	ایستگاه‌های اتوبوس خارج از مسیر اصلی باعث کاهش تأخیر ترافیکی در جاده اصلی می‌شوند.	
offset	انحراف / جابجایی جانبی	/'ɒfset/
The offset between lanes must be maintained for safety.	انحراف بین خطوط باید برای ایمنی حفظ شود.	
on-coming traffic	ترافیک روبرو	/'ɒn,kʌmɪŋ 'træfɪk/
Always yield to on-coming traffic when making a left turn.	هنگام گردش به چپ همیشه به ترافیک روبرو راه بدهید.	
one size	یک اندازه	/wʌn saɪz/
One size aggregate is often used for base course layers.	سنگدانه‌های یک اندازه معمولاً برای لایه‌های پایه استفاده می‌شوند.	
open channel	کانال باز	/'əʊpən 'tʃænəl/
Open channels are designed for free surface flow of water.	کانال‌های باز برای جریان سطح آزاد آب طراحی می‌شوند.	
open grade asphalt	آسفالت دانه‌باز	/'əʊpən greɪd 'æsfɔ:lt/
Open grade asphalt allows better water drainage on pavements.	آسفالت دانه‌باز تخلیه آب بهتری روی روسازی‌ها فراهم می‌کند.	
open graded	دانه‌بندی باز	/'əʊpən 'greɪdɪd/
The mix is open graded to improve permeability.	مخلوط به صورت دانه‌بندی باز برای افزایش نفوذپذیری تهیه شده است.	
open texture	بافت باز	/'əʊpən 'tɛkstʃər/

Open texture surfaces reduce water splash and noise.	سطوح بافت باز باعث کاهش پاشش آب و صدا می شوند.	
optimization	بهینه سازی	/ˌɒptɪmaɪˈzeɪʃən/
Optimization of materials improves pavement performance.	بهینه سازی مواد، عملکرد روسازی را بهبود می بخشد.	
optimum asphalt content	مقدار بهینه آسفالت	/ˈɒptɪməm ˈæsfoːlt ˈkɒntent/
Determining the optimum asphalt content is essential in mix design.	تعیین مقدار بهینه آسفالت در طراحی مخلوط ضروری است.	
optimum moisture content	مقدار بهینه رطوبت	/ˈɒptɪməm ˈmoɪstʃər ˈkɒntent/
The soil was tested for its optimum moisture content before compaction.	خاک برای مقدار بهینه رطوبت قبل از متراکم سازی آزمایش شد.	
optimum water content	مقدار بهینه آب	/ˈɒptɪməm ˈwɔːtər ˈkɒntent/
Optimum water content ensures proper soil compaction.	مقدار بهینه آب، تراکم صحیح خاک را تضمین می کند.	
organic	ارگانیک، طبیعی	/ɔːrˈɡænik/
Organic materials in soil affect its strength and stability.	مواد ارگانیک در خاک بر مقاومت و پایداری آن تأثیر می گذارند.	
origin and destination of trip	مبدأ و مقصد سفر	/ˈɒrɪdʒɪn ənd ˌdestɪˈneɪʃən əv triːp/
The survey studied the origin and destination of trips to plan routes.	نظرسنجی مبدأ و مقصد سفرها را برای برنامه ریزی مسیرها بررسی کرد.	
orographic precipitation	بارش اوروگرافیک	/ˌɒrəˈɡræfɪk ˌpreɪˈsɪpeɪʃən/
Orographic precipitation occurs when moist air rises over mountains.	بارش اوروگرافیک زمانی رخ می دهد که هوای مرطوب از کوه ها بالا رود.	
outer separation	جداسازی بیرونی	/ˈaʊtər ˌsepəˈreɪʃən/
Outer separation lanes help reduce traffic conflicts on highways.	خطوط جداسازی بیرونی به کاهش تعارضات ترافیکی در بزرگراه ها کمک می کنند.	
oven	کوره	/ˈʌvən/
The asphalt mix is heated in an oven before application.	مخلوط آسفالت قبل از اجرا در کوره گرم می شود.	
over designed	بیش از حد طراحی شده	/ˌoʊvər dɪˈzaɪnd/

The pavement was over designed to handle heavier traffic loads.	روسازی بیش از حد برای تحمل بارهای ترافیکی سنگین تر طراحی شده بود.	
over load	بار بیش از حد	/'oʊvər ləʊd/
Overload of trucks can damage road surfaces quickly.	بار بیش از حد کامیون ها می تواند به سرعت سطح جاده را خراب کند.	
overcrossing	روگذر	/'oʊvər ,krɒsɪŋ/
An overcrossing allows vehicles to pass over another road safely.	روگذر اجازه می دهد وسایل نقلیه به صورت ایمن از روی جاده دیگر عبور کنند.	
overflow section	بخش سرریز	/'oʊvərfləʊ 'seɪʃən/
The overflow section helps manage excess water during heavy rain.	بخش سرریز به مدیریت آب اضافی در بارش شدید کمک می کند.	
overhead signs	تابلوهای بالاسری	/'oʊvər ,hed saɪnz/
Overhead signs provide important information to drivers.	تابلوهای بالاسری اطلاعات مهمی را به رانندگان ارائه می دهند.	
overland flow	جریان سطحی زمین	/'oʊvər lænd fləʊ/
Overland flow occurs when water moves over the ground surface.	جریان سطحی زمین زمانی رخ می دهد که آب روی سطح زمین حرکت کند.	
overpass	روگذر (پل عبور)	/'oʊvər ,pæs/
The overpass reduces traffic congestion at busy intersections.	روگذر تراکم ترافیک در تقاطع های شلوغ را کاهش می دهد.	
overrun flow	جریان اضافی / سرریز	/'oʊvər ,rʌn fləʊ/
Overrun flow can cause flooding if drainage systems fail.	جریان اضافی می تواند در صورت نقص سیستم های زهکشی باعث سیلاب شود.	

P

Painting	خط‌کشی (خط‌کشی راه)	/'peɪntɪŋ/
Road painting improves traffic safety at intersections.	خط‌کشی راه باعث افزایش ایمنی ترافیک در تقاطع‌ها می‌شود.	
parkway	بزرگراه با فضای سبز	/'pɑ:rkweɪ/
The city designed a parkway with trees and walking paths.	شهر یک بزرگراه با درختان و مسیرهای پیاده‌روی طراحی کرد.	
particle size	اندازه ذرات	/'pɑ:rtɪkəl saɪz/
Particle size affects the strength and permeability of soil.	اندازه ذرات بر مقاومت و نفوذپذیری خاک تأثیر می‌گذارد.	
passenger car	خودرو سواری	/'pæsɪndʒər kɑ:r/
Passenger cars are the most common vehicles on urban roads.	خودروهای سواری رایج‌ترین وسایل نقلیه در جاده‌های شهری هستند.	
passing lane	خط سبقت	/'pæsɪŋ leɪn/
The highway has a passing lane for overtaking slower vehicles.	بزرگراه دارای خط سبقت برای سبقت گرفتن از خودروهای کندتر است.	
passing sight distance	فاصله دید برای سبقت گرفتن	/'pæsɪŋ sɑ:t 'dɪstəns/
Adequate passing sight distance is necessary for safe overtaking.	فاصله دید کافی برای سبقت گرفتن ایمن ضروری است.	
patching	تعمیر موضعی	/'pætʃɪŋ/
Patching potholes is part of routine pavement maintenance.	تعمیر موضعی چاله‌ها بخشی از نگهداری معمول روسازی است.	
paved median	جداسازی وسط آسفalte	/peɪvd 'mi:diən/
The road features a paved median to separate opposing traffic.	جاده دارای جداسازی وسط آسفalte برای جدا کردن ترافیک مخالف است.	
pavement	روسازی (سطح جاده)	/'peɪvmənt/
Proper pavement design extends the lifespan of roads.	طراحی مناسب روسازی عمر جاده‌ها را افزایش می‌دهد.	
pavement crown	قوس روسازی (شیب عرضی روسازی)	/'peɪvmənt kraʊn/
The pavement crown ensures proper drainage of surface water.	قوس روسازی باعث زهکشی صحیح آب سطحی می‌شود.	

pavement design	طراحی روسازی	/'peɪvmənt dɪ'zain/
Pavement design must consider traffic loads and climate.	طراحی روسازی باید بار ترافیک و شرایط آب و هوایی را در نظر بگیرد.	
pavement evaluation	ارزیابی روسازی	/'peɪvmənt ,ɛvə'luːʃən/
Pavement evaluation helps identify areas needing repair.	ارزیابی روسازی به شناسایی مناطق نیازمند تعمیر کمک می‌کند.	
pavement failure	خرابی روسازی	/'peɪvmənt 'feɪljər/
Pavement failure often results from poor drainage or overloading.	خرابی روسازی اغلب ناشی از زهکشی ضعیف یا بارگذاری بیش از حد است.	
pavement layers	لایه‌های روسازی	/'peɪvmənt 'leɪərz/
Pavement layers include base, sub-base, and surface courses.	لایه‌های روسازی شامل لایه اساس، زیر اساس و لایه سطحی است.	
pavement life	عمر روسازی	/'peɪvmənt laɪf/
Proper maintenance can extend pavement life significantly.	نگهداری مناسب می‌تواند عمر روسازی را به طور قابل توجهی افزایش دهد.	
paving repair	تعمیر روسازی	/'peɪvɪŋ rɪ'peər/
Paving repair is essential to maintain road safety.	تعمیر روسازی برای حفظ ایمنی جاده ضروری است.	
peak flow	جریان اوج	/pi:k fləʊ/
Peak flow in drainage systems occurs during heavy rainfalls.	جریان اوج در سیستم‌های زهکشی در بارش‌های شدید اتفاق می‌افتد.	
peak traffic flow	جریان اوج ترافیک	/pi:k 'træfɪk fləʊ/
Peak traffic flow happens during morning and evening rush hours.	جریان اوج ترافیک در ساعات شلوغ صبح و عصر رخ می‌دهد.	
peak vehicular flow	جریان اوج وسایل نقلیه	/pi:k 'vi:kjələ fləʊ/
The highway is designed to handle peak vehicular flow safely.	بزرگراه برای تحمل جریان اوج وسایل نقلیه به طور ایمن طراحی شده است.	
peak-hour traffic	ترافیک ساعت اوج	/pi:k aʊər 'træfɪk/
Peak-hour traffic requires special traffic management plans.	ترافیک ساعت اوج نیازمند برنامه‌ریزی ویژه مدیریت ترافیک است.	

pedestrian	عابر پیاده	/pəˈdestriən/
Pedestrian safety is a key concern in urban road design.	ایمنی عابران پیاده یکی از نگرانی‌های اصلی در طراحی جاده‌های شهری است.	
pedestrian access	دسترسی عابر پیاده	/pəˈdestriən ˈækses/
Pedestrian access should be clearly marked near crosswalks.	دسترسی عابر پیاده باید در نزدیکی گذرگاه‌ها به وضوح مشخص شود.	
pedestrian facilities	امکانات عابر پیاده	/pəˈdestriən fəˈsilitiz/
Cities invest in pedestrian facilities to encourage walking.	شهرها در امکانات عابر پیاده سرمایه‌گذاری می‌کنند تا پیاده‌روی را تشویق کنند.	
pedestrian overcrossing	پل عابر پیاده	/pəˈdestriən ˌoʊvərˈkrɒsɪŋ/
A pedestrian overcrossing allows safe passage over highways.	پل عابر پیاده عبور ایمن از روی بزرگراه‌ها را فراهم می‌کند.	
pedestrian undercrossing	تونل عابر پیاده	/pəˈdestriən ˌʌndərˈkrɒsɪŋ/
Pedestrian undercrossing is useful where building a bridge is difficult.	تونل عابر پیاده زمانی مفید است که ساخت پل مشکل باشد.	
pedestrian-crossing sign	تابلو عبور عابر پیاده	/pəˈdestriən ˈkrɒsɪŋ saɪn/
The pedestrian-crossing sign alerts drivers to yield to people walking.	تابلو عبور عابر پیاده رانندگان را از لزوم توقف برای عابران پیاده آگاه می‌کند.	
penetration index	شاخص نفوذپذیری	/ˌpɛnɪˈtreɪʃən ˈɪndɛks/
Penetration index indicates the temperature susceptibility of bitumen.	شاخص نفوذپذیری حساسیت قیر نسبت به دما را نشان می‌دهد.	
penetration-resistance test	آزمون مقاومت در برابر نفوذ	/ˌpɛnɪˈtreɪʃən rɪˈzɪstəns test/
The penetration-resistance test measures the strength of concrete.	آزمون مقاومت در برابر نفوذ، استحکام بتن را اندازه‌گیری می‌کند.	
perched water	آب معلق	/pɜːrtʃt ˈwɔːtər/
Perched water accumulates above an impermeable soil layer.	آب معلق بالای یک لایه خاک غیرقابل نفوذ جمع می‌شود.	
percolation test	آزمایش نفوذپذیری	/ˌpɜːrkəˈleɪʃən test/
A percolation test is essential before designing a septic system.	آزمایش نفوذپذیری قبل از طراحی سیستم فاضلاب ضروری است.	

percolation/infiltration head	هد نفوذ/تراوش	/ˌpɜːrkəˈleɪʃən ˈhed/
The infiltration head drives water through the soil profile.	هد تراوش آب را از طریق لایه‌های خاک هدایت می‌کند.	
performance	عملکرد	/pəˈfɔːrməns/
Pavement performance is evaluated based on durability and strength.	عملکرد روسازی بر اساس دوام و مقاومت ارزیابی می‌شود.	
period	دوره	/ˈpɪriəd/
The design period for urban roads is typically 20 to 30 years.	دوره طراحی برای جاده‌های شهری معمولاً بین ۲۰ تا ۳۰ سال است.	
permissible curvature	خمش مجاز	/pəˈmɪsəbəl ˈkɜːrvətʃər/
The road's permissible curvature ensures driver comfort and safety.	خمش مجاز جاده، راحتی و ایمنی راننده را تضمین می‌کند.	
petroleum	نفت	/pəˈtroʊliəm/
Petroleum is the base material for most asphalt binders.	نفت ماده پایه برای بیشتر قیرهای آسفالت است.	
perturbation	آشفتنی، اختلال	/ˌpɜːrtərˈbeɪʃən/
Traffic flow can be affected by even a small perturbation.	جریان ترافیک می‌تواند حتی با یک اختلال کوچک نیز تحت تأثیر قرار گیرد.	
pipe	لوله	/paɪp/
Drainage pipes are installed along the highway to remove excess water.	لوله‌های زهکشی در امتداد بزرگراه برای حذف آب اضافی نصب می‌شوند.	
pipe culvert	آبگذر لوله‌ای	/paɪp ˈkʌlvɜrt/
A pipe culvert is used for small streams crossing under a road.	آبگذر لوله‌ای برای عبور جریان‌های کوچک از زیر جاده استفاده می‌شود.	
plant mix asphalt	آسفالت کارخانه‌ای	/plænt mɪks ˈæsfoʊlt/
Plant mix asphalt is produced under controlled conditions at the plant.	آسفالت کارخانه‌ای تحت شرایط کنترل شده در کارخانه تولید می‌شود.	
plant mixing	اختلاط در کارخانه	/plænt ˈmɪksɪŋ/
Plant mixing ensures better quality and uniformity of asphalt.	اختلاط در کارخانه، کیفیت و یکنواختی بهتر آسفالت را تضمین می‌کند.	
planting	کاشت (درخت، چمن و ...)	/ˈplæntɪŋ/

Roadside planting helps reduce noise and improves aesthetics.	کاشت در کنار جاده به کاهش صدا و بهبود زیبایی کمک می کند.	
plastic limit	حد خمیری	/'plæstɪk 'lɪmɪt/
The plastic limit is determined in soil classification tests.	حد خمیری در آزمایش های طبقه بندی خاک تعیین می شود.	
plastic modulus	مدول خمیری	/'plæstɪk 'mɒdjuləs/
Plastic modulus is an important parameter in pavement design.	مدول خمیری یکی از پارامترهای مهم در طراحی روسازی است.	
plastic properties	خواص خمیری	/'plæstɪk 'prɒpərtɪz/
The plastic properties of soil affect its compaction and stability.	خواص خمیری خاک بر تراکم پذیری و پایداری آن تأثیر می گذارد.	
plasticity index	شاخص خمیری	/plæ'stɪsəti 'ɪndeks/
A high plasticity index indicates more clay content in the soil.	شاخص خمیری بالا نشان دهنده محتوای بالاتر رس در خاک است.	
plate bearing test	آزمایش بارگذاری صفحه ای	/pleɪt 'beərɪŋ tɛst/
The plate bearing test helps evaluate the bearing capacity of the subgrade.	آزمایش بارگذاری صفحه ای برای ارزیابی ظرفیت باربری زیرسازی به کار می رود.	
pneumatic tired roller	غلطک پنوماتیکی	/nju:'mætɪk taɪəd 'rɒlə/
A pneumatic tired roller is commonly used for asphalt compaction.	غلطک پنوماتیکی معمولاً برای تراکم آسفالت استفاده می شود.	
points of conflict	نقاط تلاقی یا برخورد	/pɔɪnts əv 'kɒnflɪkt/
Intersections have multiple points of conflict between vehicles.	تقاطع ها دارای نقاط برخورد متعددی بین وسایل نقلیه هستند.	
pollution	آلودگی	/pə'luːʃən/
Air pollution near highways is a major environmental concern.	آلودگی هوا در نزدیکی بزرگراه ها یکی از نگرانی های اصلی زیست محیطی است.	
pollution control	کنترل آلودگی	/pə'luːʃən kən'trɒl/
Effective pollution control is essential near urban highways.	کنترل مؤثر آلودگی در نزدیکی بزرگراه های شهری ضروری است.	
poorly graded	دانه بندی ضعیف	/'puəli 'greɪdɪd/

Poorly graded soils have uniform particle sizes, which reduce stability.	خاک‌های با دانه‌بندی ضعیف دارای اندازه ذرات یکنواخت و پایداری کم‌تری هستند.	
poorly graded	دانه‌بندی ضعیف	/ˈpʊəli ˈɡreɪdɪd/
The road base failed due to the use of poorly graded gravel.	بستر جاده به دلیل استفاده از شن با دانه‌بندی ضعیف خراب شد.	
population forecasting	پیش‌بینی جمعیت	/ˌpɒpjʊˈleɪʃən ˈfəːkɑːstɪŋ/
Population forecasting helps in long-term transport planning.	پیش‌بینی جمعیت در برنامه‌ریزی بلندمدت حمل‌ونقل مفید است.	
population growth	رشد جمعیت	/ˌpɒpjʊˈleɪʃən grəʊθ/
Rapid population growth increases traffic demand.	رشد سریع جمعیت، تقاضای ترافیکی را افزایش می‌دهد.	
pore water	آب منفذ	/pɔː ˈwɔːtər/
The pressure of pore water affects the shear strength of soils.	فشار آب منفذی بر مقاومت برشی خاک تأثیر می‌گذارد.	
porosity	تخلخل	/pəˈrɒsəti/
High porosity in the base layer may lead to water retention.	تخلخل بالا در لایه پایه ممکن است باعث نگهداری آب شود.	
porous concrete	بتن متخلخل	/ˈpɔːrəs ˈkɒŋkriːt/
Porous concrete allows water to pass through, reducing surface runoff.	بتن متخلخل اجازه عبور آب را می‌دهد و رواناب سطحی را کاهش می‌دهد.	
port	بندر	/pɔːt/
The new highway provides better access to the industrial port.	بزرگراه جدید دسترسی به بندر صنعتی را بهبود می‌بخشد.	
Portland-cement concrete	بتن سیمانی پرتلند	/ˈpɔːtlənd sɪˈment ˈkɒŋkriːt/
Portland-cement concrete is commonly used in road and bridge construction.	بتن سیمانی پرتلند معمولاً در ساخت جاده و پل استفاده می‌شود.	
pot hole	چاله (در سطح جاده)	/ˈpɒt həʊl/
Heavy rain can cause potholes on asphalt roads.	باران شدید می‌تواند باعث ایجاد چاله در جاده‌های آسفالتی شود.	
power broom	جاروی موتوری	/ˈpaʊər bruːm/

A power broom was used to clean debris from the road surface.	برای پاک‌سازی سطح جاده از جاروی موتوری استفاده شد.	
power buggy	حمل‌کننده موتوری / بوژی پر قدرت	/ˈpaʊər ˈbʌɡi/
The workers transported wet concrete using a power buggy.	کارگران بتن تازه را با حمل‌کننده موتوری بتن منتقل کردند.	
power shovel	بیل مکانیکی موتوری	/ˈpaʊər ˈʃʌvəl/
The excavation was done using a large power shovel.	عملیات حفاری با استفاده از بیل مکانیکی موتوری بزرگ انجام شد.	
pozzolanic reaction	واکنش پوزولانی	/ˌpɒtsəˈlænik riˈækʃən/
The pozzolanic reaction improves the durability of concrete.	واکنش پوزولانی دوام بتن را افزایش می‌دهد.	
precipitation	بارش (باران، برف و غیره)	/ˌpriːsɪˈteɪʃən/
Heavy precipitation can delay road construction projects.	بارش شدید می‌تواند باعث تأخیر در پروژه‌های ساخت جاده شود.	
primary/initial consolidation	تحکیم اولیه	/ˈpraɪməri kənˌsɒlɪˈdeɪʃən/
Primary consolidation occurs due to the expulsion of water from soil pores.	تحکیم اولیه به دلیل خارج شدن آب از حفره‌های خاک اتفاق می‌افتد.	
prime coat	پریمکت/اندود نفوذی (برای آماده‌سازی سطح راه)	/praɪm kəʊt/
A prime coat is applied before laying the asphalt.	قبل از اجرای آسفالت، قیر نخست اجرا می‌شود.	
primer	آستر قیری	/ˈpraɪmər/
A primer is used to improve the adhesion of asphalt to the base surface.	از آستر قیری برای بهبود چسبندگی آسفالت به سطح زیرین استفاده می‌شود.	
principal curvature	انحنای اصلی	/ˈprɪnsəpəl kɜːrˈvætʃər/
The principal curvature of the road affects vehicle stability.	انحنای اصلی جاده بر پایداری وسیله نقلیه تأثیر دارد.	
principle of superposition	اصل برهم‌نهی	/ˈprɪnsəpəl əv ˌsuːpərpəˈziʃən/
The principle of superposition helps analyze complex loads on structures.	اصل برهم‌نهی در تحلیل بارهای پیچیده روی سازه‌ها کمک می‌کند.	
private road	جاده خصوصی	/ˈpraɪvət roʊd/
The private road is only accessible to residents.	جاده خصوصی فقط برای ساکنان قابل دسترسی است.	

profilometer	دستگاه پروفیل سنج	/ˌprəʊfəˈlɒmɪtər/
The profilometer measures the surface roughness of the pavement.	پروفیل سنج زبری سطح روسازی را اندازه گیری می کند.	
prohibited turns	گردش های ممنوع	/prəˈhɪbɪtɪd tɜːnz/
Prohibited turns are marked with clear signs at the intersection.	گردش های ممنوع با تابلوهای واضح در تقاطع ها مشخص شده اند.	
proof rolling	آزمون بارگذاری نهایی	/pruːfˈroʊlɪŋ/
Proof rolling is done to test the stability of the subgrade before paving.	آزمون بارگذاری نهایی برای تست پایداری زیرسازی قبل از روسازی انجام می شود.	
protection	حفاظت	/prəˈtɛkʃən/
Proper protection of the construction site is essential for safety.	حفاظت مناسب از محل ساخت و ساز برای ایمنی ضروری است.	
public road	جاده عمومی	/ˈpʌblɪk roʊd/
The public road connects several towns in the region.	جاده عمومی چندین شهر در منطقه را به هم وصل می کند.	
pull	کشیدن، بیرون کشیدن	/pʊl/
Workers use a machine to pull the old pavement off.	کارگران از ماشین آلات برای بیرون کشیدن روسازی قدیمی استفاده می کنند.	
pulverization	خردایش، پودر کردن	/ˌpʌlvəraɪˈzeɪʃən/
Pulverization of rocks is necessary before construction.	خردایش سنگ ها قبل از ساخت و ساز ضروری است.	

Q

Quadrant	ربع دایره	/'kwɒdrənt/
The engineer used a quadrant to measure the road's curve angle.	مهندس برای اندازه‌گیری زاویه انحنای جاده از ربع دایره استفاده کرد.	
quality control	کنترل کیفیت	/'kwɒlɪti kən'trɒl/
Quality control ensures the materials meet project standards.	کنترل کیفیت تضمین می‌کند که مصالح با استانداردهای پروژه مطابقت دارند.	
quality Control (QC)	کنترل کیفیت	/'kwɒlɪti kən'trɒl/
quality Control (QC) is crucial for ensuring construction standards.	کنترل کیفیت (QC) برای تضمین استانداردهای ساخت ضروری است.	
quantity Survey (QS)	متره و برآورد	/'kwɒntɪti 'sɜ:rveɪ/
The Quantity Survey (QS) estimates the cost of materials.	متره و برآورد هزینه مصالح را تخمین می‌زند.	
quarry	معدن سنگ	/'kwɒri/
The quarry provides aggregates for concrete production.	معدن سنگ مصالح لازم برای تولید بتن را تامین می‌کند.	
queue Length	طول صف	/kju: lɛŋθ/
The queue length at the toll booth increased during rush hour.	طول صف در عوارضی در ساعات شلوغی افزایش یافت.	
queue Theory	نظریه صف‌ها	/kju: 'θiəri/
Queue theory helps design efficient traffic signal timings.	نظریه صف‌ها به طراحی زمان‌بندی بهینه چراغ‌های راهنمایی کمک می‌کند.	
quick lime	آهک زودگیر	/kwɪk laɪm/
Quick lime is used to stabilize soil in road construction.	آهک زودگیر برای تثبیت خاک در ساخت جاده استفاده می‌شود.	
quick Release Coupling	کوپلینگ بازشونده سریع	/kwɪk rɪ'li:s 'kʌplɪŋ/
Quick release coupling speeds up the connection of pipes.	کوپلینگ بازشونده سریع اتصال لوله‌ها را سریع‌تر می‌کند.	
quick Setting Cement	سیمان زودگیر	/kwɪk 'setɪŋ 'semɪnt/
Quick Setting Cement allows fast completion of construction work.	سیمان زودگیر امکان اتمام سریع کار ساخت و ساز را فراهم می‌کند.	
quicksand	شن روان	/'kwɪksænd/

Quicksand can be dangerous during construction in marshy areas.	شن روان در مناطق باتلاقی هنگام ساخت و ساز خطرناک است.	
quiet Pavement	روسازی کم صدا	/kwaɪət 'peɪvmənt/
Quiet pavement reduces traffic noise in residential areas.	روسازی کم صدا، نویز ترافیک را در مناطق مسکونی کاهش می دهد.	

فایل صوتی

R

radius	شعاع	/'reɪdiəs/
The radius of the curve affects the speed of vehicles.	شعاع انحنا بر سرعت وسایل نقلیه تأثیر می‌گذارد.	
railings	نرده‌ها	/'reɪlɪŋz/
Railings were installed for pedestrian safety on the bridge.	نرده‌ها برای ایمنی عابران پیاده روی پل نصب شدند.	
railroad	راه‌آهن	/'reɪlˌroʊd/
The railroad crosses the highway at a level crossing.	راه‌آهن از مسیر هم‌سطح با بزرگراه عبور می‌کند.	
rammer	کوبنده	/'ræməɹ/
The workers used a rammer to compact the soil.	کارگران از کوبنده برای متراکم کردن خاک استفاده کردند.	
ramp	رمپ	/ræmp/
The highway has a ramp for entering the main road.	بزرگراه رمپی برای ورود به جاده اصلی دارد.	
ramp (repeat)	رمپ	/ræmp/
The exit ramp leads to the city center.	رمپ خروجی به مرکز شهر منتهی می‌شود.	
ramp curvature	انحنای رمپ	/ræmp kɜːrˈvætʃər/
Engineers calculate the ramp curvature for safe driving.	مهندسان انحنای رمپ را برای رانندگی ایمن محاسبه می‌کنند.	
ramp metering	کنترل ورودی رمپ	/ræmp 'mi:tərɪŋ/
Ramp metering controls the flow of vehicles entering the freeway.	کنترل ورودی رمپ جریان وسایل نقلیه وارد شده به بزرگراه را مدیریت می‌کند.	
rapid curing asphalts (rc)	آسفالت‌های زودگیر	/'ræpɪd 'kjuərɪŋ 'æsfælts/
Rapid curing asphalts reduce construction time significantly.	آسفالت‌های سریع گیرنده زمان ساخت را به طور قابل توجهی کاهش می‌دهند.	
rapid setting emulsion (rs)	امولسیون زودگیر	/'ræpɪd 'setɪŋ ɪ'mʌlʃən/
Rapid setting emulsion is used for quick road repairs.	امولسیون زودگیر برای تعمیرات سریع جاده استفاده می‌شود.	
rate of return analysis	تحلیل نرخ بازگشت سرمایه	/reɪt əv rɪ'tɜːn ə'næləsɪs/

Rate of return analysis helps decide project profitability.	تحلیل نرخ بازگشت سرمایه به تصمیم‌گیری درباره سودآوری پروژه کمک می‌کند.	
rational methods	روش‌های منطقی	/'ræʃənəl 'meθədz/
Rational methods are used in hydrology for runoff estimation.	روش‌های منطقی در هیدرولوژی برای برآورد رواناب استفاده می‌شوند.	
reactive soil	خاک واکنش‌پذیر	/ri'æktiv sɔɪl/
Reactive soil requires special foundation design due to swelling.	خاک واکنش‌پذیر به دلیل تورم نیازمند طراحی ویژه پی است.	
rebound	برگشت	/'ri:baʊnd/
The rebound of soil occurs after compaction force is removed.	برگشت خاک پس از حذف نیروی تراکم رخ می‌دهد.	
recession	عقب‌نشینی	/rɪ'seʃən/
During recession, construction activities often slow down.	در دوران رکود، فعالیت‌های ساخت و ساز معمولاً کند می‌شود.	
reclamation	بازسازی زمین، احیاء	/'ri:klə'meɪʃən/
Land reclamation is important for expanding usable areas.	بازسازی زمین برای گسترش مناطق قابل استفاده اهمیت دارد.	
reconstruction	بازسازی	/'ri:kən'strʌkʃən/
Reconstruction of the damaged bridge took several months.	بازسازی پل آسیب‌دیده چندین ماه طول کشید.	
recovery area/zone	منطقه/مساحت بازیابی	/rɪ'kʌvəri 'ɛəriə/
The recovery area provides space for vehicles to stop safely.	منطقه بازیابی فضایی برای توقف ایمن وسایل نقلیه فراهم می‌کند.	
rectilinear translation	انتقال مستقیم	/'rektɪ'liɪər træns'leɪʃən/
Rectilinear translation means moving in a straight line.	انتقال مستقیم به معنای حرکت در یک خط مستقیم است.	
reflection	بازتاب/انعکاس	/rɪ'flekʃən/
Reflection of sound waves affects acoustics in tunnels.	بازتاب امواج صوتی بر آکوستیک تونل‌ها تأثیر می‌گذارد.	
reflection crack	ترک انعکاسی	/rɪ'flekʃən kræk/
Reflection cracks appear when old pavement cracks reflect on new layers.	ترک‌های بازتابی زمانی ظاهر می‌شوند که ترک‌های جاده قدیمی در لایه‌های جدید منعکس می‌شوند.	

refuge area	منطقه پناهگاه	/ˈrefʊdʒ ˈeəriə/
Pedestrians can wait safely in the refuge area at the crosswalk.	عابران پیاده می‌توانند در منطقه پناهگاه کنار گذرگاه به‌طور ایمن منتظر بمانند.	
regime channel	کانال رژیم	/reɪˈʒiːm ˈtʃænəl/
The regime channel controls the flow of water in the river.	کانال رژیم جریان آب در رودخانه را کنترل می‌کند.	
registration-number survey	بررسی شماره ثبت	/ˌrɛdʒɪˈstreɪfən ˈnʌmbər ˈsɜːveɪ/
A registration-number survey was conducted to monitor traffic.	بررسی شماره ثبت برای کنترل ترافیک انجام شد.	
reinforcement	تقویت	/ˌriːɪnˈfɔːsmənt/
Reinforcement bars increase the strength of concrete structures.	میلگردهای تقویتی استحکام سازه‌های بتنی را افزایش می‌دهند.	
relative compaction	تراکم نسبی	/ˈrelatɪv kəmˈpækʃən/
Relative compaction measures the density of soil after compaction.	تراکم نسبی چگالی خاک پس از تراکم را اندازه‌گیری می‌کند.	
reliability	قابلیت اطمینان	/rɪˈlaɪəˈbɪləti/
The reliability of the bridge is critical for safety.	قابلیت اطمینان پل برای ایمنی حیاتی است.	
relocation	جابجایی	/ˌriːlooˈkeɪʃən/
The relocation of utilities was necessary before construction.	جابجایی تأسیسات قبل از ساخت‌وساز ضروری بود.	
removal	حذف، برداشتن	/rɪˈmuːvəl/
Removal of debris is important after demolition.	حذف آوار پس از تخریب اهمیت دارد.	
repeated loads	بارهای تکراری	/rɪˈpiːtɪd lɒdʒ/
Repeated loads can cause fatigue in pavement materials.	بارهای تکراری می‌توانند باعث خستگی در مواد روسازی شوند.	
resilient modulus of elasticity	مدول کشسانی ارتجاعی	/rɪˈzɪliənt ˈmɒdʒʊləs rɪˈlæʃən ˈtɪsɪti/
The resilient modulus of elasticity is used to design flexible pavements.	مدول کشسانی ارتجاعی برای طراحی روسازی‌های انعطاف‌پذیر استفاده می‌شود.	
resurfacing	روکش مجدد	/ˌriːˈsɜːfɪsɪŋ/

Resurfacing the road improves its durability and smoothness.	روکش مجدد جاده دوام و نرمی آن را بهبود می‌بخشد.	
retaining wall	دیوار حائل	/rɪˈteɪnɪŋ wɔ:l/
A retaining wall supports the soil and prevents erosion.	دیوار حائل خاک را نگه می‌دارد و از فرسایش جلوگیری می‌کند.	
reverse-curve sign	تابلو پیچ معکوس	/rɪˈvɜ:rs kɜ:rv sam/
The reverse-curve sign warns drivers of two curves in opposite directions.	تابلو پیچ معکوس به رانندگان از وجود دو پیچ در جهت‌های مخالف هشدار می‌دهد.	
reverse-turn sign	تابلوی پیچ بازگشتی	/rɪˈvɜ:rs tɜ:rn sam/
The reverse-turn sign warns drivers of a sharp change in road direction.	تابلوی پیچ بازگشتی به رانندگان تغییر شدید جهت جاده را هشدار می‌دهد.	
reversing curve	منحنی معکوس	/rɪˈvɜ:rsɪŋ kɜ:rv/
A reversing curve consists of two curves bending in opposite directions.	منحنی معکوس از دو منحنی در جهت‌های مخالف تشکیل شده است.	
riding comfort	راحتی سواری	/'raɪdɪŋ 'kʌmfərt/
Good pavement design improves riding comfort for drivers.	طراحی مناسب روسازی باعث افزایش راحتی سواری برای رانندگان می‌شود.	
right angle crossing	تقاطع با زاویه قائمه	/raɪt 'æŋɡl 'krɔ:sɪŋ/
Right angle crossings can be dangerous if not properly controlled.	تقاطع با زاویه قائمه در صورت کنترل نشدن مناسب می‌تواند خطرناک باشد.	
right of way	حق تقدم عبور	/raɪt əv weɪ/
Pedestrians have the right of way at crosswalks.	عابران پیاده در گذرگاه‌ها حق تقدم دارند.	
right-angle accident	تصادف با زاویه قائمه	/raɪt 'æŋɡl 'æksɪdənt/
Right-angle accidents often occur at intersections without traffic signals.	تصادف با زاویه قائمه اغلب در تقاطع‌های بدون چراغ راهنمایی رخ می‌دهد.	
right-turning traffic	ترافیک گردش به راست	/raɪt 'tɜ:rnɪŋ 'træfɪk/
Right-turning traffic must yield to pedestrians.	ترافیک گردش به راست باید به عابران پیاده راه بدهد.	
rigid pavement	روسازی صلب	/'rɪdʒɪd 'peɪvmənt/
Rigid pavement is typically made of concrete and has a high load capacity.	روسازی صلب معمولاً از بتن ساخته می‌شود و ظرفیت باربری بالایی دارد.	

ripper	خیش شخم‌زن / ریپر	/'rɪpər/
A ripper is used to break up hard soil before road construction.	ریپر برای شکستن خاک سخت قبل از ساخت جاده استفاده می‌شود.	
riprap	سنگ‌چین (برای حفاظت ساحل)	/'rɪp,ræp/
Riprap protects riverbanks from erosion.	سنگ‌چین از فرسایش کناره رودخانه جلوگیری می‌کند.	
rise in temperature	افزایش دما	/raɪz in 'tempərəʃər/
A rise in temperature can affect asphalt performance.	افزایش دما می‌تواند بر عملکرد آسفالت تأثیر بگذارد.	
rise of arch	ارتفاع قوس	/raɪz əv ɑ:rtʃ/
The rise of the arch determines its structural strength.	ارتفاع قوس، استحکام سازه‌ای آن را تعیین می‌کند.	
river bed material	مصالح بستر رودخانه	/'rɪvər bed mə'tɪriəl/
River bed material must be analyzed before constructing a bridge.	مصالح بستر رودخانه باید قبل از ساخت پل تحلیل شوند.	
road	جاده	/roʊd/
The new road connects the village to the main highway.	جاده جدید روستا را به بزرگراه اصلی متصل می‌کند.	
road bed	بستر جاده	/roʊd bed/
The road bed must be compacted properly to ensure durability.	بستر جاده باید به‌درستی کوبیده شود تا دوام آن تضمین شود.	
road facilities	تأسیسات جاده‌ای	/roʊd fə'sɪlətɪz/
Road facilities include signs, lighting, and safety barriers.	تأسیسات جاده‌ای شامل تابلوها، روشنایی و موانع ایمنی است.	
road foundation	پی جاده	/roʊd faʊn'deɪʃən/
A strong road foundation is essential for long-lasting pavement.	یک پی محکم برای دوام طولانی روسازی ضروری است.	
road mix asphalt	آسفالت مخلوط درجا	/roʊd mɪks 'æsfəlt/
Road mix asphalt is commonly used in rural areas.	آسفالت مخلوط درجا معمولاً در مناطق روستایی استفاده می‌شود.	
road oiling	روغن‌پاشی جاده‌ای	/roʊd 'ɔɪlɪŋ/

Road oiling is used to control dust on unpaved roads.	روغن‌پاشی جاده‌ای برای کنترل گرد و غبار در جاده‌های خاکی به کار می‌رود.	
road pricing	قیمت‌گذاری جاده‌ای	/roud 'praɪsɪŋ/
Road pricing is a strategy to reduce traffic congestion.	قیمت‌گذاری جاده‌ای راهکاری برای کاهش ترافیک است.	
road section	مقطع عرضی جاده	/roud 'sekʃən/
Each road section must be designed to handle expected traffic loads.	هر مقطع جاده باید برای بار ترافیکی مورد انتظار طراحی شود.	
road user	کاربر جاده	/roud 'ju:zər/
Education of road users helps to reduce accidents.	آموزش کاربران جاده به کاهش تصادفات کمک می‌کند.	
road way	مسیر عبور جاده	/'roud,wei/
The road way must be clear of obstacles for safe driving.	مسیر عبور جاده باید برای رانندگی ایمن بدون مانع باشد.	
roadbed	بستر راه	/'roudbed/
The roadbed must be compacted before laying the asphalt.	بستر راه باید قبل از پخش آسفالت کوبیده شود.	
roadside installations	تأسیسات کنار جاده	/'roud,said ,ɪnstə'leɪʃənz/
Roadside installations include guardrails and lighting poles.	تأسیسات کنار جاده شامل گاردریل‌ها و تیرهای روشنایی می‌شوند.	
roadside planting	کاشت گیاهان کنار جاده	/'roud,said 'plæntɪŋ/
Roadside planting improves aesthetics and reduces erosion.	کاشت گیاهان کنار جاده زیبایی را افزایش داده و فرسایش را کاهش می‌دهد.	
roadside rest area	استراحتگاه کنار جاده	/'roud,said rɛst 'eriə/
Drivers can stop at a roadside rest area to relax and use facilities.	رانندگان می‌توانند در استراحتگاه کنار جاده توقف کرده و از امکانات استفاده کنند.	
roadway	سواره‌رو (قسمت عبور خودرو)	/'roud,wei/
The roadway was blocked due to the accident.	سواره‌رو به دلیل تصادف مسدود شده بود.	
roadway sign	تابلوی راه	/'roud,wei sam/
Roadway signs provide important information for drivers.	تابلوهای راه اطلاعات مهمی را به رانندگان ارائه می‌دهند.	

rock	سنگ	/rɑ:k/
The road construction was delayed due to hard rock layers.	ساخت جاده به خاطر لایه های سنگی سخت به تأخیر افتاد.	
rolled asphalt	آسفالت کوبیده شده	/roʊld 'æsfoʊlt/
Rolled asphalt ensures a smooth and durable surface.	آسفالت کوبیده شده سطحی صاف و بادوام را تضمین می کند.	
roller	غلtek	/'roulə/
The roller compacted the asphalt surface evenly.	غلtek سطح آسفالت را به طور یکنواخت کوبید.	
rolling friction	اصطكاك غلتشی	/'roulɪŋ 'frɪkʃən/
Rolling friction affects the fuel efficiency of vehicles.	اصطكاك غلتشی بر کارایی سوخت وسایل نقلیه تأثیر می گذارد.	
rolling profile	پروفیل غلتشی	/'roulɪŋ 'prəʊfaɪl/
The rolling profile of the pavement affects ride comfort.	پروفیل غلتشی روسازی بر راحتی سواری تأثیر دارد.	
rotary mixer	مخلوط كن دوار (چرخشی)	/'roʊˌteri 'mɪksər/
A rotary mixer is used for blending materials during road construction.	در ساخت جاده از مخلوط كن دوار برای ترکیب مصالح استفاده می شود.	
roughness	زبری	/'rʌfnəs/
Pavement roughness is measured to assess ride quality.	زبری روسازی برای ارزیابی کیفیت سواری اندازه گیری می شود.	
rough-road sign	تابلوی راه ناهموار	/'rʌf roʊd saɪn/
A rough-road sign warns drivers of upcoming uneven surfaces.	تابلوی راه ناهموار به رانندگان در مورد سطوح ناهموار پیش رو هشدار می دهد.	
route signing	تابلوگذاری مسیر	/ru:t 'saɪnɪŋ/
Route signing helps drivers navigate unfamiliar roads.	تابلوگذاری مسیر به رانندگان در پیمایش جاده های ناآشنا کمک می کند.	
running speed	سرعت حرکتی	/'rʌnɪŋ spi:d/
The running speed of vehicles decreases in heavy traffic.	سرعت حرکتی وسایل نقلیه در ترافیک سنگین کاهش می یابد.	
rural area	منطقه روستایی	/'rʊrəl 'eɪriə/

Rural areas often lack access to modern transportation infrastructure.	مناطق روستایی اغلب فاقد زیرساخت‌های حمل‌ونقل مدرن هستند.	
rural road	جاده روستایی	/'rʊəl roʊd/
Maintenance of rural roads is essential for connecting remote communities.	نگهداری جاده‌های روستایی برای ارتباط با جوامع دورافتاده ضروری است.	
rutting	ایجاد شیار در روسازی	/'rʌtɪŋ/
Rutting is a common problem on asphalt roads due to heavy vehicle loads.	ایجاد شیار یکی از مشکلات رایج در جاده‌های آسفالتی به دلیل بار وسایل نقلیه سنگین است.	

S

Safe	ایمن	/seɪf/
Wearing a seatbelt keeps the driver safe in case of an accident.	بستن کمربند ایمنی، راننده را در صورت وقوع تصادف ایمن نگه می‌دارد.	
safety	ایمنی	/'seɪfti/
Road safety is a major concern in highway design.	ایمنی جاده یکی از نگرانی‌های اصلی در طراحی بزرگراه است.	
sag	افتادگی (در پروفیل طولی)	/sæg/
The road had a noticeable sag at the midpoint of the bridge.	جاده در وسط پل افتادگی قابل توجهی داشت.	
sag correction	اصلاح افتادگی	/sæg kə'rekʃən/
Engineers applied a sag correction to improve the vertical alignment.	مهندسان برای بهبود تراز عمودی، اصلاح افتادگی انجام دادند.	
salvage value	ارزش بازمانده	/'sælvdʒ 'vælju:/
The salvage value of old pavement material was considered in the project cost.	ارزش بازمانده مصالح روسازی قدیمی در هزینه پروژه لحاظ شد.	
sampling	نمونه‌برداری	/'sæmplɪŋ/
Soil sampling was carried out before the road construction.	نمونه‌برداری از خاک قبل از ساخت جاده انجام شد.	
sand	ماسه	/sænd/
Sand is a key component in the production of concrete.	ماسه یکی از اجزای کلیدی در تولید بتن است.	
sand asphalt	آسفالت ماسه‌ای	/sænd 'æs.fə:lt/
Sand asphalt is used in low-traffic volume roads.	آسفالت ماسه‌ای در جاده‌های با حجم ترافیکی پایین استفاده می‌شود.	
sand bed	بستر ماسه‌ای	/sænd bed/
A sand bed was prepared before laying the pavement layers.	یک بستر ماسه‌ای پیش از اجرای لایه‌های روسازی آماده شد.	
sand cushion	لایه ماسه‌ای محافظ	/sænd 'kʊʃən/
The sand cushion helps in distributing the load evenly under the slab.	لایه ماسه‌ای محافظ به توزیع یکنواخت بار زیر دال کمک می‌کند.	
sand equivalent	معادل ماسه	/sænd ɪ'kwɪvələnt/

The sand equivalent test determines the relative proportion of fine dust.	آزمایش معادل ماسه مقدار نسبی گرد و غبار ریزدانه را مشخص می‌کند.	
sand equivalent	معادل ماسه	/sænd ɪ'kwɪvələnt/
High sand equivalent values indicate cleaner aggregate.	مقادیر بالای معادل ماسه نشان‌دهنده مصالح سنگی تمیزتر است.	
sand test	آزمایش ماسه	/sænd test/
A sand test is performed to assess cleanliness and grading of sand.	آزمایش ماسه برای ارزیابی تمیزی و دانه‌بندی آن انجام می‌شود.	
saturated-surface dry	اشباع در سطح خشک	/'sætʃə'reɪtɪd 'sɜ:fɪs draɪ/
Aggregate should be in a saturated-surface dry condition before mixing.	مصالح سنگی باید در حالت اشباع در سطح خشک قبل از مخلوط شدن باشند.	
secondary consolidation	تحکیم ثانویه	/'sekəndəri 'kɒnsə'leɪʃən/
Secondary consolidation occurs after primary settlement is completed.	تحکیم ثانویه پس از اتمام نشست اولیه اتفاق می‌افتد.	
scenic	دیدنی، منظره‌ای	/'si:nɪk/
The highway passes through a scenic mountainous area.	بزرگراه از منطقه کوهستانی دیدنی عبور می‌کند.	
scenic values	ارزش‌های منظره‌ای	/'si:nɪk 'vælju:z/
Scenic values are considered in the design of parkways.	ارزش‌های منظره‌ای در طراحی جاده‌های پارکی در نظر گرفته می‌شوند.	
scenic highway	بزرگراه دیدنی	/'si:nɪk 'haɪweɪ/
A scenic highway offers beautiful views of natural landscapes.	بزرگراه دیدنی مناظر طبیعی زیبایی را ارائه می‌دهد.	
screen	صفحه، جداکننده	/skri:n/
A sand screen was installed to filter fine particles.	یک صفحه ماسه‌ای برای فیلتر ذرات ریز نصب شد.	
seal	درزگیر، آب‌بند	/si:l/
A seal was applied to prevent water infiltration into the pavement.	یک درزگیر برای جلوگیری از نفوذ آب به روسازی اعمال شد.	
sealing of cracks	درزگیری ترک‌ها	/'si:lɪŋ əv kræks/

Sealing of cracks extends the pavement's service life.	درزگیری ترک‌ها عمر مفید روسازی را افزایش می‌دهد.	
secondary reinforcement	آرماتور ثانویه	/ˈsekəndəri ˌriːnˈfɔːsmənt/
Secondary reinforcement controls shrinkage cracks in concrete slabs.	آرماتور ثانویه ترک‌های انقباضی را در دال‌های بتنی کنترل می‌کند.	
secondary road	جاده فرعی	/ˈsekəndəri rəʊd/
The construction crew diverted traffic to a secondary road.	تیم ساخت‌وساز ترافیک را به یک جاده فرعی منحرف کرد.	
section modulus	مدول مقطع	/ˈsekʃən ˈmɒdʒələs/
The beam's strength depends on its section modulus.	مقاومت تیر به مدول مقطع آن بستگی دارد.	
semi confining bed	بستر نیمه محصور	/ˈsemi kənˈfaɪnɪŋ bed/
The semi confining bed affects groundwater movement.	بستر نیمه محصور بر حرکت آب زیرزمینی تأثیر می‌گذارد.	
semi-directional interchange	تقاطع نیمه‌جهت‌دار	/ˈsemi daɪˈrɛkʃənəl ˈɪntətʃeɪndʒ/
A semi-directional interchange allows smoother vehicle transitions.	تقاطع نیمه‌جهت‌دار امکان عبور روان‌تر خودروها را فراهم می‌کند.	
separate turning	گردش جداگانه (خروجی مجزا)	/ˈsepəreɪt ˈtɜːnɪŋ/
Separate turning lanes improve traffic flow at intersections.	خطوط گردش جداگانه جریان ترافیک در تقاطع‌ها را بهبود می‌بخشند.	
separation	جداسازی	/ˌsepəˈreɪʃən/
Proper separation of traffic lanes enhances road safety.	جداسازی مناسب خطوط ترافیکی ایمنی جاده را افزایش می‌دهد.	
service ability index	شاخص قابلیت بهره‌برداری	/ˈsɜːvɪs əˈbɪləti ˈɪndɛks/
The pavement's service ability index decreased after heavy rainfall.	شاخص بهره‌برداری روسازی پس از بارندگی شدید کاهش یافت.	
service life	عمر مفید	/ˈsɜːvɪs laɪf/
Regular maintenance can extend the service life of a road.	نگهداری منظم می‌تواند عمر مفید یک جاده را افزایش دهد.	
serviceability	قابلیت بهره‌برداری	/ˌsɜːvɪsəˈbɪləti/

Pavement serviceability is measured to schedule timely repairs.	قابلیت بهره‌برداری روسازی برای برنامه‌ریزی تعمیرات به‌موقع اندازه‌گیری می‌شود.	
settlement	نشست خاک	/'setəlmənt/
Uneven settlement can damage road foundations.	نشست غیر یکنواخت می‌تواند به پی جاده آسیب وارد کند.	
settlement measurement	اندازه‌گیری نشست	/'setəlmənt 'meʒəmənt/
Accurate settlement measurement is essential during foundation construction.	اندازه‌گیری دقیق نشست در زمان ساخت پی ضروری است.	
shale	شیل (نوعی سنگ رسوبی)	/ʃeɪl/
Shale can weaken the subgrade if not treated properly.	شیل می‌تواند در صورت عدم رسیدگی مناسب، زیرسازی را تضعیف کند.	
shear crack	ترک برشی	/ʃiər kræk/
Shear cracks appear due to excessive lateral forces.	ترک‌های برشی در اثر نیروهای جانبی بیش از حد ظاهر می‌شوند.	
shear reinforcement	میلگرد برشی (تقویتی برشی)	/ʃiər ,riːn'fəːsmənt/
Shear reinforcement prevents diagonal cracks in beams.	میلگرد برشی از ایجاد ترک‌های مورب در تیرها جلوگیری می‌کند.	
sheep foot roller	غلtek پاگوسفندی	/ʃi:p fʊt 'rəʊlər/
A sheep foot roller is used for compacting cohesive soils.	از غلtek پاگوسفندی برای متراکم کردن خاک‌های چسبنده استفاده می‌شود.	
shifting bed	بستر متحرک	/'ʃɪftɪŋ bəd/
A shifting river bed can cause erosion near bridge foundations.	بستر متحرک رودخانه می‌تواند باعث فرسایش در پایه‌های پل شود.	
shipping	حمل و نقل دریایی / ارسال	/'ʃɪpɪŋ/
Asphalt binder is often imported through international shipping.	قیر اغلب از طریق حمل و نقل دریایی بین‌المللی وارد می‌شود.	
shoal	کم‌عمق (ناحیه کم‌عمق آب)	/ʃəʊl/
The ferry avoided the shoal near the river bend.	کشتی از ناحیه کم‌عمق نزدیک پیچ رودخانه دوری کرد.	
shoulder	شانه جاده	/'ʃəʊldər/

The car was parked on the highway shoulder due to engine failure.	به دلیل خرابی موتور، خودرو در شانه جاده پارک شده بود.	
shrinkage crack	ترک ناشی از جمع شدگی/انقباضی	/'ʃrɪŋkɪdʒ kræk/
Shrinkage cracks are common in slabs if not properly cured.	ترک‌های ناشی از جمع شدگی در دال‌ها اگر به درستی عمل‌آوری نشوند، رایج‌اند.	
shrinkage reinforcement	آرماتور جمع شدگی/انقباضی	/'ʃrɪŋkɪdʒ rɪ'ɪnfɔːsmənt/
Shrinkage reinforcement helps control cracking in large concrete slabs.	آرماتور جمع شدگی به کنترل ترک خوردگی در دال‌های بزرگ بتنی کمک می‌کند.	
side ditch	جوی کنار جاده	/saɪd dɪtʃ/
The side ditch directs water away from the roadway.	جوی کنار جاده، آب را از سطح جاده دور می‌کند.	
side-road gutter	جوی خیابان فرعی	/saɪd rəʊd 'gʌtər/
The side-road gutter was clogged with debris after the storm.	جوی خیابان فرعی پس از طوفان با زباله‌ها مسدود شده بود.	
sidesway	انحراف جانبی (در سازه‌ها)	/'saɪdswɛɪ/
The building experienced sidesway during the earthquake.	ساختمان در طول زلزله دچار انحراف جانبی شد.	
sidewalk	پیاده‌رو	/'saɪdwɔːk/
Pedestrians should stay on the sidewalk for safety.	عابران پیاده باید برای ایمنی در پیاده‌رو حرکت کنند.	
sieve analysis	آزمایش الک	/sɪv ə'næləsɪs/
Sieve analysis determines the particle size distribution of aggregates.	آزمایش الک توزیع اندازه ذرات مصالح سنگی را تعیین می‌کند.	
sieving	سرنده کردن / الک کردن	/'siːvɪŋ/
Sieving is an essential process in aggregate testing.	سرنده کردن یک فرآیند ضروری در آزمایش مصالح سنگی است.	
sight distance	فاصله دید	/saɪt 'dɪstəns/
Adequate sight distance is crucial for road safety.	فاصله دید کافی برای ایمنی جاده بسیار حیاتی است.	
sign	تابلو / علامت	/saɪn/
The stop sign was clearly visible at the intersection.	تابلو توقف در تقاطع به وضوح قابل مشاهده بود.	

signal control	کنترل سیگنال / کنترل چراغ راهنما	/'sɪgnəl kən'trəʊl/
Signal control systems improve traffic flow at busy intersections.	سیستم‌های کنترل چراغ راهنما جریان ترافیک را در تقاطع‌های شلوغ بهبود می‌بخشند.	
signal head	سر چراغ راهنمایی	/'sɪgnəl hɛd/
The signal head was damaged in the accident.	سر چراغ راهنمایی در تصادف آسیب دید.	
signal post	پایه چراغ راهنمایی	/'sɪgnəl pəʊst/
A new signal post was installed at the pedestrian crossing.	یک پایه چراغ راهنمایی جدید در محل عبور عابر پیاده نصب شد.	
signalized intersection	تقاطع چراغ‌دار	/'sɪgnəlaɪzd ,ɪntər'sekʃən/
A signalized intersection helps manage high traffic volumes.	یک تقاطع چراغ‌دار به مدیریت حجم بالای ترافیک کمک می‌کند.	
signs	علائم (تابلوهای راهنمایی و رانندگی)	/saɪnz/
All road signs must be clearly visible to drivers.	تمام علائم جاده باید برای رانندگان به وضوح قابل مشاهده باشند.	
silt	سیلت / گل‌ولای ریز	/sɪlt/
The drainage system was clogged with silt.	سیستم زهکشی با سیلت (گل‌ولای ریز) مسدود شده بود.	
silting up	پر شدن با گل‌ولای	/'sɪltɪŋ ʌp/
The canal is silting up and needs cleaning.	کنال در حال پر شدن با گل‌ولای است و نیاز به پاک‌سازی دارد.	
single axle	تک محور	/'sɪŋɡl 'æksəl/
A single axle trailer has less load capacity.	یک تریلر تک‌محور ظرفیت بار کمتری دارد.	
single lane	یک لاین / تک‌باند	/'sɪŋɡl leɪn/
The bridge is limited to a single lane of traffic.	پل فقط اجازه عبور یک لاین ترافیک را دارد.	
skew	زاویه دار / مورب (غیربازر)	/skju:/
The skew bridge was built to match the river's alignment.	پل زاویه‌دار برای هماهنگی با مسیر رودخانه ساخته شد.	
skew angle	زاویه انحراف / زاویه مورب	/skju: 'æŋɡl/

The bridge has a skew angle due to the road alignment.	پل به دلیل راستای جاده دارای زاویه انحراف است.	
skidding	لغزش (وسیله نقلیه روی سطح)	/'skɪdɪŋ/
Wet roads increase the risk of skidding.	جاده‌های خیس خطر لغزش خودرو را افزایش می‌دهند.	
skin friction	اصطکاک پوسته‌ای (در پی‌ها)	/skɪn 'frɪkʃən/
Pile capacity depends on both end bearing and skin friction.	ظرفیت شمع به باربری انتهایی و اصطکاک پوسته‌ای بستگی دارد.	
slope	شیب	/sloʊp/
The road follows a gentle slope down the hill.	جاده با شیب ملایمی به سمت پایین تپه امتداد دارد.	
slope stability	پایداری شیب	/sloʊp stə'biləti/
Engineers analyzed slope stability before road construction.	مهندسان قبل از ساخت جاده، پایداری شیب را تحلیل کردند.	
slow curing asphalts (SC)	آسفالت با گیرش کند	/sloʊ 'kʃʊəriŋ æs'fɔ:ltz/
Slow curing asphalts are used for surface treatments.	آسفالت‌های با گیرش کند برای پوشش‌های سطحی استفاده می‌شوند.	
slow setting emulsion (SS)	امولسیون با گیرش کند	/sloʊ i'mælʃən/ 'setɪŋ
Slow setting emulsions allow longer mixing time with aggregates.	امولسیون‌های گیرش کند زمان بیشتری برای اختلاط با مصالح فراهم می‌کنند.	
slump test	آزمایش افت اسلامپ (بتن)	/slʌmp tɛst/
The slump test is used to measure the workability of fresh concrete.	آزمایش اسلامپ برای اندازه‌گیری کارایی بتن تازه استفاده می‌شود.	
smooth wheel roller	غلطک چرخ صاف	/smu:ð wi:l 'rouləɹ/
A smooth wheel roller is suitable for compacting granular soils.	غلطک چرخ صاف برای متراکم‌سازی خاک‌های دانه‌ای مناسب است.	
snow blower	برف‌روب مکانیکی	/snəʊ 'bləʊəɹ/
The snow blower cleared the road after the heavy snowfall.	پس از بارش سنگین برف، برف‌روب مکانیکی جاده را پاک‌سازی کرد.	
snow fence	حصار برف‌گیر	/snəʊ fɛns/

Snow fences are installed to reduce snow drifting on highways.	حصارهای برف گیر برای کاهش انباشته شدن برف در بزرگراه‌ها نصب می‌شوند.	
snow storm	طوفان برفی	/snəʊ stɔ:rm/
The highway was closed due to a severe snow storm.	بزرگراه به دلیل طوفان شدید برفی بسته شد.	
soil	خاک	/soɪl/
The quality of soil affects the foundation design.	کیفیت خاک بر طراحی فونداسیون تأثیر می‌گذارد.	
soil bearing	ظرفیت باربری خاک	/soɪl 'beəriŋ/
Engineers must assess the soil bearing before construction begins.	مهندسان باید ظرفیت باربری خاک را قبل از شروع ساخت بررسی کنند.	
soil classification	طبقه‌بندی خاک	/soɪl ,klæsɪfɪ 'keɪʃən/
Soil classification helps determine the appropriate construction technique.	طبقه‌بندی خاک به تعیین روش مناسب ساخت‌وساز کمک می‌کند.	
soil framework	ساختار خاک	/soɪl 'freɪmwɜ:rk/
The soil framework affects drainage and compaction behavior.	ساختار خاک بر رفتار زهکشی و تراکم تأثیر دارد.	
soil profile	پروفیل خاک	/soɪl 'prəʊfaɪl/
A soil profile shows different layers of soil at a construction site.	یک پروفیل خاک لایه‌های مختلف خاک را در محل پروژه نشان می‌دهد.	
soil stabilization	تثبیت خاک	/soɪl ,stɛɪbəlaɪ 'zeɪʃən/
Soil stabilization improves the load-bearing capacity of the subgrade.	تثبیت خاک ظرفیت باربری بستر راه را افزایش می‌دهد.	
soil survey	نقشه‌برداری خاک	/soɪl 'sɜ:veɪ/
A soil survey is essential before designing a highway.	نقشه‌برداری خاک پیش از طراحی بزرگراه ضروری است.	
soil test	آزمایش خاک	/soɪl test/
The contractor performed a soil test to check for clay content.	پیمانکار برای بررسی میزان خاک رس، آزمایش خاک انجام داد.	
soil water	آب خاک	/soɪl 'wɔ:tər/
The amount of soil water affects plant growth and pavement stability.	مقدار آب خاک بر رشد گیاه و پایداری روسازی تأثیر دارد.	

solidity	استحکام، صلابت	/sə'lıdəti/
The solidity of the bridge structure was confirmed through load testing.	استحکام سازه پل از طریق آزمون بار تأیید شد.	
sound-level measurement	اندازه‌گیری سطح صدا	/'saʊnd ,levl 'meʒərmənt/
Sound-level measurement is conducted to evaluate traffic noise impact.	اندازه‌گیری سطح صدا برای ارزیابی تأثیر صدای ترافیک انجام می‌شود.	
sound transmission	انتقال صدا	/'saʊnd træns'mɪʃən/
Sound transmission through pavement materials is considered in design.	انتقال صدا از طریق مصالح روسازی در طراحی مدنظر قرار می‌گیرد.	
soundness	دوام، سلامت (مصالح)	/'saʊndnəs/
The soundness of aggregates ensures long-term pavement performance.	دوام مصالح سنگی، عملکرد طولانی‌مدت روسازی را تضمین می‌کند.	
spacing	فاصله‌گذاری	/'speɪsɪŋ/
Proper spacing of expansion joints prevents cracking.	فاصله‌گذاری مناسب درزهای انبساط از ترک خوردن جلوگیری می‌کند.	
spade	بیل (دستی)	/speɪd/
The worker used a spade to remove loose soil near the foundation.	کارگر با بیل خاک سست اطراف پی را برداشت.	
spading	بیل‌زنی، بیل‌کاری	/'speɪdɪŋ/
Spading is necessary to loosen compacted soil before compaction.	بیل‌زنی برای شل کردن خاک فشرده قبل از متراکم‌سازی ضروری است.	
specific gravity	وزن مخصوص	/spə'sɪfɪk 'grævəti/
The specific gravity of aggregates affects mix design calculations.	وزن مخصوص مصالح سنگی بر محاسبات طرح اختلاط تأثیر دارد.	
speed	سرعت	/spi:d/
The speed limit on this highway is 100 kilometers per hour.	حداکثر سرعت در این بزرگراه ۱۰۰ کیلومتر در ساعت است.	
speed deterrent	عامل بازدارنده سرعت (مانند سرعت‌گیر)	/spi:d dɪ'tɜ:rənt/
Speed bumps act as speed deterrents in residential zones.	سرعت‌گیرها به‌عنوان عوامل بازدارنده سرعت در مناطق مسکونی عمل می‌کنند.	
speed measurement	اندازه‌گیری سرعت	/spi:d 'meʒərmənt/

Radar guns are commonly used for speed measurement in traffic control.	در کنترل ترافیک، معمولاً از رادار برای اندازه‌گیری سرعت استفاده می‌شود.	
speed-change lanes	خطوط تغییر سرعت (شتاب/کاهش سرعت)	/spi:d tʃeɪndʒ leɪnz/
Speed-change lanes help vehicles merge safely onto highways.	خطوط تغییر سرعت به وسایل نقلیه در ادغام ایمن با بزرگراه کمک می‌کنند.	
spiral	منحنی مارپیچ	/'spairəl/
A spiral curve provides a smooth transition between straight and circular paths.	منحنی مارپیچ گذار نرمی بین مسیر مستقیم و منحنی ایجاد می‌کند.	
spiral transition	منحنی انتقالی مارپیچ (منحنی گذار مارپیچی)	/'spairəl træɪn'ziʃən/
A spiral transition reduces the sudden change in curvature on highways.	منحنی انتقالی مارپیچ تغییر ناگهانی انحنا در بزرگراه را کاهش می‌دهد.	
split level	سطح تقسیم‌شده (مختلف‌الارتفاع)	/'splɪt 'lævəl/
The split level design was used due to the sloping terrain.	به‌دلیل شیب‌دار بودن زمین، از طراحی سطوح مختلف استفاده شد.	
spot height	ارتفاع نقطه‌ای	/spɒt haɪt/
Spot heights are used in topographic maps to indicate specific elevations.	در نقشه‌های توپوگرافی از ارتفاع‌های نقطه‌ای برای نشان دادن بلندی‌ها استفاده می‌شود.	
spread modulus	مدول گسترش (مدول پخش)	/sprɛd 'mɒdʒʊləs/
The spread modulus helps in evaluating the stiffness of pavement layers.	مدول گسترش در ارزیابی سختی لایه‌های روسازی مفید است.	
spreading	پخش کردن (مثلاً مصالح سطحی یا آسفالت)	/'spredɪŋ/
Spreading the asphalt evenly is essential for a uniform pavement.	پخش یکنواخت آسفالت برای روسازی همگن ضروری است.	
sprinkler	آب‌پاش	/'sprɪŋklər/
Sprinklers are used for dust control on construction sites.	آب‌پاش‌ها برای کنترل گرد و غبار در محل‌های ساخت‌وساز استفاده می‌شوند.	
sprinkler truck	کامیون آب‌پاش	/'sprɪŋklər trʌk/
A sprinkler truck was deployed to reduce dust on the unpaved road.	یک کامیون آب‌پاش برای کاهش گرد و غبار در جاده خاکی استفاده شد.	
stability	پایداری	/stə'biləti/

The stability of the structure was ensured through proper foundation design.	پایداری سازه با طراحی مناسب فونداسیون تضمین شد.	
stability of embankment	پایداری خاکریز	/stə'biləti əv əm'bæŋkmənt/
Engineers assessed the stability of the embankment before construction.	مهندسان پایداری خاکریز را قبل از ساخت ارزیابی کردند.	
stabilization	تثبیت	/ˈsteɪbəlaɪ'zeɪʃən/
Soil stabilization improves the strength of weak subgrade materials.	تثبیت خاک، مقاومت مصالح زیرسازی ضعیف را بهبود می‌بخشد.	
stabilizer	پایدارکننده	/ˈsteɪbəlaɪzər/
Lime is commonly used as a stabilizer in clayey soils.	آهک معمولاً به عنوان پایدارکننده در خاک‌های رسی استفاده می‌شود.	
stabilizing agent	عامل تثبیت	/ˈsteɪbəlaɪzɪŋ 'eɪdʒənt/
Cement is an effective stabilizing agent for road base materials.	سیمان یک عامل تثبیت مؤثر برای مصالح زیرسازی جاده است.	
stable channel	کانال پایدار	/ˈsteɪbl 'tʃænəl/
A stable channel prevents erosion and sedimentation issues.	یک کانال پایدار از فرسایش و رسوب‌گذاری جلوگیری می‌کند.	
stage construction	ساخت مرحله‌ای	/steɪdʒ kən'strʌkʃən/
Stage construction allows traffic flow during road expansion.	ساخت مرحله‌ای امکان جریان ترافیک را در حین توسعه جاده فراهم می‌سازد.	
steel structure	سازه فولادی	/sti:l 'strʌktʃər/
The new bridge is a steel structure with high load-bearing capacity.	پل جدید یک سازه فولادی با ظرفیت تحمل بار بالا است.	
stepped slopes	شیب پله‌ای	/stept sloʊps/
Stepped slopes are used to control erosion on embankments.	شیب‌های پله‌ای برای کنترل فرسایش در خاکریزها استفاده می‌شوند.	
stone bed	بستر سنگی	/stoʊn bɛd/
The pipeline was laid on a compacted stone bed.	خط لوله روی یک بستر سنگی کوبیده‌شده قرار گرفت.	
stopping sight distance	فاصله دید توقف	/ˈstɑ:pɪŋ 'dɪstəns/ sart

Highways must be designed to provide adequate stopping sight distance.	بزرگراه‌ها باید طوری طراحی شوند که فاصله دید توقف کافی داشته باشند.	
strain	کرنش	/streɪn/
Excessive strain in the beam may lead to structural failure.	کرنش بیش‌ازحد در تیر ممکن است منجر به خرابی سازه شود.	
stream	جریان آب	/stri:m/
The stream flows through the valley year-round.	جریان آب در تمام طول سال از دره عبور می‌کند.	
stream aging	پیرشدگی جریان	/stri:m 'eɪdʒɪŋ/
Stream aging affects sediment deposition and channel stability.	پیرشدگی جریان بر رسوب‌گذاری و پایداری کانال تأثیر می‌گذارد.	
stream bed	بستر رودخانه	/stri:m bəd/
The stream bed was reinforced with rocks to prevent erosion.	بستر رودخانه با سنگ تقویت شد تا از فرسایش جلوگیری شود.	
street gutter	جوی خیابان	/stri:t 'gʌtər/
The street gutter helps to drain rainwater away from the road surface.	جوی خیابان به تخلیه آب باران از سطح جاده کمک می‌کند.	
strength	مقاومت	/streŋθ/
The concrete's strength depends on the mix ratio and curing time.	مقاومت بتن به نسبت مخلوط و زمان عمل‌آوری بستگی دارد.	
strength evaluation	ارزیابی مقاومت	/streŋθ ,evə'lu:eiʃən/
Strength evaluation of materials is essential before construction.	ارزیابی مقاومت مصالح قبل از ساخت بسیار مهم است.	
stress	تنش	/stres/
Stress in a beam increase with applied load.	تنش در تیر با افزایش بار اعمال شده افزایش می‌یابد.	
stress increment	افزایش تنش	/stres 'ɪnkrəmənt/
Stress increment should be considered in design calculations.	افزایش تنش باید در محاسبات طراحی مد نظر قرار گیرد.	
stripping	جدا شدن (از سطح)	/'stripiŋ/

Stripping of asphalt layers reduces pavement durability.	جدا شدن لایه‌های آسفالت، دوام روکش جاده را کاهش می‌دهد.	
structural failure	خرابی سازه‌ای	/'strʌktʃərəl 'feɪljər/
Structural failure can lead to collapse if not detected early.	خرابی سازه‌ای می‌تواند در صورت عدم شناسایی به موقع منجر به ریزش شود.	
structure	سازه	/'strʌktʃər/
The structure was designed to withstand heavy traffic loads.	سازه به گونه‌ای طراحی شد که بارهای سنگین ترافیکی را تحمل کند.	
sub base	زیر اساس	/sʌb beɪs/
The sub base provides support to the pavement layers above.	زیر پایه، به لایه‌های روی آن حمایت می‌کند.	
sub drain, subsurface drainage	زهکشی زیرسطحی	/sʌb dreɪn/, /sʌb 'sɜ:rʃɪs 'dreɪndʒ/
Subsurface drainage prevents water accumulation under roads.	زهکشی زیرسطحی از تجمع آب زیر جاده جلوگیری می‌کند.	
sub grade	تراز بالایی (سطحی که به عنوان بستر لایه‌های روسازی محسوب می‌شود)	/sʌb greɪd/
The sub grade must be compacted properly before laying pavement.	خاک زیرسازی باید قبل از اجرای روسازی به خوبی متراکم شود.	
submergence	غرقابی شدن	/səb'mɜ:rdʒəns/
Submergence of the soil can weaken the foundation of the road.	غرقابی شدن خاک می‌تواند پایه جاده را ضعیف کند.	
subway station	ایستگاه مترو	/'sʌbweɪ 'steɪʃən/
The subway station was built near the city center.	ایستگاه مترو نزدیک مرکز شهر ساخته شد.	
sudden drawdown	کاهش ناگهانی سطح آب	/'sʌdn 'drɔ:daʊn/
Sudden drawdown in reservoirs can cause soil instability.	کاهش ناگهانی سطح آب در مخازن می‌تواند باعث ناپایداری خاک شود.	
superelevation	شیب قائم مسیر	/'su:pər'elə'veɪʃən /
Superelevation helps vehicles safely navigate curves at high speeds.	شیب قائم به خودروها کمک می‌کند تا با سرعت بالا در پیچ‌ها ایمن حرکت کنند.	
surface	سطح	/'sɜ:rʃɪs/

The road surface must be smooth to ensure safe driving.	سطح جاده باید صاف باشد تا رانندگی ایمن باشد.	
surface drainage	زهکشی سطحی	/'sɜːrfɪs 'dreɪnɪdʒ/
Surface drainage prevents water from pooling on the road.	زهکشی سطحی از جمع شدن آب روی جاده جلوگیری می‌کند.	
surface load	بار سطحی	/'sɜːrfɪs lʊd/
The pavement is designed to bear the surface load of traffic.	روسازی برای تحمل بار سطحی ترافیک طراحی شده است.	
surface runoff	رواناب سطحی	/'sɜːrfɪs 'rʌnɒf/
Surface runoff can cause erosion if not properly managed.	رواناب سطحی اگر به درستی مدیریت نشود، می‌تواند باعث فرسایش شود.	
surface texture	بافت سطحی	/'sɜːrfɪs 'tɛkstʃər/
Surface texture affects tire grip and vehicle control.	بافت سطح بر چسبندگی لاستیک و کنترل خودرو تاثیر می‌گذارد.	
surface water	آب سطحی	/'sɜːrfɪs 'wɔːtər/
Surface water should be directed away from the road to prevent damage.	آب سطحی باید از جاده دور شود تا از آسیب جلوگیری شود.	
surplus water	آب اضافی	/'sɜːrpləs 'wɔːtər/
Surplus water must be drained properly to avoid soil weakening.	آب اضافی باید به درستی تخلیه شود تا خاک ضعیف نشود.	
surveying instruments	ابزارهای نقشه‌برداری	/'sɜːrveɪɪŋ 'ɪnstɹəmənts/
Surveying instruments are essential for accurate land measurements.	ابزارهای نقشه‌برداری برای اندازه‌گیری دقیق زمین ضروری هستند.	
suspension reinforcement	میلگرد تقویتی کششی	/sə'spɛnʃən ,riːn'fɔːsmənt/
Suspension reinforcement is used to resist tensile forces in beams.	میلگرد تقویتی کششی برای مقاومت در برابر نیروهای کششی در تیرها استفاده می‌شود.	
swelling	تورم (در خاک یا مواد)	/'swɛlɪŋ/
Clay soil may cause structural problems due to swelling when wet.	خاک رس در هنگام خیس شدن به دلیل تورم ممکن است مشکلات سازه‌ای ایجاد کند.	
syphon culvert	آبرو سیفونی / کالورت سیفونی	/'saɪfən 'kʌlvɜːt/

A syphon culvert allows water to pass under a road by pressure difference.	کالورت سیفونی اجازه عبور آب از زیر جاده را به وسیله اختلاف فشار می دهد.	
---	--	--

فان دی سی

T

tack coat	لتک کت/اندود سطحی (بین دو لایه آسفالت)	/tæk koot/
A tack coat is applied between asphalt layers to ensure bonding.	لایه چسبنده بین لایه‌های آسفالت اجرا می‌شود تا چسبندگی آن‌ها تضمین شود.	
tandem axle load	بار محور دوتایی	/'tændəm 'æksəl loud/
Roads must be designed to support tandem axle loads from heavy trucks.	جاده‌ها باید برای تحمل بار محورهای دوتایی کامیون‌های سنگین طراحی شوند.	
taper	باریک‌شدن تدریجی (در هندسه جاده)	/'teɪpər/
A taper allows traffic to merge smoothly onto the highway.	باریک‌شدن تدریجی اجازه می‌دهد وسایل نقلیه به‌ترمی وارد بزرگراه شوند.	
tar	قیر (از نوع زغالسنکی)	/tɑːr/
Tar was commonly used in early road construction before bitumen.	قیر زغالسنکی در گذشته در ساخت جاده‌ها استفاده می‌شد، پیش از بیتومن.	
taxi stand	ایستگاه تاکسی	/'tæksi stænd/
The taxi stand is located near the main entrance of the airport.	ایستگاه تاکسی در نزدیکی ورودی اصلی فرودگاه قرار دارد.	
time of loading	زمان بارگذاری	/taɪm əv 'lɒdɪŋ/ (اصلاح‌شده)
The time of loading affects the deformation in flexible pavements.	زمان بارگذاری بر تغییر شکل روسازی‌های انعطاف‌پذیر تأثیر می‌گذارد.	
temperature	دما	/'tɛmp(ə)rətʃər/
High temperature can affect the strength of asphalt pavements.	دمای بالا می‌تواند بر مقاومت روسازی‌های آسفالتی تأثیر بگذارد.	
temperature reinforcement	آرماتور حرارتی	/'tɛmp(ə)rətʃər rɪ'ɪnfɔːrsmənt/
Temperature reinforcement helps prevent cracks caused by thermal expansion.	آرماتور حرارتی از ایجاد ترک ناشی از انبساط حرارتی جلوگیری می‌کند.	
tension reinforcement	آرماتور کششی	/'tɛnʃən rɪ'ɪnfɔːrsmənt/
Tension reinforcement is placed where tensile stresses occur in concrete.	آرماتور کششی در نواحی که در بتن تنش کششی وجود دارد قرار می‌گیرد.	
texture	بافت	/'tɛkstʃər/
The road surface texture improves skid resistance for vehicles.	بافت سطح جاده مقاومت در برابر لغزش وسایل نقلیه را افزایش می‌دهد.	

thawing	ذوب شدن (یخ یا برف)	/'θɔ:ɪŋ/
Thawing of frozen soil can cause pavement heaving.	ذوب شدن خاک منجمد می تواند باعث تورم روسازی شود.	
thermal effect	اثر حرارتی	/'θɜ:rməl ɪ 'fekt/
Thermal effects must be considered in bridge expansion joints.	اثرات حرارتی باید در مفاصل انبساطی پل در نظر گرفته شوند.	
three-center curve	قوس سه مرکزی	/θri: 'sentər kɜ:rv/
A three-center curve is often used in aesthetic bridge design.	منحنی سه مرکزی معمولاً در طراحی زیبایی شناختی پل ها استفاده می شود.	
through traffic	ترافیک عبوری	/θru: 'træfɪk/
Through traffic should be separated from local traffic at intersections.	ترافیک عبوری باید از ترافیک محلی در تقاطع ها جدا شود.	
tidal traffic	ترافیک جزر و مدی (رفت و برگشتی)	/'taɪdəl 'træfɪk/
Tidal traffic patterns are common in urban areas during peak hours.	الگوهای ترافیکی جزر و مدی در ساعات اوج در مناطق شهری رایج هستند.	
T-intersection	تقاطع T شکل	/ti: ,ɪntər'sekʃən/
A stop sign is placed at the T-intersection to control traffic flow.	در تقاطع T شکل، تابلوی ایست برای کنترل جریان ترافیک نصب شده است.	
tire	لاستیک	/taɪr/
Worn-out tires reduce vehicle control and increase stopping distance.	لاستیک های فرسوده کنترل وسیله نقلیه را کاهش داده و فاصله توقف را زیاد می کنند.	
tolerance	تولرانس (میزان مجاز تغییرات)	/'tɔ:lərəns/
The tolerance for pavement thickness is specified in the construction manual.	تولرانس ضخامت روسازی در دفترچه ساخت مشخص شده است.	
toll bridge	پل عوارضی	/tu:l brɪdʒ/
The city built a toll bridge to fund maintenance costs.	شهر یک پل عوارضی برای تأمین هزینه های نگهداری ساخت.	
toll road	جاده عوارضی	/tu:l ru:d/
Drivers must pay a fee to use the toll road.	رانندگان باید برای استفاده از جاده عوارضی مبلغی پرداخت کنند.	

toll tunnel	تونل عوارضی	/tu:l 'tʌnəl/
The toll tunnel reduces travel time between the two cities.	تونل عوارضی زمان سفر بین دو شهر را کاهش می‌دهد.	
top coat	لایه نهایی (پوشش سطحی نهایی)	/tə:p kəʊt/
The top coat of asphalt provides a smooth and durable driving surface.	لایه نهایی آسفالت، سطحی صاف و بادوام برای رانندگی فراهم می‌کند.	
two-lane highway	بزرگراه دو خطه	/tu: leɪn 'haɪweɪ/
The two-lane highway connects rural towns to the main city.	بزرگراه دو خطه شهرهای روستایی را به شهر اصلی متصل می‌کند.	
two-axle truck	کامیون دو محور	/tu: 'æksəl trʌk/
A two-axle truck is commonly used for local deliveries.	کامیون دو محور معمولاً برای تحویل‌های محلی استفاده می‌شود.	
tractive force	نیروی کشش	/'træktɪv fɔ:rs/
Tractive force determines a vehicle's ability to move on steep roads.	نیروی کشش توانایی حرکت وسیله نقلیه در جاده‌های شیب‌دار را تعیین می‌کند.	
traffic	ترافیک، عبور و مرور	/'træfɪk/
Traffic was heavy during the morning rush hour.	ترافیک در ساعت شلوغ صبح شدید بود.	
traffic (alt. meaning)	حجم ترافیک / جریان وسایل نقلیه	/'træfɪk/
Engineers analyze traffic to design safe road systems.	مهندسان برای طراحی سامانه‌های جاده‌ای ایمن، جریان ترافیک را تحلیل می‌کنند.	
traffic allocation	تخصیص ترافیک	/'træfɪk ,ælə'keɪʃən/
Efficient traffic allocation helps reduce congestion in urban networks.	تخصیص بهینه ترافیک به کاهش ازدحام در شبکه‌های شهری کمک می‌کند.	
traffic census	سرشماری ترافیکی	/'træfɪk 'sensəs/
A traffic census is conducted every year to update road usage data.	سرشماری ترافیکی هر سال برای به‌روزرسانی داده‌های استفاده از جاده انجام می‌شود.	
traffic composition	ترکیب ترافیکی (نوع وسایل نقلیه در ترافیک)	/'træfɪk ,kə'mpə'zɪʃən/
Knowing the traffic composition is important for pavement design.	دانستن ترکیب ترافیکی برای طراحی روسازی مهم است.	

traffic control devices	تجهیزات کنترل ترافیک	/'træfɪk kən'troʊl dɪˌvaɪsɪz/
Traffic control devices include signs, signals, and road markings.	تجهیزات کنترل ترافیک شامل علائم، چراغ‌ها و نشانه‌های جاده‌ای هستند.	
traffic data	داده‌های ترافیکی	/'træfɪk 'deɪtə/
Traffic data helps in planning and managing road networks.	داده‌های ترافیکی در برنامه‌ریزی و مدیریت شبکه‌های جاده‌ای کمک می‌کند.	
traffic density	تراکم ترافیک	/'træfɪk 'densəti/
High traffic density can lead to congestion and delays.	تراکم بالای ترافیک می‌تواند باعث ازدحام و تأخیر شود.	
traffic devices	ابزارهای ترافیکی	/'træfɪk dɪˌvaɪsɪz/
Traffic devices must be visible and properly maintained.	ابزارهای ترافیکی باید قابل مشاهده و به‌خوبی نگهداری شوند.	
traffic disruption	اختلال در ترافیک	/'træfɪk dɪs'rʌpʃən/
Road construction may cause major traffic disruption during peak hours.	ساخت‌وساز جاده ممکن است در ساعات شلوغ باعث اختلال شدید در ترافیک شود.	
traffic distribution	توزیع ترافیک	/'træfɪk ,dɪstrə'bjuːʃən/
Proper traffic distribution reduces bottlenecks in road systems.	توزیع مناسب ترافیک باعث کاهش گلوگاه‌ها در سامانه‌های جاده‌ای می‌شود.	
traffic diversion	انحراف مسیر ترافیکی	/'træfɪk daɪˈvɜːrʒən/
A traffic diversion was set up due to the bridge repair work.	به دلیل تعمیر پل، مسیر انحرافی ترافیکی در نظر گرفته شد.	
traffic increase	افزایش ترافیک	/'træfɪk 'ɪnˌkriːs/
There has been a significant traffic increase during holidays.	در ایام تعطیل، افزایش قابل‌توجهی در ترافیک مشاهده شده است.	
traffic index	شاخص ترافیکی	/'træfɪk 'ɪndɛks/
The traffic index helps determine the need for road expansion.	شاخص ترافیکی به تعیین نیاز به گسترش جاده کمک می‌کند.	
traffic islands	جزایر ترافیکی (جزیره‌های میانی)	/'træfɪk 'aɪləndz/
Traffic islands improve pedestrian safety at intersections.	جزایر ترافیکی ایمنی عابران پیاده را در تقاطع‌ها افزایش می‌دهند.	

traffic marking	نشانه‌گذاری ترافیکی	/'træfɪk 'mɑ:rkɪŋ/
Traffic marking helps guide drivers and manage lane use.	نشانه‌گذاری ترافیکی به هدایت رانندگان و مدیریت استفاده از خطوط کمک می‌کند.	
traffic movement	حرکت ترافیکی	/'træfɪk 'mu:vmənt/
The new roundabout improves traffic movement in all directions.	میدان جدید باعث بهبود حرکت ترافیکی در تمام جهات می‌شود.	
traffic signal	چراغ راهنمایی	/'træfɪk 'sɪgnəl/
The traffic signal turned red, stopping all vehicles.	چراغ راهنمایی قرمز شد و تمام وسایل نقلیه ایستادند.	
trailer	یدک‌کش / تریلر	/'treɪlər/
The truck was pulling a heavy trailer full of equipment.	کامیون در حال کشیدن یک تریلر سنگین پر از تجهیزات بود.	
transfer of axis	انتقال محور	/'trænsfər əv 'æksɪs/
Bridge design requires careful consideration of the transfer of axis.	طراحی پل نیازمند بررسی دقیق انتقال محور است.	
transition	گذر / انتقال	/træn 'zɪʃən/
The road transition from rural to urban must be smooth.	گذر جاده از منطقه روستایی به شهری باید روان باشد.	
transition clothoid	منحنی گذر کلوئوئید	/træn 'zɪʃən 'kləʊθɔɪd/
The transition clothoid ensures a gradual change in road curvature.	منحنی گذر کلوئوئید، تغییر تدریجی در انحنای جاده را تضمین می‌کند.	
transmit	انتقال دادن (اطلاعات/نیرو)	/trænz 'mɪt/
Sensors transmit traffic data to the control center.	حسگرها داده‌های ترافیکی را به مرکز کنترل منتقل می‌کنند.	
transport plan	طرح حمل‌ونقل	/'trænspɔ:rt plæn/
The city council approved a new long-term transport plan.	شورای شهر طرح جدید بلندمدت حمل‌ونقل را تصویب کرد.	
transportation economics	اقتصاد حمل‌ونقل	/ ,trænspɔ: 'teɪfə n ,i:kə 'nɒmɪks/
Transportation economics helps in evaluating infrastructure investments.	اقتصاد حمل‌ونقل به ارزیابی سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی کمک می‌کند.	
transportation facilities	تأسیسات حمل‌ونقل	/ ,trænspɔ: 'teɪfə n fə 'sɪlətɪz/

Modern transportation facilities are essential for urban development.	تأسیسات حمل و نقل مدرن برای توسعه شهری ضروری هستند.	
transversal	عرضی، مورب	/trænz'vɜ:rsəl/
The transversal slope affects water drainage on the road.	شیب عرضی بر زهکشی آب از سطح جاده تأثیر دارد.	
transversal crack	ترک عرضی	/trænz'vɜ:rsəl kræk/
Transversal cracks often appear due to temperature changes.	ترک‌های عرضی معمولاً به دلیل تغییرات دمایی ظاهر می‌شوند.	
transverse reinforcement	میلگرد عرضی / آرماتور عرضی	/'trænzvɜ:rs ri:ɪn'fɔ:smənt/
Transverse reinforcement resists shear forces in beams.	آرماتورهای عرضی در برابر نیروهای برشی در تیرها مقاومت می‌کنند.	
transverse section	مقطع عرضی	/'trænzvɜ:rs 'sekʃən/
The transverse section of the road includes lanes and shoulders.	مقطع عرضی جاده شامل خطوط عبور و شانه‌ها می‌شود.	
travel agency	آژانس مسافرتی	/'trævəl 'eidʒənsi/
I booked my trip through a local travel agency.	سفرم را از طریق یک آژانس مسافرتی محلی رزرو کردم.	
travel data	داده‌های سفر	/'trævəl 'deɪtə/
Travel data is used to forecast traffic demand.	از داده‌های سفر برای پیش‌بینی تقاضای ترافیکی استفاده می‌شود.	
trench	ترانشه / شیار خاک‌برداری	/trɛntʃ/
The workers dug a trench to install the drainage pipe.	کارگران یک ترانشه برای نصب لوله زهکشی حفر کردند.	
trench excavator	بیل مکانیکی ترانشه‌زن	/trɛntʃ 'ɛkskəveɪtər/
A trench excavator is used for narrow and deep excavations.	بیل مکانیکی ترانشه‌زن برای خاک‌برداری‌های عمیق و باریک استفاده می‌شود.	
trial and error	سعی و خطا	/,traɪəl ənd 'erər/
We found the best mix ratio through trial and error.	ما نسبت اختلاط مناسب را از طریق روش سعی و خطا یافتیم.	
triaxial compression test	آزمایش فشار سه‌محوری	/traɪ'æk.si.əl kəm'pref.ən test/

The triaxial compression test evaluates soil strength under different stresses.	آزمایش فشار سه‌محوری برای ارزیابی مقاومت خاک تحت تنش‌های مختلف است.	
trigonometrical leveling	ترازیابی مثلثاتی	/ˌtrɪɡəˈnɒmɪtrɪkəl ˈlevəlɪŋ/
Trigonometrical leveling is useful in mountainous regions.	ترازیابی مثلثاتی در مناطق کوهستانی مفید است.	
trip assignment	تخصیص سفر (در مدل‌های حمل‌ونقل)	/trɪp əˈsaɪnmənt/
Trip assignment determines how trips are distributed across the network.	تخصیص سفر تعیین می‌کند که سفرها چگونه در شبکه توزیع شوند.	
trip pattern	الگوی سفر	/trɪp ˈpætərn/
Understanding trip patterns helps improve public transport planning.	درک الگوهای سفر به بهبود برنامه‌ریزی حمل‌ونقل عمومی کمک می‌کند.	
tropical climate	اقلیم گرمسیری	/ˈtrɒpɪkəl ˈklaɪmət/
Roads in tropical climates must resist heavy rain and high temperatures.	جاده‌ها در اقلیم‌های گرمسیری باید در برابر باران شدید و گرمای زیاد مقاوم باشند.	
truck size	اندازه کامیون	/trʌk saɪz/
Road design standards depend on the maximum truck size allowed.	استانداردهای طراحی راه به اندازه مجاز کامیون بستگی دارد.	
truck trailer	تریلر کامیون	/trʌk ˈtreɪ.lər/
A truck trailer requires a wider turning radius than a car.	یک تریلر کامیون شعاع چرخش بیشتری نسبت به خودرو دارد.	
trumpet interchange	تقاطع قیفی‌شکل (نوعی تقاطع بزرگراهی)	/ˈtrʌmpɪt ˌɪntərˈtʃeɪndʒ/
A trumpet interchange is commonly used where a freeway ends at a major road.	تقاطع قیفی‌شکل معمولاً جایی استفاده می‌شود که آزادراه به جاده‌ای اصلی ختم شود.	
turbulent uniform	جریان آشفته یکنواخت	/ˈtɜːrbjələnt ˈjuːnɪfɔːrm/
Turbulent uniform flow occurs in many open channel hydraulic systems.	جریان آشفته یکنواخت در بسیاری از سیستم‌های هیدرولیکی کانال باز رخ می‌دهد.	
turn sign	تابلو راهنمای گردش	/tɜːn saɪn/
A left turn sign was placed before the intersection.	تابلوی گردش به چپ قبل از تقاطع نصب شده بود.	
turning radius	شعاع گردش	/ˈtɜːnɪŋ ˈreɪdiəs/
Large vehicles need more space due to their wide turning radius.	وسایل نقلیه بزرگ به دلیل شعاع گردش زیاد، فضای بیشتری نیاز دارند.	

turning templates	الگوهای چرخش (برای طراحی مسیر چرخش خودرو)	/'tɜːnɪŋ 'tɛm.pləts/
Engineers use turning templates to ensure trucks can navigate intersections safely.	مهندسان برای اطمینان از عبور ایمن کامیون‌ها در تقاطع‌ها از الگوهای چرخش استفاده می‌کنند.	
turning traffic	ترافیک در حال گردش	/'tɜːnɪŋ 'træfɪk/
Turning traffic must yield to oncoming vehicles.	وسایل نقلیه در حال گردش باید به خودروهای روبرو راه بدهند.	
turnouts	جاده فرعی کوتاه برای ایست یا عبور خودروها (جایگاه کنارگذر)	/'tɜːn.aʊts/
Turnouts on mountain roads allow slower vehicles to let others pass.	جایگاه‌های کنارگذر در جاده‌های کوهستانی به وسایل نقلیه کندرو اجازه عبور دیگران را می‌دهند.	
two-lane highway	بزرگراه دوخطه	/'tuː leɪn 'haɪ.wei/
A two-lane highway requires careful passing maneuvers.	در بزرگراه‌های دوخطه، سبقت گرفتن نیاز به دقت زیادی دارد.	
two-quadrant cloverleaf	تقاطع شبدر دو ربعی (نوع خاصی از تقاطع آزادراهی)	/tuː 'kwɒ.drənt 'kloʊ.və.liːf/
A two-quadrant cloverleaf is used where traffic volumes are low in two directions.	تقاطع شبدر دو ربعی در جایی استفاده می‌شود که حجم ترافیک در دو جهت کم است.	
two-way left turn lanes	خط گردش به چپ دوطرفه (بین دو جهت رفت و برگشت)	/'tuː weɪ left tɜːn leɪnz/
Two-way left turn lanes help reduce rear-end collisions on busy streets.	خطوط گردش به چپ دوطرفه به کاهش تصادف‌های عقب‌به‌جلو در خیابان‌های شلوغ کمک می‌کنند.	

U

Unbonded	بدون اتصال؛ بدون چسبندگی	/ʌnˈbɒn.dɪd/
Unbonded tendons are commonly used in post-tensioned concrete structures.	کشش‌های بدون اتصال در سازه‌های بتن پس‌تنیده رایج‌اند.	
ultrasonic test	آزمون فراصوت (برای شناسایی ترک یا نقص در مصالح)	/ˌʌl.trəˈsɒn.ɪk test/
The ultrasonic test revealed internal cracks in the concrete slab.	آزمایش فراصوت ترک‌های داخلی دال بتنی را آشکار کرد.	
unconfined	بدون مهار؛ غیرمحصور	/ˌʌn.kənˈfaɪnd/
An unconfined compression test is used to assess soil strength.	آزمایش فشار غیرمحصور برای سنجش مقاومت خاک به کار می‌رود.	
unconsolidated	ناپیوسته؛ تحکیم‌نیافته	/ʌn.kənˈsɒ.li.deɪ.tɪd/
Unconsolidated sediments are prone to erosion and landslides.	رسوبات تحکیم‌نیافته در برابر فرسایش و رانش زمین آسیب‌پذیرند.	
uncontrolled intersection	تقاطع بدون کنترل (بدون چراغ راهنمایی یا تابلو توقف)	/ˌʌn.kənˈtroʊld ˌɪn.təˈsek.ʃən/
Drivers must yield carefully at an uncontrolled intersection.	رانندگان باید در تقاطع بدون کنترل با احتیاط حق تقدم را رعایت کنند.	
under designed	کمتر از حد طراحی‌شده؛ طراحی ناکافی	/ˌʌn.dəˈdɪ.zaɪnd/
The bridge failed because it was under designed for the expected load.	پل به دلیل طراحی ناکافی برای بار مورد انتظار فرو ریخت.	
undercrossing	زیرگذر	/ˈʌn.dəˌkrɒs.ɪŋ/
The highway includes several undercrossing to allow local traffic to pass beneath.	بزرگراه چندین زیرگذر برای عبور ترافیک محلی در نظر گرفته است.	
unstable channel	کانال ناپایدار، کانالی که تغییر شکل می‌دهد یا فرسایش دارد	/ʌnˈsteɪ.bəl ˈtʃæ.nəl/
The river formed an unstable channel after heavy rains.	پس از باران شدید، رودخانه کانال ناپایداری ایجاد کرد.	
upstream	بالادست، به سمت منبع آب یا رودخانه	/ˈʌpˌstriːm/
The pollution originated from upstream factories.	آلودگی از کارخانه‌های بالادست سرچشمه گرفت.	
urban area	منطقه شهری	/ˈɜːr.bən ˈɛə.ri.ə/
Urban areas often face challenges with traffic and pollution.	مناطق شهری معمولاً با چالش‌های ترافیکی و آلودگی مواجه‌اند.	

urban renewal	نوسازی شهری، بازسازی مناطق فرسوده شهری	/ˈɜːr.bən riˈnuː.əl/
The city council planned an urban renewal project downtown.	شورای شهر پروژه نوسازی شهری در مرکز شهر را برنامه‌ریزی کرد.	

فان‌دیل

V

Variability	تغییرپذیری، نوسان	/ˈvɛə.ri.əˈbɪl.i.ti/
The variability in traffic volume affects congestion.	تغییرپذیری حجم ترافیک بر ازدحام تاثیر دارد.	
vehicle spacing	فاصله بین وسایل نقلیه	/ˈviː.ɪ.kəl ˈspeɪ.sɪŋ/
Proper vehicle spacing reduces accidents.	فاصله مناسب بین وسایل نقلیه، تصادفات را کاهش می‌دهد.	
vehicle stability	پایداری وسیله نقلیه	/ˈviː.ɪ.kəl stəˈbɪl.i.ti/
Good vehicle stability improves safety.	پایداری خوب وسیله نقلیه ایمنی را افزایش می‌دهد.	
vehicle test	تست وسیله نقلیه، آزمون خودرو	/ˈviː.ɪ.kəl tɛst/
The vehicle test ensures the car meets safety standards.	تست وسیله نقلیه تضمین می‌کند که خودرو استانداردهای ایمنی را دارد.	
velocity heat	گرمای سرعت (معمولاً به گرمای ناشی از سرعت یا اصطکاک اشاره دارد)	/vəˈlɒs.i.ti hi:t/
Velocity heat can affect pavement durability.	گرمای سرعت می‌تواند دوام روسازی را تحت تاثیر قرار دهد.	
vertical clearance	ارتفاع آزاد عمودی، فاصله عمودی آزاد	/ˈvɜːr.tɪ.kəl ˈklɪə.rəns/
Vertical clearance is important for bridge safety.	ارتفاع آزاد عمودی برای ایمنی پل اهمیت دارد.	
vertical curves	قوس‌های قائم	/ˈvɜːr.tɪ.kəl kɜːrvz/
Vertical curves are used to provide smooth transitions in elevation on roads.	قوس‌های قائم برای ایجاد گذرگاه‌های نرم در تغییرات ارتفاع جاده استفاده می‌شوند.	
vertical plan	پلان قائم (طرح عمودی)	/ˈvɜːr.tɪ.kəl plæn/
The vertical plan shows the elevation profile of the highway.	پلان قائم نمایه ارتفاع بزرگراه را نشان می‌دهد.	
vertical point of intersection	نقطه تلاقی قائم	/ˈvɜːr.tɪ.kəl pɔɪnt ʌv ˌɪn.tərˈsek.ʃən/
The vertical point of intersection is where two grade lines meet.	نقطه تلاقی قائم جایی است که دو خط شیب به هم می‌رسند.	
vertical reinforcement	میلگردهای قائم (آرماتور عمودی)	/ˈvɜːr.tɪ.kəl ˌriː.ɪnˈfɔːrsmənt/
Vertical reinforcement helps resist bending in columns.	میلگردهای قائم به مقاومت ستون‌ها در برابر خمش کمک می‌کنند.	
vertical signs	علائم عمودی	/ˈvɜːr.tɪ.kəl saɪnz/

Vertical signs guide drivers along the road.	علائم عمودی رانندگان را در جاده هدایت می‌کنند.	
vibrating compactors	کوبنده‌های ویبره‌ای	/'vai.breɪ.tɪŋ kəm'pæk.tərz/
Vibrating compactors are used to compact soil effectively.	کوبنده‌های ویبره‌ای برای متراکم کردن مؤثر خاک استفاده می‌شوند.	
vibrating plate	صفحه ویبره‌ای (کوبنده صفحه‌ای)	/'vai.breɪ.tɪŋ plət/
The vibrating plate compactor is suitable for small jobs.	کوبنده صفحه‌ای ویبره‌ای برای کارهای کوچک مناسب است.	
vibrating roller	غلتک ویبره‌ای	/'vai.breɪ.tɪŋ 'ru:lər/
The vibrating roller is used for compacting asphalt layers.	غلتک ویبره‌ای برای متراکم کردن لایه‌های آسفالت استفاده می‌شود.	
vibrating shoe	کفش ویبره‌ای (بخش غلتک)	/'vai.breɪ.tɪŋ ʃu:/
The vibrating shoe improves compaction efficiency.	کفش ویبره‌ای کارایی متراکم‌سازی را افزایش می‌دهد.	
violation count	تعداد تخلفات	/,vai.ə'lei.ʃən kaʊnt/
The violation count on this road has decreased this year.	تعداد تخلفات در این جاده امسال کاهش یافته است.	
viscosity	ویسکوزیته (گرانروی)	/vis'kɒs.i.ti/
High viscosity bitumen is thicker and harder to work with.	آسفالت با ویسکوزیته بالا ضخیم‌تر و سخت‌تر برای کار است.	
vista points	نقاط دید (منظره)	/'vis.tə poɪnts/
Vista points are designed for drivers to enjoy scenic views.	نقاط دید برای لذت بردن رانندگان از مناظر طبیعی طراحی شده‌اند.	
void	خلأ، فضای خالی	/vɔɪd/
The concrete must have minimal voids to ensure strength.	بتن باید کمترین فضای خالی را داشته باشد تا استحکام آن تضمین شود.	
void ratio	نسبت خلأ (نسبت فضای خالی)	/vɔɪd 'reɪ.ʃi.oo/
Void ratio is important in soil mechanics to assess compaction.	نسبت خلأ در مکانیک خاک برای ارزیابی متراکم‌سازی مهم است.	

W

Walkways	مسیرهای پیاده‌روی	/'wɔ:k.weɪz/
Walkways must be safe and accessible for all pedestrians.	مسیرهای پیاده‌روی باید ایمن و قابل دسترس برای همه باشند.	
wall	دیوار	/wɔ:l/
A retaining wall supports the soil behind a slope.	دیوار حائل خاک پشت شیب را نگه می‌دارد.	
warning sign	تابلوی هشدار	/'wɔ:.nɪŋ saɪn/
A sharp turn ahead is indicated by a warning sign.	پیچ تند جلوتر با تابلوی هشدار مشخص شده است.	
warp	تاب‌خوردگی، پیچش	/wɔ:rp/
Concrete may warp due to temperature differences.	بتن ممکن است به دلیل تفاوت دما تاب بردارد.	
wash water	آب شست‌وشو	/wɒʃ 'wɔ:.tər/
Wash water from equipment must be properly treated.	آب شست‌وشوی تجهیزات باید به‌درستی تصفیه شود.	
water absorption	جذب آب	/'wɔ:.tər əb'zɔ:p.ʃən/
Water absorption affects the strength of construction materials.	جذب آب بر استحکام مصالح ساختمانی تأثیر می‌گذارد.	
water level	سطح آب	/'wɔ:.tər 'lev.əl/
The water level in the canal rose after the rainfall.	سطح آب در کانال پس از بارندگی بالا آمد.	
water of infiltration	آب نفوذی	/'wɔ:.tər əv ,ɪn.fil'treɪ.ʃən/
Water of infiltration can raise the groundwater table.	آب نفوذی می‌تواند سطح آب زیرزمینی را بالا ببرد.	
water of saturation	آب اشباع	/'wɔ:.tər əv ,sætʃ.ə'reɪ.ʃən/
Soil pores are completely filled with water of saturation.	منافذ خاک به‌طور کامل با آب اشباع پر شده‌اند.	
water pollution	آلودگی آب	/'wɔ:.tər pə'lu:.ʃən/
Industrial waste causes severe water pollution.	پسماند صنعتی باعث آلودگی شدید آب می‌شود.	
water stop	نوار آب‌بند (برای جلوگیری از نشت)	/'wɔ:.tər stɒp/

A water stop is placed in concrete joints to prevent leakage.	نوار آب‌بند در درزهای بتن برای جلوگیری از نشت قرار می‌گیرد.	
water supply	تأمین آب	/'wɔ:.tər sə'plai/
The construction site needs a reliable water supply.	محل ساخت‌وساز نیاز به تأمین آب قابل اطمینانی دارد.	
water-level observation	مشاهده سطح آب	/'wɔ:.tər 'lev.əl ,ɒb.zə'veɪ.ʃən/
Water-level observation is essential for flood prediction.	مشاهده سطح آب برای پیش‌بینی سیلاب ضروری است.	
waterproofing course	لایه عایق رطوبتی	/'wɔ:.tər pru:.fɪŋ kɔ:s/
The foundation includes a waterproofing course to prevent leakage.	پی شامل لایه‌ای عایق رطوبتی برای جلوگیری از نشت است.	
weathered sill	آستانه هوازده	/'weð.əd sɪl/
A weathered sill forms due to long-term erosion.	آستانه هوازده در اثر فرسایش طولانی‌مدت شکل می‌گیرد.	
weaving traffic	ترافیک بافتی (حرکت متقاطع خودروها)	/'wi:.vɪŋ 'træf.ɪk/
Weaving traffic can cause congestion at interchanges.	ترافیک بافتی می‌تواند در تقاطع‌ها باعث ازدحام شود.	
well graded	دانه‌بندی خوب (مخلوط دانه‌ای با اندازه‌های متنوع)	/wel 'greɪ.dɪd/
Well graded aggregates improve the strength of the pavement.	مصالح با دانه‌بندی خوب مقاومت روسازی را افزایش می‌دهند.	
wheel loads	بار چرخ	/wi:l ləʊdz/
Engineers must consider wheel loads when designing pavements.	مهندسان هنگام طراحی روسازی باید بار چرخ‌ها را در نظر بگیرند.	
wheelchair ramps	رمپ ویلچر	/'wi:l.tʃeər ræmps/
Wheelchair ramps ensure accessibility for disabled people.	رمپ‌های ویلچر دسترسی افراد معلول را تضمین می‌کنند.	
widening	عریض‌سازی	/'waɪ.dən.ɪŋ/
Road widening is necessary to reduce traffic congestion.	عریض‌سازی جاده برای کاهش ازدحام ترافیک ضروری است.	
widening on highway curve	عریض‌سازی در پیچ بزرگراه	/'waɪ.dən.ɪŋ 'haɪ.wei kɜ:v/

Widening on highway curves improves vehicle safety.	عریض‌سازی در پیچ‌های بزرگراه ایمنی وسایل نقلیه را افزایش می‌دهد.	
width on curves	عرض در پیچ‌ها	/wɪdθ ɒn kɜ:vz/
Extra width on curves prevents side collisions.	عرض اضافی در پیچ‌ها از برخوردهای جانبی جلوگیری می‌کند.	
windrow	ردیف مصالح (مانند شن یا آسفالت)	/'wɪnd.rəʊ/ or /'wɪn.droʊ/
The grader left a windrow of gravel along the road.	گریدر یک ردیف از شن در امتداد جاده باقی گذاشت.	
wing-wall culvert	کالورت با دیوار جانبی	/'wɪŋ.wɔ:l 'kʌl.vɜ:t/
A wing-wall culvert helps channel water flow and prevent erosion.	کالورت با دیوار جانبی به هدایت جریان آب و جلوگیری از فرسایش کمک می‌کند.	

Y

yield Sign	تابلو ایست واگذاری حق تقدم	/ji:ld sam/
You must slow down at a yield sign and give way to other vehicles.	باید در تابلو «حق تقدم» سرعت کم کرده و به خودروهای دیگر راه بدهید.	
Yaw	چرخش بدنه خودرو به دور محور عمودی	/jɔ:/
Excessive yaw can cause a vehicle to spin during sharp turns.	چرخش بیش از حد می‌تواند باعث سر خوردن خودرو در پیچ‌های تند شود.	
Y-Bridge	پل Y شکل	/waɪ brɪdʒ/
The Y-bridge connects three roads over the river.	پل Y شکل سه جاده را از روی رودخانه به هم متصل می‌کند.	
Yellow Line	خط زرد (علامت‌گذاری جاده برای جدا کردن مسیر)	/'jel.əʊ lam/
Do not cross the yellow line on a two-way road.	در جاده‌های دوطرفه از خط زرد عبور نکنید.	
Yielding	واگذاری حق تقدم	/'ji:l.dɪŋ/
Yielding is essential at uncontrolled intersections.	واگذاری حق تقدم در تقاطع‌های بدون کنترل بسیار مهم است.	
Yard	حیاط / محوطه کارگاه یا انبار	/jɑ:d/
The construction yard was filled with heavy equipment.	محوطه کارگاه پر از ماشین‌آلات سنگین بود.	
Y-Intersection	تقاطع Y شکل	/waɪ ɪn.tə'sek.ʃən/
At the Y-intersection, keep left to continue on the main road.	در تقاطع Y شکل، برای ادامه مسیر اصلی در سمت چپ بمانید.	
Young's Modulus	مدول یانگ (ضریب الاستیسیته)	/'jʌŋz 'mɒd.jʊ.ləs/
Young's Modulus is used to measure material stiffness.	مدول یانگ برای اندازه‌گیری سختی مواد استفاده می‌شود.	
Yaw Rate Sensor	سنسور نرخ چرخش (در خودروها)	/jɔ: reɪt 'sen.sər/
The yaw rate sensor helps maintain stability in curves.	سنسور نرخ چرخش به حفظ پایداری در پیچ‌ها کمک می‌کند.	
Yoke	بست، گردگیر یا مهارکننده مکانیکی	/jəʊk/
The yoke connects the shaft to the transmission.	بست، شفت را به گیربکس متصل می‌کند.	
Yield Line Markings	خطوط راهنمای حق تقدم (روی سطح جاده)	/ji:ld 'ma:rkɪŋz/

Yield line markings indicate where drivers must yield.	خطوط راهنمای حق تقدم محل توقف برای واگذاری حق تقدم را نشان می‌دهند.	
Yaw Stability	پایداری چرخشی (پایداری خودرو در برابر انحراف)	/jɔː stəˈbɪləti/
Electronic systems help improve yaw stability in slippery conditions.	سیستم‌های الکترونیکی به بهبود پایداری چرخشی در شرایط لغزنده کمک می‌کنند.	
Yardang (in desert road construction)	یاردانگ (برآمدگی‌های بادی در مناطق بیابانی که مانع راهسازی می‌شوند)	/'jɑːrdæŋ/
Yardangs must be removed or bypassed when building roads in deserts.	یاردانگ‌ها باید در زمان احداث جاده در بیابان حذف یا دور زده شوند.	
Y-Strainer (in drainage systems)	صافی Y شکل (در سیستم‌های زهکشی یا لوله‌کشی برای جدا کردن ذرات)	/waɪ ˈstreɪnər/
A Y-strainer is installed to filter out debris from stormwater drains.	صافی Y شکل برای فیلتر کردن ذرات از زهکش آب باران نصب می‌شود.	
Yield Stress	تنش تسلیم (حداکثر تنشی که ماده قبل از تغییر شکل دائم تحمل می‌کند)	/jiːld stres/
Steel used in bridges must have high yield stress.	فولاد مورد استفاده در پل‌ها باید تنش تسلیم بالایی داشته باشد.	
Yaw Damper	دمپر چرخش (برای کنترل نوسانات چرخشی در وسایل نقلیه یا هواپیما)	/jɔː ˈdæmpər/
The yaw damper reduces side-to-side motion in airplanes and trains.	دمپر چرخش نوسانات جانبی را در هواپیماها و قطارها کاهش می‌دهد.	
Yarding (in timber transport roads)	حمل چوب (کشیدن تنه‌های درخت در جاده‌های جنگلی)	/'jɑːrdɪŋ/
Yarding is used to transport logs from the forest to the access roads.	حمل چوب برای انتقال تنه‌ها از جنگل به جاده‌های دسترسی استفاده می‌شود.	
Yearly Average Daily Traffic (YADT)	میانگین روزانه سالیانه ترافیک	/'jɪəli ˈævərɪdʒ ˈdeɪli ˈtræfɪk/
YADT helps planners understand long-term traffic patterns.	میانگین روزانه سالیانه ترافیک به برنامه‌ریزان در درک الگوهای ترافیکی بلندمدت کمک می‌کند.	
Yaw Angle	زاویه چرخش (زاویه انحراف خودرو یا هواپیما نسبت به محور قائم)	/jɔː ˈæŋɡl/
A high yaw angle indicates loss of directional control.	زاویه چرخش بالا نشان‌دهنده از دست رفتن کنترل جهت‌گیری است.	
Yield Criterion	معیار تسلیم (معیاری برای تعیین شروع تغییر شکل دائم در مواد)	/jiːld kraɪˈtɪəriən/
Engineers use the von Mises yield criterion for structural analysis.	مهندسان از معیار تسلیم فن‌مایز برای تحلیل سازه‌ای استفاده می‌کنند.	

Yawing Moment	گشتاور چرخشی (حول محور قائم؛ نیرویی که باعث انحراف وسیله می‌شود)	/'jɔ:ɪŋ 'moʊmənt/
Crosswinds can cause a yawing moment on large trucks.	باد جانبی می‌تواند گشتاور چرخشی بر روی کامیون‌های بزرگ ایجاد کند.	
Yard Limit	محدوده مانورگاه (بخش مشخصی از ایستگاه یا مسیر ریلی برای عملیات قطار)	/jɑ:rd 'lɪmɪt/
Trains must operate at reduced speed within the yard limit.	قطارها باید در محدوده مانورگاه با سرعت کاهش‌یافته حرکت کنند.	
Yield Point	نقطه تسلیم (نقطه‌ای که ماده شروع به تغییر شکل دائم می‌کند)	/ji:ld pɔɪnt/
The steel reached its yield point under the applied load.	فولاد تحت بار اعمال‌شده به نقطه تسلیم خود رسید.	
Yaw Control	کنترل انحراف (سیستمی برای کنترل چرخش وسیله نقلیه حول محور قائم)	/jɔ: kən'troʊl/
Modern cars have electronic yaw control systems.	خودروهای مدرن دارای سیستم‌های الکترونیکی کنترل انحراف هستند.	
Yard Track	خط مانورگاه (ریل‌هایی در ایستگاه برای پارک، مرتب‌سازی یا نگهداری قطار)	/jɑ:rd træk/
The freight cars were stored on a yard track awaiting assembly.	واگن‌های باری در خط مانورگاه منتظر سوار شدن بودند.	

Specialized Glossary of Road, Transportation & Traffic Terms

(Including +1000 Technical Terms with Definitions and Usage Context)